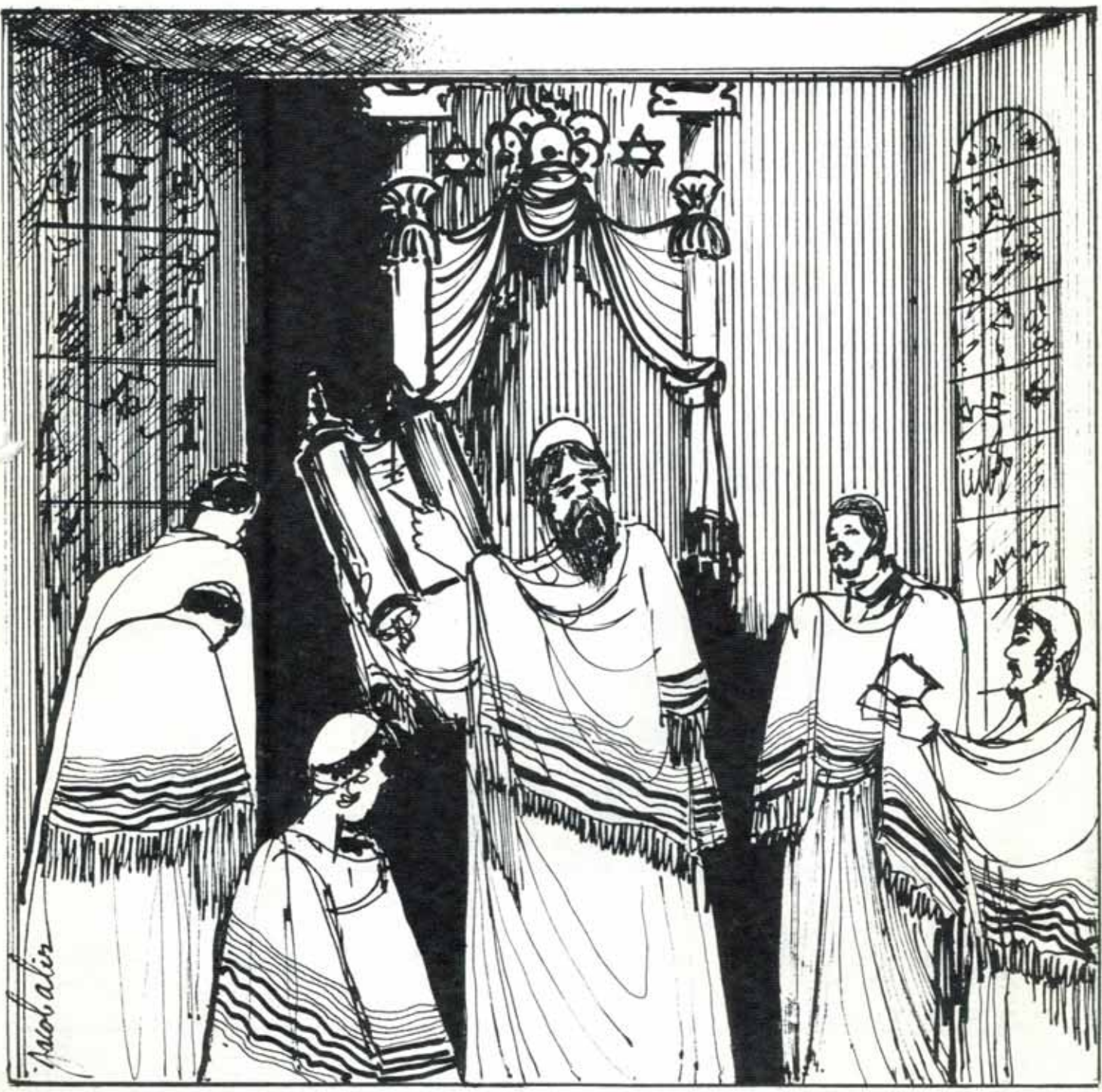


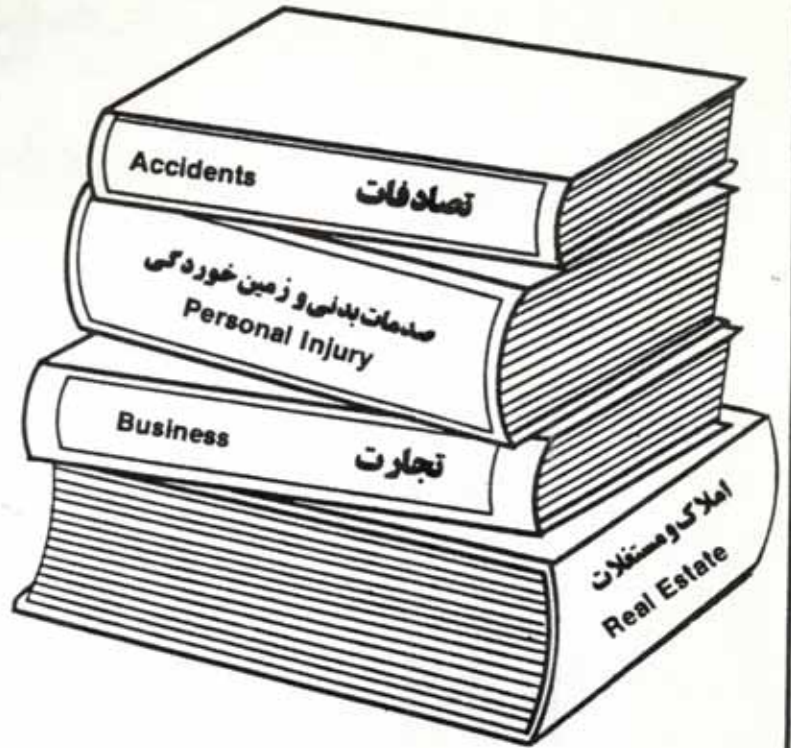
فدراسیون یهودیان ایرانی

شופار
نشریه
SHOFAR

Iranian Jewish Federation

نشریه شوفار - سال دوازدهم - شماره ۷۶ - آگست ۱۹۹۳ - شهریور ۱۳۷۲





Law Office of
ODETTE L. ASHLEY

من ایرانی هستم و فارسی صحبت میکنم

دفتر حقوقی

اودت آشلی

(لادن آشوری)

وکیل مجرب با داشتن بیش از نه سال سابقه در دعاوی چندین میلیون دلاری
بزرگترین شرکتهای آمریکا و برنده بودن در تمام دعاوی

اکنون در دفتر جدید واقع در «سنجوری سیتی»

آماده دفاع از حقوق شماست

در امور تصادفات تا زمانی که حق شما دریافت نشده از شما وجهی دریافت نمی شود.

PENTHOUSE

1901 Ave. of the Stars
Century City, CA 90067

Tel: (310) 553-9090

Fax: (310) 556-1740

مفتخریم افتتاح دفتر جدید خود را در سانفرانسیسکو با اطلاع برسانیم

CENTURY DISCOUNT PHARMACY

حراج فوق العاده وبی سابقه در داروخانه های

سنجری

عدهای سودجو با استفاده از شهرت و صداقت داروخانه سنجری خود را بجای آن معرفی می نمایند لطفاً داروخانه سنجری را که فقط در دو محل زیر فعالیت دارد بادیگران اشتباه نکنید

MAKING CHILDREN'S TYLENOL acetaminophen ELIXIR



Relieves children's fever and pain without aspirin complications



4 fl oz

شربت تایلنول برای سرماخوردگی بچه ها ۲ اونس قیمت معمولی ۶/۸۰ قیمت حراج ۳/۹۹ دلار

EXTRA STRENGTH TYLENOL PM Caplets

تایلنول ام دو برابر قدرت ۵۰ تایلین قیمت ۱/۳۰ قیمت حراج ۲/۹۹ دلار

MYLANTA



ORIGINAL FLAVOR

شربت مایلانتا ضد گاز و ضد اسیدی دو برابر قدرت ۲۴ اونس قیمت معمولی ۱۲/۲۵ قیمت حراج ۶/۹۹ دلار

EXTRA STRENGTH TYLENOL Caplets

175 CAPLETS - 500 MG EACH

قرص تایلنول دو برابر قدرت ۵۰۰ میلی گرم ۲۰۰ تایلین قیمت ۱۵/۹۰ دلار قیمت حراج ۸/۹۹

Imodium A-D ANTI-DIARRHEAL



4 FL OZ (120 ML)

شربت ایمودیوم ضد اسهال قیمت ۷/۸۰ دلار قیمت حراج ۲/۲۹ دلار

EXTRA STRENGTH TYLENOL Tablets

قرص تایلنول دو برابر قدرت ۵۰۰ میلی ۱۷۵ عددی قیمت معمولی ۱۵/۲۵ قیمت حراج داروخانه های سنجری ۸/۹۹ دلار

INFANTS' TYLENOL acetaminophen

Fast, effective relief of infants' fever and pain

قطره تایلنول اطفال ۳۰ میلی گرم ۸/۹۹ دلار قیمت حراج ۵/۹۹ دلار

REGULAR STRENGTH TYLENOL Tablets

200 TABLETS - 325 MG EACH

تایلنول معمولی ۲۰۰ تایلین قیمت ۳/۱۲ دلار قیمت حراج ۱/۹۹ دلار



قرص مایلانتا ۸۰ میلی گرمی قیمت ۱۳/۳۲ دلار قیمت حراج ۷/۹۹ دلار

مرکز وسایل سلامتی و بهداشتی در منزل

شعبه وست لوس آنجلس
 ۱۱۸۷۰ سانتامونیکا بلوار
 در شاپینگ سنتر صورتی رنگ
 تلفن: ۱۵۶۸-۴۷۳ (۳۱۰)

شعبه بورلی هیلز
 ۴۱۵ کورسنت درایو شمالی
 در مدیکال بیلدینگ روبروی
 سیتی هال بورلی هیلز
 تلفن: ۵۹۹۹-۲۴۶ (۳۱۰)

اولین داروخانه در لوس آنجلس
 که قیمت های فدکو - سیوان
 و تریفتی را می شکند

کارنامه سلامتی خود را سالانه

از دکتر

مهناز طبیب زاده

دریافت

دارید



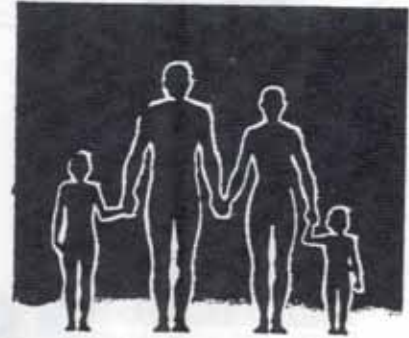
کنترل وزن



زنان



تصادفات



عمومی



نوار قلب

رایگان

در صورت انجام چک آپ کامل

از دواج

16661 Ventura Blvd., Suite 211
Encino, CA 91436
(818) 789-7893



چک آپ

SHOFAR

IRANIAN JEWISH FEDERATION
6505 Wilshire Blvd., Suite 811
Los Angeles, CA 90048
Tel: (213) 655-7730
(213) 655-7731
FAX: (213) 655-1221

نشریه شوفار - سال دوازدهم
شماره ۷۶ آگست ۱۹۹۳
شهریور ۱۳۷۲

• شوفار برسیله ندراسیون یهودیان ایران که سازمانی است غیرانتفاعی منتشر می شود .
هدف ما اعتلای فرهنگ یهود، حفظ و بزرگداشت ارزشهای قومی و اخلاقی یهودیت و توسعه فرهنگ ایران زمین در میان یهودیان ایرانی خارج از کشور است

زیر نظر شورای نویسندگان:

دکتر سلیمان آقائی - مدیر مسئول

صیون ابراهیمی - سردبیر

الیاس اسحاقیان - مدیر داخلی

دکتر هوشنگ ابرامی - شکوه درویش

نینا استوا - فرزانه طالعی

گیتی بروخیم - سام کرمانیان

دکتر یاروخ بروخیم - گیتا کروبیان

نوراله خرازی - دکتر فریدون نصرتی

ابراهیم ویکتوری

طرح ها از: مهندس جیکوب عبیر

خبرنگار عکاس: منصور پور اتحاد

• نویسندگان و ملاحظاتی که ترسته هایشان در این نشریه به چاپ میرسد همگی قلم خود را برایگان در اختیارشما گذاشته اند .
• مقالاتی که باذکر نام نویسنده و یا منبع خبری چاپ می شود در محدوده مسئولیت خود نویسنده و آن منبع خبری است .
• نقل و انتباس مطالب شوفار یا ذکر ماخذ آزاد است .

بهای درج يك نويت آگهی

تمام صفحه (داخل) ۲۵۰ دلار

نصف صفحه ۱۵۰ دلار

يك سوم صفحه ۱۲۰ دلار

تلفن درج آگهی ۷۷۳۰ - ۶۵۵ (۲۱۳)

«راه بگشائید، راهی فراخ ، و سنگ انباشته ها را از پیش پای ملت من بردارید.»

از هفتارای «و آمر سولوسولو»

به پیشواز روش هسانا و از پی آن کیپور میرویم.

سال نو را به همه همکیشانمان شادباش میگوئیم. به سالی که پشت سر گذاشته ایم نگاه میکنیم. سالی که بخاطر تلاطم اقتصاد جهانی و بویژه مشکلاتی که از این لحاظ گریبانگیر آمریکا بوده، مردم ما در این سرزمین با سختی های بسیار دست به گریبان بوده اند. به سالی سخت که پشت سر گذاشته ایم می نگریم و به سالی که در پیش است چشم میدوزیم و آرزو می کنیم که سالی خالی از دغدغه و نگرانی های مالی برای مردم دنیا باشد.

اما این تنها دشواری نبوده که در سال گذشته مردم ما در این سوی کره خاکی با آن دست به گریبان بوده اند. نسلی که وقتی ما به این سرزمین آمدیم نوجوان بودند، اکنون به ثمر رسیده و هر یک کم و بیش به استقلال فردی دست یافته اند. تلاطم عاطفی که این گروه از عزیزان ما، در این وانفسای دوگانگی معیارهای اجتماعی، سنتی و اخلاقی شرقی و غربی با آن دست به گریبان بوده اند، ثمراتی نه چندان خوشایند بدنبال داشته: برخوردها، جدائی ها و سرگشتگی ها. بر سر راه زندگی نسل جوان ما «سنگ انباشته» هائی که یسعیای نبی از آن سخن میگوید بسیار است و دست یابی به یک راه حل قاطع برای رفع این مشکلات چندان آسان نیست، اما آن گروه از خدمتگزاران جامعه که دل در گرو رفع مشکلات مردم خود دارند، با پیگیری مداوم در حل اینگونه مسائل کوشا هستند.

از سوی دیگر هموطنان ما و بویژه همکیشان درونمرزیمان روز به روز به دشواریها و گرفتاریهای بسیار بر میخورند و نیاز به یاری دارند و بالاخره دیگر همکیشان هموطنمان در دیگر نقاط جهان کم مسئله ندارند. و تازه این مشتی از خروار است.



و شوفار، با فرارسیدن روش هشانا، به دوازدهمین سال موجودیت خود پا میگذارد.

نشریه ای که با تلاش مداوم گروهی از نویسندگان و شاعران و دانشمندان و پژوهندگان دلبسته به یهودیت و میراثهای گرانبهای آن نه فقط نزد مردم ما جانی ویژه دارد، بلکه روزنامه نگاران و نویسندگان سرشناس غیر یهودی ایرانی نیز بر محتوای پر بار آن صحنه گذاشته اند. نشریه ای که برای اولین بار بعنوان صدای آزاد و بی انقیاد یهودیان ایرانی زبان گشود و از خودمان گفت - از میراث هایمان ، سنت هایمان ، رنج هایمان و قرن از پی قرن نگفته هایمان. نشریه ای که بخش جدائی ناپذیری از جامعه یهودیان ایرانی شده است. و در اینجا، جا دارد همه الطاف و مهربانی هائیرا که شما خوانندگان خوب شوفار بما روا میدارید ، سپاس بگوئیم.

سال نو بر همگان مبارک باد و تعنیت و تشیوای کیپور شما پذیرفته باد.

انسانهای مسئول در متن جامعه ما و نیز سازمانهایی که به آن تعلق دارند، شاهد این دشواریها بوده و با همه توان خود در پی رفع آن هستند و فدراسیون یهودیان ایرانی همه این سازمانها را زیر چتر خود دارد. دستاوردهای این توده وسیع از مردم ما و سازمانهایشان چشمگیر است و در خور تحسین و ستایش - چرا که بدنبال وحدت و یگانگی و یکپارچگی جامعه خود هستند، صرفنظر از اینکه آحاد این جامعه در کدام گوشه جهان سکنی دارند.

رهبری منتخب و مورد شناخت و اطمینان جامعه و در راس آن هیئت امناء و هیئت اجرایی فدراسیون یهودیان ایرانی، بدون هیچگونه ادعا و گزافه گوئی و بی اعتناء به آنانکه یسعیا در هفتارای «وآمرسولوسولو» درباره آنان میگوید: «... اما بدکاران چون دریائی خروشانند که آرامش نتوانند. دریائی که خیزابه هایش لجن و پلیدی می پراکند» ، بکار مردمی خود ادامه میدهند.



کیتترینگ کاشربهادر

«اعتبار کیتترینگ های لوس آنجلس»

محفل های گرم و خاطره انگیز خود را با غذاهای خوشمزه و انتخابی کیتترینگ بهادرترئین و تکمیل فرمائید.
بهادرپرسابقه ترین کیتترینگ کالیفرنیا با کادر ورزیده و مدیریت صحیح ارائه دهنده سرویس برتر و کیفیت بهتر به شما و مهمانان عزیز میباشد.

از مشاوره آزادانه با مدیریت بهادر کیتترینگ بهره مند شوید.

(818) 222-6067

۷۱۳۵-۶۰۹ (۸۱۸)

آدرس: 6027 1/4 Reseda Blvd., Tarzana, CA 91356

گزارشی از

جلسه هیئت امنای فدراسیون یهودیان ایرانی

نمودن فعالیتهای مشترک فدراسیون یهودیان ایرانی با جوئیش فدریشن اعلام نمودند.

پس از تشکر از حضور خانم بل و آقای فیشل در جلسه ابتدا آقای یونس نظریان گزارشی درباره مسافرت خود به اسرائیل دادند. آنگاه آقای مایکل سیمانیان از طرف نمایندگان یکی از نهادهای جدیدی که از سوی گروهی از جوانان جامعه ما بنیان نهاده شده بنام Jewish Political Education سخن گفتند و اهداف سازمان خود را که بطور خلاصه آشنائی دادن افراد جامعه یهودی ایرانی با ساختار سیستم سیاسی آمریکا است تشریح کردند و اضافه نمودند که بدلیل عدم آشنائی مردم ما با امکاناتی که بعنوان افراد مقیم یا شهروند آمریکائی از لحاظ سیاسی و اجتماعی در اختیار دارند، متأسفانه با وجود اینکه جامعه ما جامعه ای پویا و فعال است، معهذا آنچنان که باید و شاید از این توان خود بهره نمی گیرند. ایشان اضافه نمودند که چنانچه این نیروها در راستای اهداف مشترک جامعه بسیج شود، دیری نخواهد پائید که جامعه یهودیان ایرانی مقیم آمریکا بکلیه حقوق سیاسی و اجتماعی خود آشنا شده و شاید بتوانند در مجالس قانونگذاری ایالتی و حتی فدرال آمریکا نیز نمایندگانی داشته باشند.

آقای دکتر اسحق اف نیز به نمایندگی از سوی «گروه جوانان یهودی» ایرانی وابسته به آکادمی نصیح طی سخنانی اهداف و فعالیتهای این گروه را توضیح دادند. بنا به گزارش ایشان، «گروه جوانان یهودی»

هیئت امنای فدراسیون یهودیان ایرانی ساعت شش و نیم بعد از ظهر پنجشنبه ۱۲ آگوست ۱۹۹۳ در سالن اجتماعات جوئیش فدریشن آمریکائی تشکیل جلسه داد.

در این جلسه، علاوه بر رسیدگی به دستور جلسه و کار عادی هیئت، چند میهمان شرکت داشتند که از نظر اهمیت گزارشهایی که از سوی این مدعوین به هیئت امنای فدراسیون یهودیان ایرانی داده شد، لازم دیدیم که خلاصه ای از گزارشهای مزبور را به اطلاع خوانندگان شوفار برسانیم.

خانم تری بل، رئیس فدراسیون یهودیان آمریکائی لوس آنجلس بزرگ و معاون ایشان آقای جان فیشل، در این جلسه شرکت کردند، و طی بیانات جداگانه ای از حضور دائمی فدراسیون یهودیان ایرانی در متن فدراسیون لوس آنجلس بزرگ و همکاریهای چندین ساله این دو سازمان با یکدیگر در راستای آرمانهای مشترک آنها سپاسگزاری نموده و تاکید کردند که یکپارچگی و توان سازمانهای یهودیان ایرانی متمرکز در زیر چتر فدراسیون یهودیان ایرانی از دیدگاه ایشان حائز توجه و اهمیت فراوان میباشد.

خانم بل که سابقه چهل سال خدمت به جوامع یهودی و غیر یهودی را پشتوانه دارند، از تاریخچه اولین یهودیان مقیم لوس آنجلس و چگونگی همبستگی آنان در راه ایجاد یک سازمان متشکل و نیرومند مرکزی سخن گفتند و سپس پیشنهادات و نظریاتی را درباره هماهنگ

جامعه خود در آمده اند. خدمات بی شائبه این مرد مردم دوست، بویژه در طی سالهای اخیر و خطرات و سختی هائی را که ایشان، بخاطر مردم خود بجان خریده اند، باید - چنانچه شرایط اجازه دهد - بصورت کتابی جداگانه منتشر شود تا یکایک افراد جامعه ما از چگونگی فداکاریهای این یهودی راستین آگاهی یابند.

پس از ادای احترام و سپاسگزاری از جناب راو بعل هنس، ایشان طی سخنانی با فروتنی بسیار سهم خود را در ادای وظیفه اجتماعی خود ناچیز خواندند و اعلام نمودند که کماکان حاضرند در خدمت مردم خود باشند. جلسه هئیت امناء پس از مذاکرات دربارہ سایر موضوعات مندرج در دستور جلسه، در ساعت ۹ بعد از ظهر پایان یافت.

بصورت پی گیر اقدام به تشکیل جلسات بحث و گفتگو و تصمیم گیری و بالاخره اقدام به رفع مشکلات جوانان و نوجوانان (از قبیل آشنائی با خطرات و مسائل مواد مخدر، ازدواج با خارج از مذهب، ایدز، روابط حسنه والدین با فرزندان و غیره) مینمایند. جناب راو داوید شوفت ضمن تائید فعالیتهای این گروه از کلیه نهادهای یهودی خواستند تا این گروه متعهد را پشتیبانی نمایند.

در این جلسه از جناب راو بعل هنس نیز دعوت به شرکت شده بود، تا از خدمات ایشان قدردانی بعمل آید. راو بعل هنس از آغاز نوجوانی بدلیل دلبستگی به یهودیت و آرمانهای آن و نیز علاقه مفراط به همکیشان خود، کلیه امکانات مادی را که برایشان میسر بوده بکنار گذاشته و بعنوان یک روحانی مردمی و متعهد به خدمت

Dr. Esagoff

داروخانه هپس

آدرس: ۲۳۳ لاسینگای جنوبی
چند قدم پائین تر از ویلشر بلوار

دربورلی هیلز

دکتر آشر اسحق اف

HEPPS PHARMACY
233 S. La Cienega Blvd.
Beverly Hills, CA 90211
(½ Block South of Wilshire Blvd.)
(310) 652-0550

• قبول اکثر بیمه های درمانی و مدیکال
• تحویل دارو و سفارشات بطور رایگان در نزدیکی داروخانه
• لوازم بهداشتی و آرایشی

دکتر لیدیا حکیمزاده

دندانپزشک

16550 Ventura Blvd., Suite 320
Encino, CA 91436

(818) 784-2414

درمان بیماریها و لثه و جراحی لثه

درمان بیماریهای ریشه دندان (روت کانال)

ساخت و کشهای چینی و پروتزهای ثابت و متحرک

ترمیم دندانهای شکسته و دندانپزشکی زیبایی (باندینگ)

دندانپزشکی کودکان و پیشگیری از پوسیدگی دندانها

قبول بیمه های دندانپزشکی

مروری بر وقایع اخیر مرزهای لبنان و اسرائیل

شاید در ابتدا همه چیز به نفع حافظ اسد پیش میرفت، زیرا افزایش تلفات در اسرائیل دو دستگی ایجاد کرده بود و دمشق بر این اعتقاد بود که اسرائیل در اثر فشار آمریکا و افکار عمومی بلندبهای گولان را باز پس خواهد داد. ولی وقایع نشان داد که حافظ اسد در محاسبات خود دچار اشتباه بوده است، زیرا سیاستی که اسحق رابین در پیش گرفت که پشتیبانی ضمنی آمریکا را نیز به همراه داشت حافظ اسد را از رسیدن به مقصود باز داشت.

۲ - سیاست اسرائیل - حوادث روزهای آخر ماه جولای برای اسرائیل مسائل فوق العاده مشکلی پیش آورده بود. حملات حزب الهی ها به مرز امنیتی اسرائیل حتی طرفهای فلسطین مذاکرات صلح را برآن داشته بود که در انجام تقاضاهای خود سرسختی بیشتری نشان دهند و حتی کنترل کامل اورشلیم شرقی را خواستار شوند. اما دولت کلینتون با درک وقایع پشت پرده این بار، فشار را بیشتر متوجه سوریه کرد و فرستادگان دولت آمریکا آقایان دنیس راس و ادوارد جرجیان اعلام کردند که سوریه باید حزب اله را از انجام عملیات فرسایشی باز دارد تا شرایط بهتری برای مذاکرات صلح سوریه و اسرائیل ایجاد شود. در خواست آمریکا سوریه را با حقایق تازه ای مواجه کرد. بر خلاف تصور حافظ اسد اسرائیل نه تنها امتیازی به سوریه نداد بلکه آمریکا نیز درباره پس دادن گولان اسرائیل را تحت فشار قرار نداد. طبق اظهار نظر محافل آگاه فشار آمریکا بیشتر متوجه سوریه بود و آمریکا از سوریه می خواست که نظر خود را درباره مذاکرات صلح هر چه زودتر صریحاً اعلام دارد.

از طرفی دمشق نیز بعلمت سیاستهای افراطی خود در بین دول منطقه در انزوای کامل قرار گرفته است زیرا عربستان سعودی موافقت خود را برای یک قرار داد صلح کامل اعلام نموده، کویت از بایکوت شرکت های غیر اسرائیلی دست برداشته است و نخست وزیر اردن صریحاً

وقایع اخیر برخوردارهای مرزی اسرائیل و لبنان و بمباران یک هفته روستاهای لبنان در قبال عملیات تروریستهای حزب اله و گروه فلسطینی جبرئیل، مسائل بسیاری را در محافل سیاسی خاورمیانه مطرح کرده است که پاسخ به همه آنها شاید امکان پذیر نباشد. مثلاً چرا اسرائیل به چنان حمله شدیدی مبادرت ورزید؟ آیا امکان جلوگیری در این گونه حملات وجود دارد؟ اگر این حملات را جنگی تمام عیار تصور کنیم برنده آن که بوده است؟

اگر چه هنوز زود است که بتوان درباره نتایج این حملات به درستی اظهار نظر کرد، ولی این وقایع میتواند ما را به حقایق پشت پرده ژئوپلیتیک خاورمیانه و مشکلات مذاکرات صلح بیشتر آشنا کند. همچنین بنظر میرسد این حملات نشانگر روابط تازه ایست که آمریکا با هر یک از طرفهای درگیر دارد. بنابراین برای اینکه بهتر بتوان این مسائل را تحلیل نمود، باید نکات زیر را مورد توجه قرار داد:

- نقش سوریه - بزرگترین هراس اسرائیل در هر جنگی که اتفاق می افتد یکی غافلگیر شدن در شروع جنگ - مانند حملات مصر و سوریه در جنگهای ۱۹۷۳ است دیگری جنگهای فرساینده ای است که طی آن سربازان اسرائیل هدف نیروهای دشمن قرار گرفته و کشته میشوند. کشورهای عربی نیز از این ناتوانی و هراس اسرائیل آگاهی کامل دارند. بنابراین سوریه در چند ماه اخیر برای مجبور کردن اسرائیل به دادن امتیاز در مذاکرات صلح به عملیات فرسایشی بر علیه اسرائیل از طریق حزب اله و سایر دست نشاندهگان خود در مرزهای اسرائیل و لبنان مبادرت ورزیده تا شاید اسرائیل به ملاحظه تلفات نظامی و غیر نظامی به خواستهای سوریه تن در دهد. حافظ اسد تصور میکرد با این عملیات افکار عمومی اسرائیل که مخالف باز پس دادن بلندبهای گولان میباشد برای جلوگیری از یک جنگ کلی و تلفات بیشتر به این امر راضی شود.

راجع به امکان امضاء قرار داد صلح با اسرائیل سخن میگوید و حتی کشوری مانند لیبی نیز نسبت به قرار داد صلح با اسرائیل نظر موافقی نشان میدهد. این عوامل به اضافه خطری که از طرف عراق سوریه را مورد تهدید قرار میدهد سوریه را در تنگنای عجیبی قرار داده است.

اما سوریه از طرفی نیز باید نگران روابط خود با ایران باشد زیرا ایران که از نظر ایدئولوژی رهبری حزب اله را در سدت دارد و از طرفی نیز تأمین کننده سلاحهای آن میباشد، حزب اله را به اعمال خشونت های بیشتر ترغیب مینماید، و اگر سوریه بخواهد دنباله روی سیاست ایران باشد روابط خود را با آمریکا در خطر جدی قرار خواهد داد.

بهمین خاطر نیز سوریه اجباراً از جانبداری از سیاست های ایران در منطقه دست برداشته است زیرا این کشور بيشتر باید نگران عکس العمل سایر دول عرب باشد تا تهران بخصوص آنکه سنی اکثریت سکنه کشورهای عربی و خود سوریه اینک از وابستگی به یک کشور شیعه نظر خوبی ابراز نمیدارند.

در خود اسرائیل نیز شرایط برای دولت رابین روز بروز مشکلتر میشد - اینک بیش از یکسال از زمامداری رابین میگذرد و با آنکه او وعده داده بود بعد از نه ماه خواهد توانست به صلح با اعراب دست یابد اکنون هیچ نشانه ای از این صلح به چشم نمی خورد. وزرای حزب مرتز که خواهان صلح به هر قیمتی هستند او را برای مذاکرات مستقیم صلح با سازمان آزادیبخش فلسطین سخت زیر فشار قرار داده اند و از طرفی احزاب دست راستی به رهبری بنیامین نتنیا هو دولت رابین را بعلت شکستهای خود در جلوگیری از تروریسم و دادن امتیازات بیش از حد به اعراب به باد انتقاد و حمله گرفته اند.

در این میان حملات حزب اله علیه منطقه امنیتی اسرائیل روز بروز شدت می یافت نیروی منطقه امنیتی که تحت حمایت کامل اسرائیل است در قبال حملات حزب اله کاملاً ناتوان مینمود و از طرفی میزان تلفات سربازان اسرائیل نیز رو به افزایش میرفت بطوریکه در ماه جولای بیش از ده سرباز در این منطقه به قتل رسیده بود که بالاترین رقم تلفات بعد از جنگهای سال ۱۹۸۲ لبنان بود و حملات توپخانه و موشک های کاتیوشای حزب اله مناطق شمالی اسرائیل در گالیل را به ویرانی میکشید.

بنابراین رابین میبایست تصمیمی جدی اتخاذ کند. بهمین دلیل اسرائیل نیروهای زیادی را در این منطقه جمع کرد و نیروی هوائی اسرائیل به پروازهای شناسائی پرداختند ولی حزب اله از حملات خود دست برنداشت و حتی اسرائیل را ببر کاغذی خواند. لحظات تصمیم گیری نهائی بزودی فرا میرسد - زیرا در صورتی که دولت اسرائیل باز هم ساکت میماند نه تنها اعتماد داخلی خود را از دست میداد بلکه از لحاظ بین المللی نیز بی اعتبار تلقی میشد.

از طرفی رابین نگران آن بود که یک حمله شدید نه تنها به مذاکرات صلح لطمه میزد بلکه محکومیت بین المللی را به همراه میآورد. و جامعه اسرائیل نیز که هنوز از زخیمهای جنگ های ۱۹۸۲ بهبودی کامل نیافته بود در دو دلی کامل بود. بنابراین میبایست ضمن زدن ضربه کاری به حزب اله از کشتار مردم عادی لبنان تا آنجا که میسر بود جلوگیری میشد.

در روز ۲۵ جولای ارتش اسرائیل حملات خود را از طریق بمباران مراکز تجمع حزب اله از زمین و هوا آغاز نمود. وسعت این حملات دره بقاع را نیز در بر گرفت. در ابتدا پایگاههای حزب اله و نیروهای احمد جبرئیل مورد حمله قرار گرفتند. عکس العمل این دو گروه در قبال حمله اسرائیل شلیک تعداد زیادی موشک به نواحی شمالی گالیل بود که موجب قتل دو نفر گردید. سپس با اعلام اخطار به اهالی منطقه برای تخلیه آن اشخاص غیر نظامی، بمباران روستاهائی که افراد حزب اله و تروریست های احمد جبرئیل را پناه داده بودند آغاز گردید و این امر باعث فرار بیش از ۵۰۰ هزار تن از ساکنین منطقه به بیروت گردید. بدین ترتیب نظر رابین در مورد اینکه این آوارگان دولت لبنان را مجبور به خلع سلاح حزب اله خواهند نمود به حقیقت پیوست. معهذاً جریان حمله به ساده گی صورت نگرفت زیرا وزرای عضو حزب دست چپی مرتز نخست وزیر را مورد انتقاد قرار دادند و از طرف دیگر تعدادی از رسانه های گروهی اسرائیل این عمل را از نظر اخلاقی مردود دانسته و آنرا مخالف ایده های جامعه دمکرات اسرائیل میدانستند بخصوص که پشتیبانی همه جانبه احزاب دست راستی، طرفداران صلح را بیشتر خشمگین کرده بود. در این میان دولتهای انگلیس، فرانسه و آلمان ناخشنودی خود را از حمله اسرائیل اظهار داشتند. اما در آمریکا سخنگوی دولت اعلام نمود که از

دریدری بسیاری از آواره ها متاسف میباشد و رئیس جمهور کلینتون از طرفین منازعه خواست که از حملات خود دست بردارند.

ولی نکته ای که حیرت بسیاری از محافل سیاسی را برانگیخت آن بود که برخلاف عکس العملی که هنگام تبعید ۴۰۰ تروریست حماس در سال گذشته بعمل آمد عکس العمل جهانی و حتی کشورهای عرب بسیار اندک بود، زیرا وقایع جنگهای یوگوسلاوی سابق و تبرئه دمانیوک در اسرائیل افکار عمومی را بیشتر تحت تأثیر قرار داده بود.

میتوان گفت نتیجه این حمله و عدم عکس العمل جهانی برای حافظ اسد یک شکست بسیار بزرگ بود بخصوص اینکه تنها عکس العمل کشورهای عربی در قبال آواره شدن ۵۰۰ هزار نفر لبنانی و کشته شدن چند سرباز سوریه فقط وعده کمک به آواره گان بود. این امری است قابل درک زیرا اکثر کشورهای عربی از تهدید روز افزون رژیم اسلامی ایران و دست نشانده آن حزب اله بیشتر می هراسند تا از حملات انتقامی اسرائیل. و از طرفی آنها مایلند مذاکرات صلح هر چه زودتر به نتیجه برسد و بیشتر نگران آند که عملیات حزب اله به رهبری سوریه کار مذاکرات صلح را به بن بست کامل بکشاند.

اشتباه اسد این بود که تصور میکرد دولت

آمریکا برای نجات مذاکرات صلح اسرائیل را تحت فشار قرار خواهد داد در صورتی که حقایق خلاف آنرا نشان داد و این مسئله ایست که حافظ اسد آنرا در محاسبات خود بحساب نیاورده بود.

۳ - مذاکرات وارن کریستوفر - موافقت با آتش بس با پا در میانی آمریکا راه را برای مسافرت وارن کریستوفر وزیر امور خارجه آمریکا باز نمود، و بنظر میرسد اسد اینک آماده گی بیشتری برای امضاء قرار داد صلح با اسرائیل دارد. اگر چه هنوز نمیتوان گفت تمام مشکلات برطرف شده است ولی بنظر بسیاری از محافل سیاسی کریستوفر توانسته است نظریات سوریه و اسرائیل را بهم نزدیک تر نماید و همچنین به دولت لبنان اجازه داده است که نیروهای خود را در مرزهای اسرائیل و لبنان متمرکز نموده و از ورود افراد حزب اله ممانعت بعمل آورد.

اظهار نظر درباره موفقیت قطعی عملیات نظامی اسرائیل بسیار مشکل است ولی یک نکته حائز اهمیت است و آن اینکه دولت کلینتون بر خالف دولت بوش حملات متقابل اسرائیل را دفاع عادلانه میشناسد و آنرا با ماده ۵۱ اساس نامه سازمان ملل منطبق میداند. اما بهر حال اسرائیل نیز باید هر چه زودتر تصمیم نهائی خود را که مالا در سرنوشت آن کشور تأثیر بسیاری خواهد داشت - درباره صلح و آشتی با اعراب اتخاذ نماید.

صدای همصدائی

برنامه ای از صیون ابراهیمی

در خدمت شناساندن فرهنگ یهودیان ایرانی به همگان

هر یکشنبه شب

از ساعت نه و نیم تا ده و نیم

در رادیوی صدای ایران

به جمع برنامه سازان و شنوندگان برنامه صدای همصدائی پیوندید

J. A. JACOB ABIR, ASID
 ARCHITECTURAL INTERIOR DESIGNER
 10717 Wilshire Boulevard, Suite 203
 Los Angeles, California 90024
 [310]470-9228

مهندس عبیر استاد دانشکده معماری
 دانشگاه ملی

طرح و نظارت:
 ساختمان های اداری، فروشگاه، رستوران، هتل،
 منازل و محوطه سازی

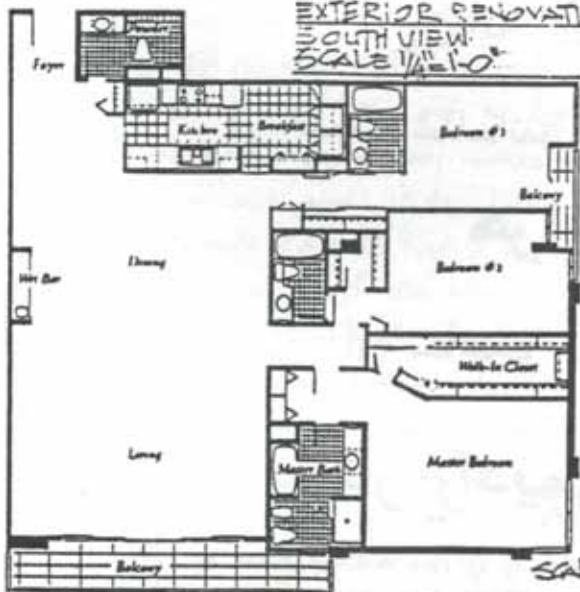


EXTERIOR RENOVATION - 1611 ST. PHILADELPHIA
 SOUTH VIEW
 SCALE 1/4" = 1'-0"

کلاس های

نقشه و معماری داخلی

تلفن: (310) 470-9228



2 1/2 BED ROOM
 1ST & 2ND FLOOR
 SALE PLAN 1/4" = 1'-0"

خبرهائی از جهان یهود

حزب لیکود و مذاکرات صلح

اخیراً حزب لیکود در پارلمان اسرائیل دولت را متهم نمود که در مذاکرات صلح با اعراب موضع ضعیفی گرفته و امتیازاتی که به فلسطینیان میدهد آنقدر اساسی است که امنیت داخلی اسرائیل را به خطر انداخته است. موشه نیسیم که در کنست (پارلمان اسرائیل) از سوی حزب لیکود سخن میگفت، خطاب به دولت اسرائیل گفت: «شما هر قدر برای تجدید و ادامه مذاکرات صلح در واشنگتن به اعراب التماس کردید، آنها بر میزان تقاضاها و خواسته های غیر عادلانه خود افزودند. شما با اجازه دادن به فیصل حسینی برای پیوستن به هیئت نمایندگی فلسطین، اصل عدم شرکت سازمان فلسطین در مذاکرات صلح را زیر پا گذاشتید. شما به فلسطینیان اجازه دادید، حتی قبل از اینکه مذاکرات صلح به جایی برسد، برای خود پلیس جداگانه داشته باشند - پلیسی که طبعاً دستورات خود را از سازمان فلسطین میگیرد.»

شیمعون پرز، وزیر خارجه اسرائیل در پاسخ گفت: «دادن حق خود مختاری به فلسطینیان از ابداعات حزب لیکود بود. در طی حکومت هشت ساله اسحق شامیر، این حزب لیکود بود که عملاً مذاکرات صلح را فلج کرده بود.»

سوریه در فهرست کشورهای پشتیبان تروریسم
وزارت کشور آمریکا بار دیگر نام سوریه را بدلیل پناه دادن به تروریست های فلسطینی و گروههای دیگری که در تروریسم بین المللی دست دارند در فهرست کشورهای پشتیبان تروریسم قرار داده است. کشورهای دیگری که نامشان در این لیست قرار دارد عبارتند از لیبی، ایران، عراق، کوبا و کره شمالی.

دارو برای مغولستان

اخیراً بدلیل وقوع طوفان و برف شدید در مناطقی از مغولستان، سازمان ماگن داوید دوم مقادیر قابل توجهی دارو و لوازم پزشکی به این کشور ارسال داشتند. این محموله از طریق چین به اولان با تور در مغولستان فرستاده شد.



دوريس نادال یکی از دستگیر شدگان

دستگیری طرفداران برتری نژادی

در ماه جولای امسال سازمان اف . بی . آی . هشت نفر از اعضای یک سازمان نژاد پرست را که در نظر داشتند رادی کینگ و تعداد زیادی از رهبران اجتماعی و مذهبی یهودیان و سیاهان آمریکا را به قتل برسانند دستگیر نمود.

نزد افراد این گروه مقادیر قابل توجهی اسلحه و مهمات و تصاویر هیتلر کشف گردیده است. یکی از افراد این گروه در جریان تهیه بسته پستی قابل انفجار برای فرستادن به راو مایکل میرسون یکی از رهبران مذهبی یهودیان اورنج کانتی بوده است. راو میرسون در این خصوص به خبرنگاران گفت: «بعنوان یک رهبر مذهبی مومن، من هرگز خط مشی خود را در مبارزه با برتری نژادی و حرکات ضد یهودی با اینگونه تهدیدها تغییر نمیدهم.»

سازمانهای یهودی آمریکائی و بویژه مرکز وینزنتال شدیداً نسبت باین جنبش های خطرناک به مقامات امنیتی آمریکا اخطار کرده اند.

افزایش سرعت رانندگی

وزارت راه اسرائیل اعلام داشت که بزودی حداکثر سرعت در بسیاری از شاهراههای اسرائیل از ۹۰ کیلومتر در ساعت به ۱۰۰ کیلومتر افزایش خواهد یافت.



یارون سوری گزارشگر اسرائیلی در میان نئونازی ها

در حوالی ماه مارچ ۱۹۹۳، یارون متوجه شد که باید میلیونر مورد گفتگو با نئونازیها را به آنان نشان دهد وگرنه مورد تردید قرار خواهد گرفت و اینجا بود که مرکز سیمون ویزنتال نفر بعدی را وارد معرکه کرد. ریچاردایتون، پژوهشگر ۴۰ ساله ای که سالهاست در خدمت این مرکز است باین ماموریت گمارده شد. ریچارد بلافاصله موهای بلند خود را قیچی کرد و به شکل ثروتمندان به سرو وضع خود ترتیبی داد و با اجاره کردن یک سویت در یکی از هتل های بزرگ فرانکفورت، سه تن رهبران نئونازی را به هتل دعوت کردند. ریچارد ایتون در حضور آنها چند تلفن به پاریس و نیویورک به شرکای فرضی خود نمود در میان گروه نئونازیها یکی از نگهبانان هیتلر که با لیبی و عراق نیز روابطی داشت و نیز یکی از مقامات امنیتی بازنشسته آلمان که تاکنون هیچ کس به تمایلات او شک نبرده بود حضور داشتند. ولفگانگ جوخم، رهبر این گروه فاش کرد که نزدیک به ۱۰۰۰۰ نفر را زیر فرماندهی خود دارد و چندین بار تکرار کرد که به اعتقاد او در جنگ جهانی دوم آنطور که باید و شاید یهودی کشی نشده است.

نشو نازیها و اهداف آنان

پس از آنکه در سال ۱۹۹۲ افراطیون نشو نازی و دیگر طرفداران برتری نژادی دست به ۲۲۸۵ فقره عملیات گوناگون ضد نژادی زدند، مرکز سیمون ویزنتال برای بدست آوردن اطلاعات کافی از سیستم داخلی این نهضت اقداماتی را آغاز نمود و از این بابت مبلغ ۲۰۰۰۰۰ دلار بودجه تخصیص داد.

برای انجام این عملیات، یاریون سوری، گزارشگر ۳۸ ساله اسرائیلی که خود فرزند یک از بازماندگان هالوکاست بوده و در ارتش اسرائیل بعنوان چترباز و در پلیس اسرائیل بعنوان کارآگاه خدمات زیادی انجام داده و نیز با سازمان مبارزه با مواد مخدر آمریکا نیز همکاری داشته - داوطلب شد. نامبرده بقدری از اطلاعاتی که بدست آورده بود خشمگین بود که پذیرفت بدون دریافت حق الزحمه ای باین کار اقدام نماید.

یارون برای انجام این ماموریت آماده شد. بیمه عمر خود را افزایش داد، با میکروفونهای مخفی مجهز شد و با نام جعلی «ران فیوری» و عنوان یک روزنامه نگار دست راستی استرالیائی، عازم آلمان شد و در آنجا به در خانه و دفتر نشو نازیهای سرشناس رفت و از محل بودجه ای که در اختیار او گذاشته شده بود، مهمانیهای پر خرجی برای این رهبران بر پا کرد و به آنان اطلاع داد که یک نشو نازی استرالیائی میلیونر حاضر است بمیزان نامحدود پول در اختیار نهضت های آنان قرار دهد. همزمان با این وعده و وعید ها، یارون سوری اطلاعات ذیقیمتی از این افراد کسب کرد و با همکاری گروه مخفی که سی . بی . اس در اختیار او قرار داده بود، این اطلاعات را به مرکز سیمون ویزنتال مخابره نمود.



کال ویلهلم کراوس (سمت چپ) در کنار ریچارد ایتون

طلاق شرعی در یهودیت

با توجه باینکه در دین یهود بدون رضایت مرد، طلاق زن مسجل نمی شود و این مرد است که باید طلاق شرعی را که «گت» نامیده میشود امضاء نماید - این موضوع همیشه باعث شده است تا در ازدواجهایی که منجر به طلاق میشود، مردان از «گت» بعنوان حربه ای علیه همسر خود استفاده کرده از او امتیازاتی غیر عادلانه بگیرند.

هر چند شاخه های کنسرواتیو و فرم یهودی از سالها پیش هر گروه به طریقی بر این مسئله فائق آمده اند، «گت» بعنوان یک مسئله اساسی همچنان در میان یهودیان تندرو باقی مانده بود تا اخیراً «شورای ربانوت آمریکا» که متجاوز از هزار راو ارتدکس عضو آن هستند پذیرفت که این امر در قراردادهای قبل از ازدواج ملحوظ گردد.

زنانی که در این محصله گرفتار آمده اند «آگونوت» یا «زنان در زنجیر» نامیده میشوند و تعداد آنان در آمریکا متجاوز از هزار نفر و در اسرائیل بین ۵۰۰ تا ۱۵۰۰۰ نفر تخمین زده میشود. «زنان در زنجیر» از ازدواج بعدی بدون داشتن «گت» منع شده و چنانچه از این دستور پیروی نکنند و تن به ازدواج بدهند، هم ازدواج آنان باطل بوده و هم فرزندان آنان غیر مشروع تلقی میشوند.

بر اساس تنها فرم قرار داد پیش از ازدواجی که به تصویب «شورای ربانوت آمریکا» رسیده، همگام جدائی (و نه طلاق شرعی) شوهر موظف به پرداخت مقرری هفتگی به همسر خود میباشد و شوهر پیش از ازدواج از حق خود نسبت به درآمدی که زن در طی این مدت دارد و در هلاخا تعیین شده صرفنظر میکند.

مبارزه با خرناسه

یکی از متخصصان اسرائیلی اخیراً به کشف دستگاهی نائل شده که بشدت از خرناسه کشیدن در خواب جلوگیری مینماید این وسیله که بزودی تحت نام «دکتر نوم» به بازار خواهد آمد عبارت از دستگاهی است که به دست شخص نصب میشود و او را از خوابیدن طاق باز که یکی از دلایل خروپف است باز میدارد. تحقیقات انجام شده توسط کارشناسان ثابت کرده است که این دستگاه تا ۸۱ درصد از خرناسه کشیدن اشخاص در خواب جلوگیری نموده است.

باین ترتیب یارون سوری توانست تا پایان آوریل ۱۹۹۳ بیش از دویست نفر از رهبران عمده شناخته نشده نازی در اروپا و آمریکای جنوبی را شناسائی نماید که تعداد قابل توجهی از این افراد سمت های بالائی در آلمان و دیگر کشورهای اروپائی داشتند.

همزمان، عدم پرداخت پولهای که یارون سوری به نئونازیها وعده داده بود داشت موجب درد سر او میشد و وی قول داد که در روز تولد هیتلر که ۲۰ آوریل است کلیه این وجوه را در اختیار آنان بگذارد - و این درست روزی بود که مرکز سیمون ویزنتال اطلاعاتی را که یارون سوری و یاراتش کسب کرده بودند برملا کرد.



از چپ برآست: یارون سوری، راو ماریواهیر و ابراهام کویر

دولت آلمان در آغاز کوشید تا این قضیه را بی اهمیت جلوه دهد، اما پس از پذیرفتن واقعیت وجود نهضت نئونازی در آلمان، هیچگونه اقدام قاطعی برای دستگیری این افراد شناسائی شده انجام نداد و پیروان مرکز سیمون ویزنتال اعلام نمود که فشار خود را از طریق بین المللی بر آلمان آنقدر افزایش خواهد داد تا دولت بن در این مورد دست به اقدام مقتضی بزند.

نگرانی از حمله عراق به اسرائیل

دولت کلینتون قبل از حمله اخیر موشکی به قسمت ارتباطات شهر بغداد نگران این نکته بود که مبادا عراق به تلافی این عمل اسرائیل را با موشکهای اسکاد مورد حمله قرار دهد. بهمین دلیل قبل از اقدام به حمله مقامات آمریکائی اسحق رابین نخست وزیر اسرائیل را در جریان جزئیات حملی موشکی خود به عراق قرار دادند. همزمان، دولت اسرائیل به مقامات مشول آماده باش داده بود که در صورت حمله عراق به اقدام تلافی جویانه مبادرت نماید. ژنرال یاراک رئیس ستار ارتش اسرائیل اظهار نمود که در روز ۲۷ ژوئن «روز بعد از حمله» ما کلیه اقدامات لازم را بعمل آورده بودیم و بنابراین لزومی به نگرانی مردم وجود نداشت.

عضو جدید دیوان عالی قضائی آمریکا



پرزیدنت کلینتون یک بانوی قاضی یهودی را بنام روت گینزبرگ برای عضویت دیوان عالی قضائی در آمریکا پیشنهاد نمود و این پیشنهاد بدون اینکه با مخالفت عمده ای روبرو گردد، به تصویب رسید.

بازگشت تروریست اخراجی

اخیراً دولت اسرائیل به ابوعجاوا ۳۷ ساله که یکی از ۴۰۰ نفر تروریست های اخراجی از اسرائیل بود اجازه بازگشت داد - علت این امر زد و خورد شدیدی بود که در بین خود تروریستها صورت گرفت و ابوعجاوا را دو نفر از این افراد را با تبر زخمی کرده بودند.

کاهش جنایت در اسرائیل

طبق آمار منتشره از طرف وزارت پلیس میزان جنایت در اسرائیل، پس از بستن مناطق یهودا و شومرون و غزه و جلوگیری از ورود اعراب این مناطق بشدت کاهش یافته است. بموجب این آمار در طی اینمدت میزان دزدی اتومبیل ۴۰ درصد - جنایات جنسی ۲۶ درصد و بطور کلی ۲۳ درصد سایر جنایات کاهش یافته است.

اتباع اسرائیل در آمریکا

بموجب آمار اداره مهاجرت آمریکا در شش ماه گذشته در حدود ۱۲۰۰۰ تن از اتباع اسرائیل که در آمریکا اقامت دارند به تابعیت آمریکا در آمده و ۳۶۶۵۱ نفر نیز به اخذ اجازه اقامت دائم نائل شده اند.

همبستگی میان یهودیان و مسیحیان

یکی از بزرگترین گروههای پشتیبان اسرائیل در آمریکا، مسیحیان اوانجلیست هستند که اختلاف اعتقادی آنان با یهودیان از دیدگاه یهودیان امری ناخوشایند است. پیام کشیشان اوانجلیست در پشتیبانی از اسرائیل بویژه تائید آنان نسبت باین امر که سرزمین اسرائیل را خداوند به یهودیان وعده داده از طریق رادیو و تلویزیونهای سراسری پخش میشود.

ارگانی که نام آن «دوستان پیام خداوند» است از متجاوز از ۴۵۰۰۰۰ فرد در کلیسای مسیحی تشکیل گردیده و مجله ارگان آن بنام «اسرائیل، افتخار من» بیش از ۲۵۰۰۰۰ نفر مشترک دارد. این ارگان در سرتاسر آمریکا سمینارهای گوناگونی برای پشتیبانی از اسرائیل تشکیل داده و تورهای مسافرتی زیادی به اسرائیل ترتیب میدهد. بر اساس آمار منتشر شده از طرف سازمان توریستی اسرائیل، ۴۰ درصد از ۱۸۰۰۰۰۰ توریست های مسیحی که در سال ۱۹۹۲ از اسرائیل بازدید کرده اند را زیارت کنندگانی تشکیل میداد که از سوی سازمانهای دینی مسیحی به اسرائیل رفته بودند.

علاوه بر این گروهها اوانجلیست به مهاجرت یهودیان شوروی سابق به اسرائیل نیز کمک فراوان نموده و به بیمارستانها و مراکز پزشکی نیز کمکهای قابل توجهی مینمایند.

مقامات مذهبی یهودیان در اسرائیل و آمریکا، بویژه رهبران ارتدکس بیم آن دارند که کمکهای مزبور به تبلیغات مذهبی اوانجلیست ها تسری داده شود چرا که هدف اصلی این گروه مذهبی را شناساندن «مسیح موعود» خود میدانند. معهذا رهبران میانه روی مذهبی یهود این امر را خطری جدی تلقی نمی کنند چون معتقدند که بیشتر یهودیان اصل مذهب مسیح را می شناسند و همچنین مسئولان اوانجلیست تاکید می کنند که بهیچوجه بخود اجازه نمیدهند در امور مذهبی سرزمینی که تا باین حد برای آنان مقدس است مداخله کنند.

ایجاد گردان جمازه سوار در اسرائیل

ارتش اسرائیل اخیراً واحد جدیدی را به واحدهای نظامی خود افزوده است و این واحد یک گروه جمازه سوار خواهند بود که با شتر مرزهای بیابانی اسرائیل و همسایگان عربش را تحت نظارت قرار خواهند داد.

ضد یهودیگری در ژاپن

یک آگهی که در ماه گذشته در روزنامه معروف ژاپنی «نیهون کیزائی» (معادل وال استریت جورنال در آمریکا) بچاپ رسید، باعث ایجاد واکنش های شدید شده است. در این آگهی گفته شده است: سقوط بورس، ترقی ین و بحرانهای سیاسی، تصادفی نیست. پس از به زانو در آوردن اروپا، آمریکا و روسیه، سرمایه داری یهود اکنون بسراغ ژاپن آمده است.» در این آگهی کتابی بنام «آخرین دشمن به ژاپن شلیک میکند» برای فروش معرفی شده که در آن آمده است که یهودیان در صدد نابودی ژاپن و به بردگی در آوردن سکنه آن هستند.

در این آگهی، علاوه بر مطالب فوق، عکسی از یک اسکناس ۵۰۰۰ ینی کلیشه شده و درباره تصویر پشت اسکناس که کوه فوجی است گفته شده که این تصویر در حقیقت کوه سینا است نه کوه فوجی (!) و این نشانه آن است که بانک مرکزی و وزارت دارائی ژاپن در حال حاضر تحت کنترل یهودیان میباشد.

راو اوراهام کوپر - رئیس موسسه سایمون ویزنتال در لوس آنجلس از نشریه نیهون کیزائی خواست تا رسماً در مورد انتشار این آگهی از یهودیان عذر خواهی نماید. سخنگوی این روزنامه در پاسخ اعلام داشت که «هر چند ما از انتشار نوشته ها و آگهی های اهانت آمیز احتراز میکنیم، معهذا در مورد نظریات آگهی دهندگان و اعتقاداتشان اعمال سانسور نمی نمایم.» ما اطمینان داریم که دهنده آگهی قبل از دادن این آگهی بما، نسبت به درستی منابعی که از آن این اطلاعات را بدست آورده اند حصول اطمینان نموده اند.

هر چند تعداد یهودیان ژاپن زیاد نیست، معهذا از آغاز قرن جاری، احساسات ضد یهودی در ژاپن رو به

افزایش بوده و نوشته های ضد یهودی در دوره هائی که وضع اقتصادی نامناسب بوده، مورد توجه زیاد ژاپنی ها بوده است.

یهودیان لیبی و قذافی

رافائلو فلاح، رئیس سازمان جهانی یهودیان لیبی اخیراً اعلام داشت که اظهارات اخیر قذافی درباره اسرائیل و یهودیان لیبی صادقانه است. بقرار اطلاع، قذافی به فلاح گفته است که به یهودیانی که از سال ۱۹۴۸ به بعد از لیبی گریخته اند حاضر به پرداخت غرامت نسبت به دارائی هائی است که از خود در لیبی بجا گذاشته اند.

بنا به اظهار فلاح، این غرامت به صدها میلیون دلار بالغ میگردد. قذافی به فلاح تاکید کرده است که یهودیان لیبیائی تبار - از جمله صد هزار نفر از این افراد که اکنون ساکن اسرائیل میباشند، میتوانند از لیبی بازدید بعمل آورند.

تظاهرات ساکنان گولان

ماه گذشته در اورشلیم تظاهراتی با شرکت بیش از ۴۰۰۰ نفر از مخالفان سیاست «زمین در برابر صلح» برگزار گردید که در آن رهبر حزب لیکود بنیامین ناتانیاهو طی سخنانی واگذاری بخش هائی از اورشلیم، گولان، یهودیه و سامره را بشدت محکوم کرد.

همزمان با این تظاهرات، پنج نفر از ساکنان گولان دست به اعتصاب غذا زده اعلام داشتند این عمل را برای جلب توجه جهانیان انجام میدهند. زهاواشرایبر عضو موشاو «نو» که مادر هفت فرزند است گفت: «رابین پیش از انتخابات قول داده بود که در ازای صلح زمین نخواهد بخشید. او نباید این قول را فراموش کند.»

سایه فیلم

انجام کلیه کارهای عکاسی و ویدیو

منصور پور اتحاد مدیر فتوآسیا - تهران

شماره ۳۵۱ رابرتسون جنوبی - بورلی هیلز

تلفن: (310) 652-3333

Law Offices of
STANLEY C. FRANKLIN
A Professional Law Corporation

استنلی فرانکلین

با سابقه ترین وکیل شناخته شده در جامعه ایران کالیفرنیا

با همکاری

پری فرانکلین



یک تلفن به دفتر ما کافیست

(818)

۲۴ ساعته

901-0344

وکیل متخصص در امور

تصادفات اتومبیل

با پرداخت کمترین حق الوکاله

Design: Saeed Sladani

5900 Sepulveda Blvd., Suite 340 Van Nuys, CA 91411

به آتش کشیدند و سه ترک را به قتل رساندند.

اطریش:

طبق همه پرسی که توسط انستیتوی گالوپ در ۲۴ اکتبر ۱۹۹۲ بعمل آورده شد معلوم گردید که: نوزده در صد اطریشها ترجیح میدهند که با افراد غیر یهودی سرو کار داشته باشند و یک تن از هر سه تن اطریشی معتقد است که هالوکاست و کشتار دسته جمعی یهودیان در دوران حکومت هیتلر در آلمان صحت نداشته و یهودیان آنرا ساخته و مستمسک برای سوءاستفاده و تبلیغات نموده اند.

سی و یک در صد از ۲۰۰۰ نفری که در این همه پرسی شرکت نموده بودند اذعان نمودند که به داشتن یهودی در همسایگی خود تمایلی ندارند در حالیکه نوزده درصد ترجیح میدادند که اطریش بطور کلی از سکنه یهودی پاک گردد و بیست و پنج در صد ترجیح میدهند که یهودیان از داشتن سمت های مهم و احراز مقامات عالی مملکتی منع گردند و شش در صد حتی مایل نیستند که دست یک فرد یهودی را بفشارند.

چند ساعت پس از انتشار این گزارش «سیمون ویزنتال» ترتیب یک راه پیمائی اعتراض آمیز را داد که در آن بیش از ۸۷۰۰۰ نفر شرکت کردند. با وجود سرمای شدید و باد و باران که مزاحمت فراوانی ایجاد می نمود این تظاهرات بدون هیچگونه تصادم و برخورد و با سکوت مطلق انجام گرفت و فقط افراد شعارهایی علیه آنتی سمی تسم حمل می نمودند. در این راه پیمائی تعداد زیادی از اعضای احزاب مختلف اطریش شرکت داشتند و یک سخنگوی «گرین پارتی» اعلام نمود که ترکیب افرادی که در این راه پیمائی شرکت نموده بودند بسیار جالب توجه بود. راه پیمایان علت پرداختن به این تظاهرات را حمله به قبرستان یهودیان در وین و حمله و وارد کردن خسارات به ۲۴ محل از اماکن مقدسه و کنیساها و سبزه‌های یهودیان اعلام داشتند.

در این حملات تعدادی سنگهای مقبره ها شکسته شده و دندانهای طلای مردگان به سرقت رفته است. مقامات پلیس «وین» با اظهار تاسف از این پیشامد ها اذعان نمودند که باندازه کافی پلیس و مراقب برای برقراری نظم و حفظ قبور ندارند. این حمله پیرو دیدار شهردار اورشلیم «تدی کولک» و همسرش از اطریش صورت گرفت. علاوه بر این نژو نازی ها دست

آنتی سمی تبسم

در اروپا و آمریکا

آلمان:

جنایات و خشونت‌های بوقوع پیوسته در آلمان پس از الحاق آلمان شرقی و غربی بیکدیگر و تشکیل یک کشور واحد نگرانی مقامات مسئول جامعه یهودیان اروپا را برانگیخته است.

تلفیق دو آلمان که در ماه اکتبر ۱۹۹۰ بوقوع پیوست باعث نگرانی کشورهای همجوار آلمان نیز شده است.

در اپریل ۱۹۹۱ از طریق رسانه های گروهی، جامعه یهودیان آلمان نگرانی خود را نسبت به تجدید حیات نژو نازیسیم و عملیات افراطیون تند رو راستگرا ابراز داشته و به حکومت آلمان از این بابت هشدار داده شد تا اقدام مقتضی معمول دارد.

در سپتامبر ۱۹۹۲ در شهر روستاک پلیس با جوانانی که به آسایشگاه پناهندگان خارجی حمله نموده و در حال فرار بودند بر خورد شدیدی داشت.

در اگوست ۱۹۹۲ دوستان جوان راستگرای فاشیست در حالیکه مردم و تماشاگران از آنان استقبال می نمودند با پلیس در خارج از هتل روستاک به مقابله پرداختند.

در نوامبر ۱۹۹۲ یکهزار و پانصد پلیس از پیشرفت نژو نازیستها بطرف قبرستان ۵۵ سرباز در «هلب» جلوگیری بعمل آوردند.

در نوامبر ۱۹۹۲ نژو نازی ها دو خانه را در برلین

به تظاهراتی در مقابل زندان «گراز» زدند و درخواست نمودند که «فرانز راول» نازی که هفته قبل زندانی شده بود آزاد گردد. «فرانز» برای احیای مجدد نازیسم فعالیت می نمود. مقامات پلیس به توقیف چند تن از تظاهر کنندگان پرداختند تا از بروز مکرر این حوادث جلوگیری بعمل آورده شود.

آمریکا:

در مورد شیوع آنتی سمی تیسیم در آمریکا نظرات مختلفی ابراز شده است. در جریان دو همه پرسی که توسط سازمان ADL صورت گرفت معلوم گردید که آنتی سمی تیسیم در آمریکا گاهی افزایش و گاهی کاهش می یابد.

«جری شاپیرو» معاون سازمان ADL میگوید: بر حسب آنکه موقعیت چگونه مورد قضاوت قرارگیرد آنتی سمی تیسیم در آمریکا با اخباری خوب و گاهی بد بگوش میرسد و در حال افزایش یا نقصان است. در ماه های اخیر سازمان ADL گزارشی در مورد وضع آمریکائیان در مقابل آنتی سمی تیسیم منتشر نمود و اعلام داشت که دو چیز در آن واحد در این کشور بوقوع پیوسته است.

اولین پدیده ای که بعنوان خبر خوب تلقی میشود اینستکه در سال ۱۹۹۲ هشت در صد احساسات آنتی سمی تیسیم در آمریکا نسبت به سال گذشته کاهش یافته است. این بزرگترین کاهش طی شش سال گذشته در آمریکا است. عملیات آنتی سمی تیسیم که عبارتست از خرابکاری و حمله به اماکن مقدس یهودیان ۵۰ در صد کاهش یافته که کوچکترین حدی است که تا بامروز دیده شده است. از طرف دیگر همه پرسی که توسط این سازمان صورت گرفته نشان داده است که در صد آنتی سمی تیسیم از ۳۶ در صد در سال ۱۹۶۴ به ۲۰ در صد در سال گذشته نقصان یافته است.

این مطلب نشان میدهد که با وجود این هنوز ۳۵ میلیون از افراد آمریکائی بشدت احساسات ضد یهودی دارند و هشتاد میلیون دیگر در این میان مردد مانده اند که هم می توانند به آنتی سمی تیسیم تمایل بیشتری پیدا کنند یا آنکه اصلاح شده مش خود را تعیین کنند و تمایلات ضد یهودی را مردود بدانند. هشتاد میلیون نفر از بقیه آمریکائیان بهیچوجه احساسات ضد یهودی ندارند. از گزارشات واصله چنین بر می آید که این

کاهش در جریان یکسال اخیر صورت گرفته و در طی چهارده سال گذشته در جامعه آمریکا ۱۷۳۰ مورد عملیات و حوادث ضد یهودی بوقوع پیوسته است.

با وجود آنکه در این خصوص آمار کافی در دست نیست، معهدا مقامات ADL اطلاع میدهد که جنایات ضد یهودی که در محیط دانشگاه ها و آموزشگاههای عالی در نقاط مختلف کشور روی داده است بمیزان ۱۲ درصد افزایش یافته است. «شاپیرو» این افزایش حوادث ناگوار را در دانشگاه ها برای دانشجویان ناراحت کننده دانسته و آنرا ناشی از احساسات ضد اسرائیلی و تبلیغات خصمانه ای میداند که در دانشگاهها با انتشار اطلاعاتی هائی توسط افراد نژاد پرست که منکر هالوکاست می باشند صورت میگیرد و سخنرانیهای یکی از رهبران سیاهان مسلمان «لوئی فراهان» مزید بر علت شده است. شاپیرو معتقد است که «با وجود اینکه حوادث ناشی از یهودی ستیزی کاهش یافته است، کیفیت آنتی سمی تیسیم نیز تغییر کرده است. مثلاً مقاله ای در نیویورک تایمز در ماههای گذشته منتشر شد که حاکی از آن بود که ضد یهودیگری بوضع چشم گیری بین افراد افزایش یافته است. این برداشت بدلیل خساراتی بود که به املاک یهودیان با کشیدن علامت صلیب شکسته بر روی دیوار منازل یا اماکن مقدسه وارد آمده بود.

آنتی سمیتها چه افرادی می باشند؟ طبق اظهارات مقامات ADL از گزارشات واصله پیرو همه پرسشها نتیجه گیری شده است که بیشترین افراد آنتی سمیت از میان آمریکائی هائی هستند که سنشان از ۶۵ سال گذشته و از طبقه کم سواد که تحصیلات آنان حداکثر دبیرستان یا کمتر است می باشند. این خود نشانه خوبی است زیرا این قبیل افراد از معلومات و موقعیت اجتماعی قابل توجهی برخوردار نبوده و با توجه به سن آنها، بتدریج از بین میروند.

ولی آنچه موجب نگرانی و توجه مقامات ADL است شیوع احساسات ضد یهودی بین سیاهپوستان آمریکائی میباشد که به نسبت جمعیت خود در صد بالاتری در قیاس با سفید پوستان ضد یهود در میان آنان وجود دارد. بهمین دلیل، مقامات مشول در ADL در صد تحقیق نسبت به علل این پدیده بر آمده اند و مجالس بحث و راه حل جوئی برگزار مینمایند.

امور حسابداری و مالیاتی خود را

به اشخاص متخصص **CPA** و با تجربه بسپارید

مؤسسه حسابداری و مشاوره مالی

الیاس عزیز لاوی CPA

عضو انجمن های حسابداری رسمی **CPA** کالیفرنیا و امریکا

عضو انجمن حسابداران خبره انگلستان **FCA**

دارای ۲۰ سال تجربه در امور حسابداری و مالیاتی

- تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی (افراد - شرکتهای سهامی و تضامنی - تراست ها)
- تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی هدیه (Gift Tax Return)
- مالیات برارث (Estate Tax Return)
- مشاوره در امور مالیاتی جهت کاهش بدهی مالیاتی، برنامه ریزی مالیاتی و ارزیابی Tax Shelter
- تهیه صورت محاسبه افزایش اجاره و هزینه های مربوط به ساختمان های تجاری و شاپینگ سنتر (C.P.I. and Pass Through Expenses)
- تهیه صورتهای مالی (Financial Statements) جهت اخذ وام از بانک ها و مؤسسات اعتباری
- طرح، تنظیم و سرپرستی سیستم های حسابداری مالی و حسابداری قیمت تمام شده
- مشاوره در امور سرمایه گذاری جهت خرید و فروش مؤسسات تجاری از قبیل کارخانجات، مؤسسات خدماتی، مغازه های خرده فروشی و عمده فروشی، صادرات و واردات
- مشاوره در امور مربوط به حسابرسی مالیاتی I.R.S. Audit و ادعای خسارت از شرکت های بیمه

ELIAS AZIZ-LAVI
CERTIFIED PUBLIC ACCOUNTANT

8907 WILSHIRE BLVD., SUITE 301
BEVERLY HILLS, CA 90211

Tel : (310) 657-2600

Fax: (310) 657-8981

شورای داوری و حل اختلاف



حاج حبیب القایان

با این مصوبه و اقدامات بعدی، انجمن کلیمیان از صورت یک ارگان انتصابی در خدمت نماینده وقت مجلس خارج شده و به یک سازمان منتخب دموکرات که نماینده مجلس رئیس آن نباشد تبدیل گردید و این تحول بزرگ کلید موفقیت همه اقدامات بعدی در راستای فعالیت های اجتماعی گردید. در راه تشکیل این کنگره زحمات شادروان

در تهران رویه صندوق ملی بر این بود که از سیاست درهای باز پیروی میکرد و مکرر اعلام میداشت که دفاتر هزینه ها و در آمد صندوق ملی بروی همگان باز است و حتی کسانی که هرگز به صندوق ملی کمکی نکرده باشند میتوانند به دفتر صندوق ملی مراجعه نموده و هر حسابی را که میل دارند مورد بررسی قرار دهند و علاوه برآن بیلان سالانه صندوق ملی در آخر هر سال جهت همه اعضا صندوق ارسال میشد و در نشریه صندوق ملی برای اطلاع عموم درج میگردد. افزون بر همه این رعایت ها در پایان هر سال گرد هم آئی بزرگی از اعضای صندوق ملی تشکیل میگردد که در آن گزارش مالی و اقدامات صندوق ملی مطرح شده و به نظر اعضا صندوق میرسد.

در گرد هم آئی آخر سال ۱۳۵۴ ضمن گزارش وضع صندوق ملی و اقدامات انجام شده اعلام نمودم که تاکنون ۳۸ سال است که در خدمت فعالیت های اجتماعی هستم و در انتخابات بعدی سال ۱۳۵۶ شرکت نخواهم کرد زیرا در طی این مدت آنچه که میتوانستم برای سازماندهی جامعه تلاش نموده و در عین حال تیم ورزیده ای از علاقمندان جوان و با استعداد که شور خدمت در سر دارند اینک بخوبی آماده در دست گرفتن وظائف خطیر رهبری امور جامعه هستند.

سپس شمه ای از اقدامات و فعالیت هائی که در راه تشکیل یک انجمن کلیمیان منتخب با آراء مردم و سازمان دهی انجمن کلیمیان و صندوق ملی را که ذیلاً بآن اشاره میشود، باستحضار رساندم.

در حقیقت قدم اول در راه تحول فعالیت های اجتماعی، برپائی نخستین کنگره بهبودیان ایرانی در سال ۱۳۳۶ و تصویب قطعنامه تفکیک انجمن کلیمیان از وظایف نماینده وقت مجلس شورا بود.



ابراهیم موره



جمشید کاشی

شادروان حاج حبیب القانایان با شخصیت جذاب و مورد احترام در مراجع ملی و کشوری و عضویت اطاق بازرگانی و موفقیت های درخشان صنعتی و تجاری و بانکی در نهایت سادگی و بدون هیچگونه تکلف و تکبر در مقام ریاست انجمن کلیمیان با کفایت و درایت بسیار به مقابله همه مشکلات میرفت. در اوایل امر همه جلسات با ماجرا و جنجال شرکت کنندگان از اصناف مختلف که برای شکایت بانجمن میآمدند و یا افرادی که مصدوم تبعیضات و تعصبات مذهبی بودند همراه بود. غالباً خانواده هائی که در آتش اختلاف میسوختند انجمن را مرکز داد خواهی خود قرار میدادند و با نعره و فریاد از انجمن کلیمیان راه حل مشکل خود را میخواستند. مرحوم حاج حبیب با تبسم دائمی و آرامش طبیعی که خصوصیت اخلاقی او بود و با شهامت و استحکام در مقابل مراجعین، امکانات انجمن را تشریح نموده و مشکل هر کسی را به فراخور حال و کار خودش با راه حلی نسبی فیصله میداد و باصطلاح خاص خودش «با صحت و شالوم» روانه میکرد.

بطور کلی درباره حاج حبیب القانایان باید گفت که شادروان از یک شهامت فوق العاده و اعتماد بنفس خاصی بر خوردار بود که با تمامی وجود همگی امکانات خود را در خدمت ملت قرار داده و همواره در پرداخت اعانات و برداشتن نخستین گام را برداشته و سر مشق بسیار جالبی برای همگان بود و جالب آنکه در

موسی کرمانیان، مرحوم مرتضی سنهی و همکاری شادروان ابراهیم موره و شادروان جمشید کاشی (که از شخصیت های ارزنده جامعه بودند)، آمریکن جوینت و تعداد دیگری از خدمتگزاران نقش اساسی داشت.

با وجود تصویب این قطعنامه پیشرفته و انقلابی که مرحوم دکتر حبیب لوی در کتاب تاریخ یهود بر آن نقطه تاکید نهاده، معهذاً سالها طول کشید تا پس از میارزات پی گیر بالاخره در سال ۱۳۳۸ نخستین انتخابات مردمی و آزاد برای تشکیل انجمن کلیمیان در سالن مجبان مدرسه کورش صورت تحقق یافت.

انجمن کلیمیان در آن تاریخ پایگاه مردمی خود را بعلت انتصابی بودن و نداشتن برنامه های حساب شده تا حدود زیادی از دست داده و وجهه عمومی نداشت در حقیقت سازماندهی انجمن کلیمیان و تهیه محلی مناسب برای جلسات و اجتماعات آن قدم مهمی بود که توسط آقای دکتر روح اله کهنیم دبیر انجمن در جریان انجام بود ولی اساسی ترین اقدامی که یک تحول بنیادی در سازمان دهی انجمن کلیمیان بوجود آورد مقبولیت همگانی در افکار عمومی برای انجمن فراهم آورد، تشکیل صندوق ملی بود. با این توضیح مختصر یک تصویر کلی از تشکیلات انجمن کلیمیان و صندوق ملی برای خوانندگان ترسیم میگردد. در اینجا لازم میدانم از سه شخصیت بسیار ارزنده که در تحول انجمن کلیمیان نقش اساسی داشتند یاد شود.

تمامی گرد هم آئی های صندوق ملی و جلسات پر شوری که برای تشویق و ترغیب مردم بمنظور قبول عضویت صندوق برگزار میشد حضور می یافت و این اقدام برای تشویق خدمتگزاران بسیار ارزنده بود.

با توجه به اینکه این مختصر توضیح هرگز برای توصیف شخصیت و خدمات ارزنده روانشاد القانیان جوابگو نیست، در فرصتی دیگر درباره این خدمتگزار صدیق جامعه، به تفصیل خواهم نوشت.

شادروان ابراهیم موره فرزند برومند حاخام حبیب موره، از مردان پر توان و با استعداد جامعه ما بود. او به چندین زبان خارجی آشنائی داشت و با اطلاعات وسیع مذهبی «شالیح صبیور» بسیار موفقی بود که برای شنیدن صدای رسای او در زیر چادر کنیسای عراقیها در روش هسانا و کیپور هزاران نفر از طبقات مختلف جمع میشدند و در همان ایام و در زیر چادر قسمت اعظم بودجه سالیانه آئزمان کانون خیر خواه تحت تأثیر سخنرانیهای آن خطیب کم نظیر جمع آوری میشد.

ابراهیم موره، در تحول انجمن کلیمیان از صورت انتصابی به صورت یک انجمن مردمی و منتخب سهم بسزائی داشت و بعد از اولین کنگره یهودیان ایرانی تا زمان تشکیل اولین انجمن مردمی، در پیشاپیش همه خدمتگزاران جامعه بمبارزه پرداخت و بهمین جهت نیز در اولین انتخابات هئیت مدیره انجمن کلیمیان بسمت نایب رئیس اول انجمن انتخاب شد. همکاران ابراهیم موره در این مبارزه بنیادی عبارت بودند از موسی کرمانیان، یوسف کهن، دکتر لقمان امینی، مهندس جهانگیر بنایان، و نگارنده این نوشته. در مورد خدمات آن شادروان نیز مطالب بسیاری وجود دارد که در این مقاله مختصر جای صحبت از آن نیست ولی بعداً به تفصیل در این باره خواهم نوشت.

شادروان جمشید کشفی از این جهت حق بزرگی برگردن جامعه ما دارد که اولین نماینده مجلس بود که موافقت کرد اصل تفکیک انجمن از حیطة قدرت نماینده وقت مجلس شورای ملی صورت تحقق بخود بگیرد. در حقیقت مبارزه پر دامنه ای که برای انتخاب جمشید کشفی صورت گرفت و من در سمت مشول ستاد انتخاباتی آن شادروان یکی از پر حادثه ترین مبارزات اجتماعی خود را پشت سر گذاشتم، در سرنوشت جامعه ما اثری بنیادی داشت. این انتخابات در حقیقت مبارزه برای رسیدن به هدف والای ایجاد یک انجمن کلیمیان

انتخابی مردم بر اساس موازین دموکراسی بود که داستان مفصلی دارد و خلاصه ای از آن بشرح زیر است.

در آن ایام برای نخستین بار بعد از سالیان طولانی، انتخابات مجلس شورای ملی بصورت مطلوبی در آمد و دو حزب اصلی آنروز یکی حزب دموکرات بریاست دکتر اقبال و دبیر کلی دکتر قاسمی و دیگری حزب مردم بریاست اسداله اعلم، به مبارزه انتخاباتی دست زدند. جمشید کشفی کاندیدای حزب دموکرات و مراد اریه کاندیدای حزب مردم بود. هیجان فوق العاده ای در این انتخابات ایجاد شده بود زیرا مسلم بود که اگر مراد اریه بار دیگر بوکالت انتخاب شود انجمن کلیمیان را تحت انقیاد خواهد آورد. ولی در عوض جمشید کشفی اعلام کرده بود که در صورت انتخاب شدن داعیه ریاست انجمن کلیمیان را نخواهد داشت بلکه بر عکس در خدمت انجمن، از اختیاراتی که بعنوان نماینده مجلس خواهد داشت برای پیشبرد اهداف انجمن استفاده خواهد کرد.

شبی که تعدادی از دوستان و همکاران در منزل کشفی جمع بودند، مرحوم جمشید کشفی بعد از تاخیر بسیار از ملاقات با دکتر اقبال رئیس حزب دموکرات بازگشت و با حالتی مایوس اعلام کرد که دیگر کار از کار گذشته است و دکتر اقبال باو ندا داده بود که شانس برای انتخاب نخواهد داشت. با شنیدن این مطالب یاس و افسردگی در میان حاضرین که کار خود را با شور و حرارت آغاز کرده بودند حکم فرما شد و چیزی نمانده بود که همگی حاضران در جلسه، فعالیت انتخاباتی را رها نموده و بخانه خود بروند.

در این زمان من از جای خود برخاستم و طی نطق کوتاه و پر شوری همکاران را به پایداری و ایستادگی دعوت کردم. بعد از مذاکرات بسیار باتفاق آراء تصویب شد اینجانب ساعت ۴ صبح فردا باتفاق آقای کشفی بدفتر دکتر اقبال برویم و من شخصاً نظریات ستاد انتخاباتی جمشید کشفی را که متکی به اکثریت جامعه یهودیان ایرانی بود باطلاع ایشان برسانم و آمادگی جامعه را برای هر گونه تلاش در راه انتخاب مرحوم کشفی صراحتاً اعلام نمایم. (دکتر اقبال مرد عجیبی بود. هر روز صبح زود بین ساعت ۴ الی ۵ در محل کار خود حاضر بود و بکسی هم قرار ملاقات نمیداد و هر کس که با او کاری داشت می بایست هر چه زودتر بدفتر کار او میآمد و به ترتیب نوبت بدفتر ایشان میرفت و مطالب خود را با دکتر اقبال درمیان میگذاشت)

شدیم و بعنوان اولین اقدام ستاد انتخاباتی را تجدید سازمان دادیم. اعضای ستاد مرکزی انتخاباتی عبارت بودند از لطف اله حی، شادروان موسی کرمانیان، صمد کشفی، و نگارنده.

از همان روز فعالیت های انتخاباتی خود را چند برابر نموده با تلاشها و مبارزات بسیار از پای نشستیم تا جمشید کشفی با موفقیت مقام وکالت را احراز داشت و همانطور که وعده داده بود بصورت عضو انجمن صادقانه در راه پیشبرد اهداف انجمن کلیمیان قدم برداشت. با این کیفیت، مقدمات پیشرفت انجمن کلیمیان و راه برای ایجاد صندوق ملی و متعاقبا شورای حل اختلاف هموار شد.

ساعت سه و نیم بامداد به منزل جمشید کشفی رفتم. کشفی هنوز خواب بود بیدارش کردم از خواب برخاست، لباس پوشید و با عجله روانه دفتر دکتر اقبال شدیم. در آنجا با استدلال کافی، مفضلا نظریات مردم را باطلاع دکتر اقبال رساندم. دکتر اقبال گفت: «اگر واقعا مردم شما تا این حد به کاندیدای خود علاقه دارند و حاضرند در یک مبارزه انتخاباتی پر مخاطره وارد شوند بفرمائید این گوی و این میدان ولی بدانید مبارزه بسیار سختی در پیش خواهید داشت و شرایط بنفع شما نیست، اما اگر نشان بدهید که واقعا مردم مبارزه هستید منم با شما همراهی خواهم کرد».

از دفتر دکتر اقبال با روحیه ای نیرومند خارج

All Pro-Video Photo

فتو.بیا

با کادری ورزیده و وسایل مدرن خود با عکسبرداری و فیلمبرداری (ویدئو) از مجالس و جشن های خانوادگی شما، خاطرات شما را جاودانه خواهند ساخت

- عکسبرداری و فیلمبرداری (ویدئو) از جشن ها و کنسرت ها (بایک، دو یا سه دوربین)
- تهیه عکس های خانوادگی و کودکان
- تبدیل فیلم های ۸ میلیمتری (8 mm) اسلاید و عکس به ویدئو تمام سیستم های دیگر جهان.

1516 Westwood Blvd.

(310) 475-2144

آلبرت طیبیان

جراح و متخصص بیماریهای زنان و زایمان

دکتر پرویز پیرنظر

از امریکا

عضو کادر پزشکان بیمارستان های

Cedar Sinai, Saint John's, Santa Monica

Westwood Medical Plaza

10921 Wilshire Blvd., Suite 806

Los Angeles, CA 90024

(310) 824-0049

پذیرائی ماتبیین وقت قبلی

۱۰۹۲۱ ویلنر بلوار - بش خیابان وست وود

ساختمان وست وود، مدیکال بلازا - طبقه ۱۱ - سوئیت ۸۰۶

(۳۱۰) ۸۲۴ - ۰۰۴۹



BANK HAPOALIM

**BANK HAPOALIM B.M.
PRIVATE BANKING**

بانک هپوعلیم

THE LEADING BANK IN ISRAEL

We Welcome You to our **PRIVATE BANKING SERVICE** and invite You to come and talk to us regarding your banking needs.

مقدم شما را به بخش خدمات بانکی اختصاصی گرامی داشته از شما دعوت می کنیم
در مورد نیازهای بانکی خود با ما تماس بگیرید

- *CD'S IN U.S. DOLLARS AND OTHER CURRENCIES حسابهای سپرده ، دولاری و سایر ارزها
- * LOANS AND LINES OF CREDIT اعطای اعتبار
- *INTERNATIONAL TRADE معاملات بین المللی
- *SAVINGS AND INVESTMENTS PLANS طرح های پس انداز و سرمایه گذاری

PERSONAL*PROFESSIONAL*CONFIDENTIAL*STABLE

شخصی

حرفه ای

محرمانه

ثابت

MEMBER FDIC

**Call: Mr. David Zukerman 6222 Wilshire Blvd.
Los Angeles, Ca. 90048**

Tel: (213) 964 - 7760 AND (213) 964 - 7761
Fax: (213) 937 - 1439

یهودیان هندوستان

هر چند خانم یوسف زاده، فروتنانه مرا از نوشتن مقدمه ای بر کارهای تحقیقی خود منع کرده اند، شورای نویسندگان شوفار این پیشنهاد مرا که - حتی در چند سطر - از پشتکار، دلبستگی و برتر از همه، ترجمه ماهرانه ایشان ذکری بمیان آید تائید نمودند.

دست پروانه خانم یوسف زاده را صمیمانه می فشاریم و همکاریشان را با شوفار سپاس میگوئیم.

سردبیر

بخش اول

نشسته و مادر نامزدش، در ساری ابریشمین، در آشپزخانه به شام مفصل شب شبات سرکشی میکند. دیپا روسری اش را مرتب میکند، دگمه دامن جین اش را می بندد و موقتاً کنیسای کوچک که همه مردان خانواده مشغول دعا خواندن بصدای بلند هستند را ترک میکند تا در آشپزخانه به مادر نامزدش کمک کند.

در کنار اعضای خانواده میزی مملو از تنقلات گوناگون چون خرما، موز شراب انگور خانگی برای براخا و ناتهای مخصوص در پوشش شبات دیده میشود. مردان پس از ادای نیایش ویژه، گیللاس شراب را دست بدست داده میچشند و سپس میوه می خورند، و مراسم پایان می

دیپا دختر هندو زیر چشمی و نگران باطراف خود نگاه میکند. کتاب دعای عبری در دست دارد در حالیکه عبری نمی داند. متفکر است و بآینده می اندیشد. در این عصر جمعه در شهر بمبئی هندوستان، این دختر هندو، می اندیشد که جمعه عصرها و شبات های آینده، او نیز باید اینچنین دعا بخواند و براخا بگوید، زیرا در خانه او و شوهرش که یهودی است این مراسم باید ادامه یابد. میگوید: «اینهمه دعا که اینها در یک هفته می خوانند، ما در یک سال هم نمی خوانیم.» و لبخندی به داماد آینده می زند. پشت سر او، مادر بزرگ ساری پوش شالوم، نامزدش، در گوشه ای

یابد. پدر خانواده بدنبال بطری و سکی مخصوص می‌رود تا با نوشیدن آن با استقبال شبات بروند. شالوم می‌گوید: «ما خیلی مذهبی نیستیم و با زمان جلو می‌رویم.» منظورش تلفن جواب دادن و پخت و پز است که با وجود غروب آفتاب نیز ادامه دارد و آنان با وجود منع مذهبی، اهمیتی باین چیزها نمی‌دهند. او به ازدواج قریب الوقوعش با دیپا که قرار است تغییر مذهب بدهد اشاره دارد. می‌گوید: «ما هرگز با اتنی سمیتسم مواجه نشده ایم چون خود را با محیط وفق میدهم و بنابراین اصل باید تغییراتی را پذیرا باشیم».

حقیقت این است که یهودیان هندوستان در طی قرن‌ها واقعیت انطباق با محیط را از نظر دور نداشته‌اند و با مذاهب دیگر، از جمله مسلمانان و هندوها در صلح و آرامش زیسته‌اند هر چند که آن دو گروه، پیوسته در این شبه قاره با یکدیگر در جنگ و جدال بوده‌اند. یهودی هندی دیگری به نکته ظریفی اشاره میکند، «شاید چون این دو قوم، (منظور مسلمانان و هندوها) با یکدیگر در کشمکش و جدال بوده‌اند ما را فراموش کرده‌اند و کاری بکارمان ندارند!! و نیز اجتماع ما کوچکتر از آنستکه برای آنها مسئله‌ای ایجاد کند».

همچون بسیاری از یهودیان آواره و در غربت، یهودیان هند، نگران آینده خویشند. جوانان ب جستجوی موقعیت‌های بهتر علمی و اقتصادی، به اسرائیل و نقاط دیگر روی آورده‌اند و تعداد یهودیان که در سال ۱۹۴۷ بالغ بر سی هزار نفر بوده اکنون حدود شش هزار نفر است و با اینکه بیشتر آنان در بمبئی اقامت دارند، در شهرهائی چون دهلی، کلکته، کوچین و شهرهای کوچکتر نیز تعدادی از یهودیان زندگی می‌کنند.

در سراسر هندوستان فقط ۱۸ کنیسی‌های فعال وجود دارد و بجای راه امور مربوط به ازدواج، طلاق، تغییر مذهب یعنی به یهودیت گرویدن را شالیح سیپورهای کنیسا انجام میدهند. مهاجرت بیش از پیش جوانان بخارج، یافتن همسر یهودی را دشوارتر و گاه غیر ممکن می‌سازد. ازدواج با غیر یهودی نه تنها مخالف ندارد بلکه امری عادی است. شالوم نامزد دیپا می‌گوید: «حالا دیگر ما همسر خود را با عشق انتخاب میکنیم». او که در یک شرکت تبلیغاتی بازاریاب است ادامه میدهد «اگر دیپا عبری نمی‌داند، یا این سرودهای مذهبی را نمی‌تواند بخواند، اهمیتی ندارد، مهم آنستکه او در مذهب من شریک میشود و طبق سنت‌های ما زندگی خواهد کرد».

تا نیم قرن پیش، ازدواج بین گروه‌های مختلف یهودیان هند، با اکراه پذیرفته میشد با اینکه آنان پیرو رسوم طبقاتی مثل هندوها نیستند، اما یهودیان هند نیز خود گروه بندی مخصوصی را در جامعه بوجود آورده‌اند. «اگر اصل طبقاتی را در جامعه یهودی در نظر یگیرید، یهودیان بغدادی و یهودیان خاورمیانه‌ای، همچون برهمن‌ها در جامعه هندو، در صدر جدول قرار دارند».

این عقیده ربای یحزقل موصلیح، یک یهودی بغدادی است. او مؤلف کتاب «در سواحل رودخانه گنگ» است که داستان یهودیان کلکته است. او می‌گوید: «یهودیان سیاه پوست مقیم شهر کوچین را بنابراین جدول میتوان همچون نجس‌های هندی گفت که در کنیساهای بمبئی معمولاً ردیف‌های آخر بآنها اختصاص دارد».

تقسیم بندی میان یهودیان هند را میتوان با رسم مهجور و قدیمی یهودیان آمریکائی مقایسه کرد که تمایز آنها بر اصل سفارادی یا آلمانی یا روسی بودن منطبق بود. شاید یک طبقه بندی مبهم از ریشه‌های آنان و تمایل به سازش با محیط و شرایط زندگی محلی در این امر بی‌تاثیر نبوده است.

یهودیان بغدادی که از خاورمیانه برخاسته‌اند، به یهودیان بنه اسرائیل بنظر حقارت مینگرسته‌اند زیرا اینها بسیاری از آداب و رسوم و حتی طرز لباس پوشیدن هندوها را اختیار کرده بودند و بهمین دلیل، لیاقت ازدواج و معاشرت با یهودیان بغدادی را نداشتند.

یهودیان سفیدپوست منطقه کوچین که ریشه اروپائی داشتند، مورد قبول و لایق ازدواج با بغدادی‌ها بحساب می‌آمدند و با بنه اسرائیل‌ها معاشرت نداشتند.

بنه اسرائیل، که ریشه و اصل آنها در غباری از افسانه‌ها و شایعات پیچیده شده، تنها در گروه خود ازدواج میکردند و کاری بکار گروه‌های دیگر نداشتند. اکنون مردان جوان این گروه، مثل شالوم شاپورکار، همسر غیر یهودی برای خود انتخاب میکند و با سازگاری مخصوص گروه بنه اسرائیل، لباس هندی مشابه با هندوها در بر میکنند، تنها پسوند «کار» در آخر نام فامیلشان یهودی بودن او را مشخص میکند. گروه بنه اسرائیل عقیده دارند که ریشه‌های آنان به قرن اول میلادی میرسد که در انقلاب مکابئی‌ها ۱۴ یهودی، ۷ زن و ۷ مرد از انقلابیون برای فرار از شکنجه و آزار با کشتی میگریزند و در سواحل جنوبی بمبئی در اثر بگل نشستن

که مخلوطی از ادویه ها و کاری است خواهد بود بعلاوه پختن نان خانگی، بخاطر رعایت قوانین کشور، هنگام پختن نان بجای شیر از روغن نارگیل استفاده خواهد کرد تا نان بدست آمده پروه باشد. او میباید بیآموزد که چگونه شراب از انگور، برای براخا درست کند. اگر این زوج بخواهند که بچه هایشان تحصیلات یهودی داشته باشند، تنها دو راه برایشان وجود دارد. مدرسه یعقوب ساسون در بمبی از ۸۰۰ شاگرد زیر سیزده سال که می پذیرد معمولا فقط ۲۵۰ نفرشان یهودی هستند و در کادر آموزشی این مدرسه فقط یک معلم یهودی قرار دارد که اصول زبان عبری و تاریخ یهود را بعنوان دروس انتخابی میآموزد. مؤسسه ارت در حال حاضر مدرسه حرفه ای برای ۱۷۰۰ نفر دانش آموز یهودی در سراسر هندوستان دارد و علاوه بر دروس حرفه ای چون کامپیوتر و آرایش مو، کلاسهای تقویتی زبان عبری و تاریخ یهود را نیز اضافه کرده است. مدرسه ای. ای. ساسون که در اصل منحصرآ برای یهودیان و آموزش یهودیت بوجود آمده، اکنون فقط دانش آموزان مسلمان را می پذیرد و تمام دروس به اردو که زبان مسلمانان هند است تدریس میشود.

کشتی، وارد این منطقه میشوند بمرور زبان محلی "مراتی" را اقتباس کرده و در طی قرنها که از هجرت آنان میگذرد، بسیاری از آداب و رسوم یهودیت را فراموش کرده اند. با توجه به اینکه آنها در اثر تماس و معاشرت با غیر یهودیان بسیاری از روش ها و سنت های آنان را پذیرا شده اند، هیئت ربانوت اسرائیل تا سال ۱۹۶۴ در یهودی بودن آنها شک داشتند.

واقعیت آنستکه برخی از روش های زندگی آنان برداشتی از همسایگان مسلمان و هندو بوده است. یکی از عادی ترین آنها، مراسم "مالیدا" بزرگداشتی برای پیامبر الیجاه است که در پی سرود خواندن براخانی بر غذای "مالیدا" که حاوی برنج، نارگیل، کشمش و ادویه است نیز می خوانند. همین غذای مالیدا را هندوها و مسلمانان به معابد مقدس خود نیز اهداء میکنند. هنگام ازدواج، شالوم شاپورکار، زنجیر طلائی به دیبا هدیه میدهد که مردان هندو هم به همسران خود میدهند، ولی پدر دیبا جهیزیه سنتی هندوها را نخواهد داد. در عین حال همچون روش اعتقادی هندوها به خانواده بزرگ یا مجتمع خانوادگی، دیبا با خانواده شوهرش در یک خانه اقامت خواهد کرد. آشپزی از غذای سنتی هندی یعنی "مسالا"

موسسه حسابرسی و خدمات مالی

C.P.A. حمید فانی

C.P.A. بیژن رامینه

عضوانحمن حسابداران خیره امریکا وکانون حسابداران خیره کالیفرنیا

بابتش از ۱۵ سال سابقه کار با مؤسسات بزرگ بین المللی

RAMINEH & FANI
HAMID FANI
Certified Public Accountant
 12100 Wilshire Blvd., Suite 635
 Los Angeles, CA 90025
(213) 447-5500

- مشاوره و برنامه ریزی مالیاتی برای اشخاص وشرکتها
- تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی
- تهیه صورتهای مالی جهت استفاده مدیریت، بانکها وسایر مؤسسات اعتباری
- ثبت ونگهداری دفاتر مالی وطرح وتنظیم وسربررسی سیستم های حسابداری
- تنظیم ورسیدگی به برآورد بیش بینی صورتهای مالی اشخاص وشرکتها
- مشاوره وبررسی درمورد خریدوفروش شرکتها واخذ وام

دفتر حقوقی

فرهاد اریل

(فرهاد یاقوتی اریل)

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا



Law Offices Of

FRANK Y. ARIEL

آسیب بدنی ناشی از تصادفات اتومبیل، تصادفات در محل کار یا زمین خوردگی

امور جنایی (سرقت از مغازه ها و رانندگی تحت تاثیر الکل و مواد مخدر)

تنظیم وصیت نامه ، تراست (TRUST)، و انحصار وراثت

امور تجاری و بازرگانی (تشکیل ، ثبت و انحلال شرکتها)

امور ساختمانی و معاملات املاک

امور مهاجرت و تابعیت

امور مالی و ورشکستگی

روابط مالک و مستاجر

امور کالکشن COLLECTION

(310) 286-2626

1801 CENTURY PARK EAST, TWENTY-FOURTH FLOOR, CENTURY CITY, CA 90067

ساعتی که سیزده زنگ زد

یک ساعت دیواری داشتیم. ساعتی قدیمی که پدر بزرگم از پدرش بارث برده بود و پدر پدرش از دورانی همزمان با «کنت چم لیتزگی».

افسوس که ساعت جان ندارد، لال است و زبان ندارد - وگرنه چه داستانهایی که میگفت و بازگو میکرد. این ساعت شهرک ما شهرتی داشت: «ساعت راو نوخم». چنان ساعتی بی شیله پیله و راستگو بود که مردم از همه سو نزد او میآمدند تا ساعتهای دیواری و جیبی خود را با آن تنظیم کنند. تنها «راو لیش آکورون» که مردی دانشمند و اهل فلسفه بود و توانائی آنرا داشت که وقت را با موقعیت خورشید تشخیص دهد و تقویم نجومی را از حفظ بود، بر این عقیده بود که ساعت دیواری ما در قیاس با ساعت کوچک جیبی او در حد یک قوطی حللی بود و ارزش یک نخود انفیه که به بینی بکشی را هم ندارد. اما او هم مجبور بود بپذیرد که ساعت ما یک ساعت دیواری بود. در ضمن باید بخاطر داشت که راو لیش کسی بود که هر چهارشنبه شب، پیش از نیایش شامگاهی به پشت بام کنیسا میرفت و یا به تپه ای در نزدیکی شهرکمان تا لحظه صحیح و دقیق غروب آفتاب را ثبت کند - در یک دست ساعتش و در دستی دیگر تقویم نجومیش. و درست در لحظه ای که خورشید به پشت افق فرو میرفت، با خود زمزمه میکرد: «درست سر وقت!»

او همیشه این دو زمان سنج را با هم مقایسه میکرد. گاه بخانه ما که میآمد، سلام و احوالپرسی نکرده، اول نگاهی بساعت دیواری ما می انداخت و سپس زمان سنج، خودش، دوباره بساعت دیواری، بار دیگر بساعتش - چند بار اینکار را میکرد و ناپدید میشد. فقط یکبار که برای اینکار آمده بود، زبان گشود و فریاد زنان گفت:

«نوخم، بیا ببینم، کجائی؟»

پدرم که نای راه رفتن نداشت، دوان دوان آمد که: «چه شده - چه اتفاقی افتاده، جناب راو لیش؟» راو لیش در حالیکه ساعت کوچک خود را جلوی چشم پدرم گرفته بود و با دست دیگر ساعت دیواری را نشان میداد، با پرخاش گفت: «از من می پرسی؟ بفرما! خوب چیزی بگو. نمی بینی؟ یک دقیقه و نیم ساعت تو جلو است. این آشغال را بینداز بیرون!» راو



ساعت سیزده زنگ زد.

عین حقیقت است. شوخی نمیکنم. دارم داستانی واقعی از آنچه در «کاسرلوکا» در خانه ما اتفاق افتاد را برایتان نقل میکنم. خود من هم آنجا بودم.

لیش چنان سخن میگفت که گوئی پیامبری خشمگین با جمعی نا آگاه.

پدرم که از اینکار اصلاً خوشش نیامد - از اینکه باو گفته بودند باید ساعت دیواریش را دور بیاورد - پاسخ داد: «بفرمائید بینم جناب راو لیش، این آیه که ساعت من یک دقیقه و نیم جلو است کی نازل شده و کجا نوشته شده - شاید بشود این وحی منزل را وارو خواند و از آن چنین نتیجه گرفت که ساعت عالیجناب یک دقیقه و نیم عقب است!»

راو لیش چنان به پدرم نگاه میکرد که انگار کسی از او شنیده باشد که شبان دو روز در هفته است یا کیپور و پسح هر دو با هم مقارن هستند. راو لیش کلمه ای حرف نزد. آه بلندی کشید، برگشت، در را بهم کوبید و رفت.

اما ما اهمیت نمیدادیم، چرا که همه شهر میدانستند که راو لیش آدمی است که هیچ چیز او را راضی نمیکند. نزد او بهترین خران صدایشان مثل کلاغ بود؛ عاقل ترین مردان باندازه یک الاغ هم سرشان نمیشد؛ بهترین ازدواجها - ناموفق ترین ازدواج بود و فاضل ترین افراد نادان ترین.

بگذار برگردیم سر داستان ساعتان. چه ساعتی بود. صدای زنگش تا سه خانه آنطرف تر میرفت - دنگ ... دنگ ... دنگ ... تقریباً نصف شهر زندگی خود را بر اساس این ساعت تنظیم میکردند. مگر زندگی یک یهودی بدون ساعت و وقت معنا و مفهوم دارد؟ چقدر فریضه هست که باید تا دقیقه آن بر اساس ساعت باشد - روشن کردن شمع شب شبان، نیایش های روزانه، نمک زدن و شستن گوشت، فاصله بین غذاها ...

خلاصه بگویم، ساعت ما ساعت تمام شهر بود. هم بما وفادار بود و هم به خودش. در تمام عمرش یک تعمیرکار ندیده بود. پدر من و فقط پدرم صاحب و آقایش بود - گوئی در ضمیر ناخود آگاهش دانش چگونگی کار کردن این ساعت خانه کرده بود. هر سال، قبل از عید پسح آنرا از دیوار به پائین میآورد، داخلش را یا یک گردگیر که از پر درست شده بود گردگیری میکرد. از اندرون آن انبوهی تار عنکبوت، اجساد تو خالی مگس هائی که عنکبوت ها آنها را میکده بودند و اجساد سوسکهائی که راه گم کرده و سرنوشت غم انگیزشان آنرا بدون ساعت کشیده بود را

بیرون می کشید. آنرا تمیز میکرد و برق میانداخت و بجای اولش می آویخت و ساعت میدرخشید. حقیقت اینستکه هر دو میدرخشیدند، ساعت چون پدرم آنرا تمیز کرده بود و پدرم چون ساعت تمیز بود.

اما روزی رسید که اتفاقی عجیب رخ داد. یکروز صاف و آفتابی که برای خوردن نهار سر سفره نشسته بودیم. هر بار که ساعت زنگ میزد، من دوست داشتم زنگها را بشمارم و اینکار را با صدای بلند میکردم.

«یک، دو، سه ... هفت ... یازده، دوازده، سیزده ...» پدر خنده کنان گفت: «سیزده! چه حسابگری هستی تو - شیطان توی زیانت رفته. کی تا بحال ساعتی سیزده زنگ زده؟»

من جواب دادم: «سیزده بار زنگ زد. بیشرف دروغ میگوید! سیزده بار.»

پدرم با عصبانیت گفت: «اگر یک بار دیگر این حرف احمقانه را بزنی، سیزده تا پس گردنی میخوری. کجا تا بحال ساعتی سیزده بار زنگ زده.»

در اینجا مادرم در گفتگوی ما مداخله کرد و گفت: «میدانی چه؟ بنظرم بچه راست میگوید. انگار منم سیزده تا زنگ شمردم.»

پدرم گفت: «بفرما، هر دم از این باغ بری میرسد.» اما همزمان، او هم به شک افتاد. بعد از شام بسوی ساعت رفت، چهارپایه ای گذاشت، بالا رفت و عقربه ها را بروی ساعت دوازده برگرداند و هر سه ی ما شروع به شمارش کردیم: «یک، دو، سه ... هفت ... نه ... یازده، دوازده، سیزده.»

پدر، با نگاهی که انگار دیوار بصدا آمده و حرف زده بود، گفت: «سیزده!» دوباره عقربه ها را به ساعت دوازده برگرداند و یکبار دیگر ساعت سیزده زنگ زد. پدر از چهار پایه پائین آمد و وسط اطاق ایستاد. رنگش پریده بود و بزمین خیره شده بود، سبیلش را می جوید و زیر لب میگفت: «سیزده زنگ زد ... یعنی چه؟ چطور ممکن است. اگر عیبی داشت که از کار می افتاد. یعنی چه - حالا چکار کنم؟»

مادر گفت: «چکار کنی؟ ساعت را پائین بیاور درستش کن. نا سلامتی تو متخصص اینکاری.»

پدر گفت: «حق با توست.» ساعت را پائین آورد و مشغول شد. تمام روز روی آن کار کرد، عرق ریخت و طرف عصر، دوباره آنرا به دیوار سر جایش آویخت.

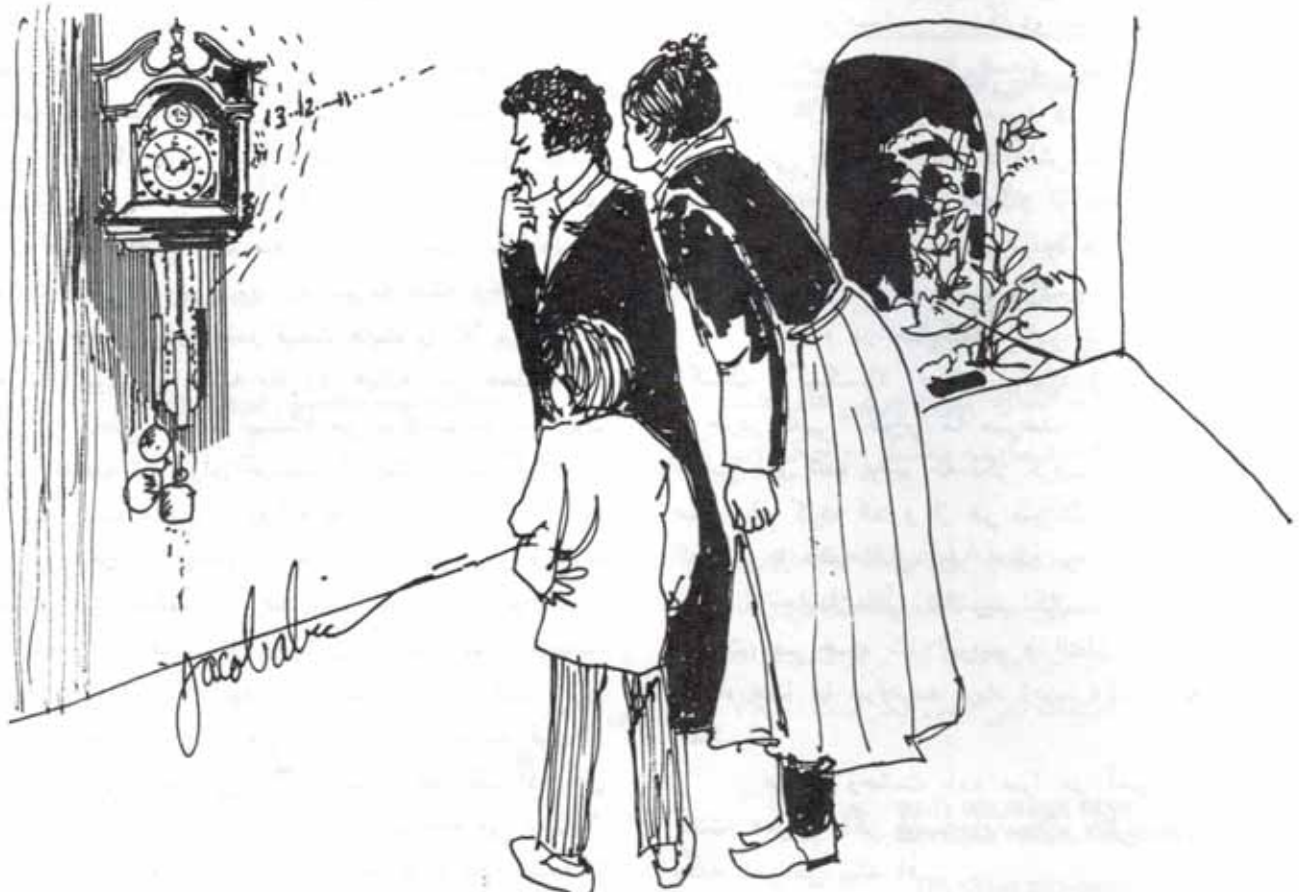
سپاس پروردگار را که ساعت درست شد و وقتی نیمه شب رسید، ما همه بدور آن گرد آمدیم و ساعت دوازده زنگ بیشتر نزد و ما هر دوازده ضربه را شمردیم و پدر شادمانه بما نگرست گفت: «سیزده تمام شد!»

مادر گفت: «من همیشه گفته ام که تو آدم متخصصی هستی. اما یک چیز را نمی فهمم چرا صدای زنگ ساعت اینقدر خفه شده. قبلاً صدایش اینطور نبود.» پدرم جواب داد: «خیالاتی شده ای.» ولی وقتی خوب گوش دادیم - پیش از آنکه ساعت شروع به زنگ زدن کند، صدای خفه ای از آن بلند میشد - مثل صدای نفس پیرمردی که پیش از سرفه کردن، نفس بلندی می کشد. اول صدائی شبیه «اوه ... اوه ... اوه ...» میآمد و سپس «دنگ ... دنگ ... دنگ.» اما حتی صدای دنگ دنگ هم آن دنگ دنگ قدیم نبود. صدای زنگ ساعت قبلاً صدائی شادمانه و شفاف بود - گوئی غم بدرون ساعت خزیده بود. صدائی شبیه صدای یک خزان پیر و فرسوده در آخرین لحظات روز کیپور. و با گذشت زمان صدای ناله افزایش یافت و طنین زنگ کاهش پیدا کرد و غمناک و افسرده شد و این داشت پدرم را دیوانه میکرد. میدیدم که انگار پدر

شاهد رنج موجود زنده ای است و از کمک باو عاجز است. بنظر میرسید که هر لحظه ممکن است ساعت از کار بیافتد. حالا دیگر پاندول ساعت حرکتی عجیب و غریب میکرد. چیزی در اندرون ساعت می لرزید، گوئی چیزی گیر میکرد یا می افتاد - مثل پیرمردی که پای علیل خود را بدنبال می کشد. میدیدم که ساعت دارد برای توقف ابدی آماده میشود. و در این هنگام بود که پدرم باین نتیجه رسید که خود ساعت ایرادی نداشت. مسئله، مسئله وزنه ها بود. وزنه ها کافی نبود. وزنه ای به پاندول آویخت و ساعت بناگاه بی عیب و نقص بکار افتاد. پدرم هم خیلی خوشحال بود و از اوقات تلخی در آمد.

اما دیری نپائید که ساعت دوباره سر ناسازگاری گذاشت. پاندول گاهی تند حرکت میکرد و گاه آهسته. آزار دهنده بود که شاهد افول ساعت دیواریمان باشیم. و پدرم که شاهد این تحلیل رفتن تدریجی بود، خود نیز گوئی هم رنج ساعتش شده بود، زجر می کشید و علاقه اش را به زندگی از دست داده بود.

چون پزشکی که خود را موظف به شفای بیمار خود بداند، هرگونه معالجه ایرا که می شناخت برای



مداوا بکار برد تا بلکه ساعتش را از مرگ نجات دهد.

«وزن کم، عمر کم» پدر این مثال را بزبان آورد و بیشتر و بیشتر به پاندول ساعت وزنه های گوناگون آویخت - اول یک تاوه آهنی، بعد یک جام مسی، بعد تکه ای آهن، سپس کیسه کوچکی شن و یکی دو تا آجر ... و هر بار ساعت، با اضافه شدن وزنه ای دیگر، عمری دوباره می یافت و مدتی جان می گرفت - البته متاسفانه نفس نفس زنان - ولی بهر حال کار میکرد. تا اینکه شبی فاجعه ای رخ داد.

زمستان بود - جمعه شب، تازه شام خوشمزه ماهی پر ادویه و آبگوشت مرغ چرب با رشته و سیب زمینی تنوری را خورده و دعای سپاس از پروردگار را هم برای چنین سفره رنگینی خوانده بودیم. شمع های شب شبات میدرخشیدند. دخترک خدمتکار تازه تخمه آفتاب گردان های بو داده را روی میز گذاشته بود که «ماماین تا»، پیرزن بی دندان سیاه چرده ایکه سالها پیش همسرش او را رها کرده و به آمریکا رفته بود، از در وارد شد.

ماماین تا، که مثل همیشه بریده بریده حرف میزد گفت: «شبات شالوم، میدانستم بموقع برای شکستن تخمه آفتاب گردان میرسم - گرفتاری اینستکه، با کدام دندانم تخمه بشکنم؟ بحق خدا سالهای عمر شوهرم باندازه دندانهای من باشد.» سپس نفسی عمیق کشید و گفت: «اوم ... ملکا، هنوز بوی ماهی شب شباتان میآید. چشمتان روز بد نبیند که چه روزگاری به سر من آمد امروز صبح وقتی رفتم ماهی بخرم و «سارا پرل» میلیونر هم توی ماهی فروشی بود. داشتم به منشه ماهی فروش میگفتم: «چرا امروز اینقدر قیمت هایت را بالا برده ای؟» که سارا پرل سر منشه داد زد: «یاالله، من عجله دارم. وزن این ماهی چقدر است؟» من برگشتم به سارا پرل گفتم: «عجله تان برای چیست. جانی آتش گرفته یا میترسید منشه ماهی را دوباره به رودخانه بیاندازد؟» من باین پولدارها می فهمانم، که هر چه پولشان بیشتر میشود، عقلشان کمتر میشود. آنوقت دهان باز کرد و جواب مرا داد که: «آدم های آس و پاس جایشان اینجا نیست. کسی که پول ندارد بیخود میکند دنبال چیزهای گران میرود.» مبینید چه روشی دارد؟ فکر میکنید قبل از اینکه عروسی کند کی بود - خودش هم یک آدم آس و پاسی بود که دم دکه مادرش توی بازارچه می ایستاد.» ماماین تا نفسی تازه کرد و ادامه داد: «مردم با

چه کسانی عروسی می کنند! مثل «اوراهام پیسل پیسه» که اینقدر از اینکه دخترش با مردی پولدار از «استریش» عروسی کرده - چرا که همینطور با لباس تنش و بی جهیزیه دخترک را برداشت و برد. چه شانس هم آورد دخترک - از قراری که میگویند از لاغری مثل چوب شده. روزگاری که بچه های شوهرش برش آوردند ... فکر می کنید آسان است نامادری بودن؟ خدا بدور. مثلاً به هاوا نگاه کنید - چه زن نازنین و مهربانی. و ندانید که چه دردسرهایی از دست بچه های شوهرش داشت. چقدر شب و روز سر این بدبخت داد میزنند و تحقیرش می کنند.

شمع شروع به سوسو زدن کرد و سایه بر دیوارها میلرزیدند و قد می کشیدند. صدای شکستن تخمه و گفتگوی همه ما در فضا بود - همه با هم حرف میزدیم ولی در حقیقت هیچ کس گوش نمیداد. اما ماماین تا بیشتر از همه حرف میزد:

«حالا باین گوش کنید که از همه چیزها بدتر است. در یکی دو مایلی «یامپولا» چند شب پیش دزدان به خانه یک یهودی حمله می کنند، همه اهل خانواده را میکشند، حتی یک بچه شیرخواره را در گهواره اش. تنها کسی که زنده میماند، خدمتکاری بوده که در بالای تنور آشپزخانه خوابیده بوده. صدای جیغ و فریاد را می شنود، از بالای تنور بیاین میرد و از درز در نگاه می کند و می بیند که ارباب و زنش در حوضی از خون غوطه ورنند. دخترک خدمتکار از پنجره آشپزخانه به بیرون می پرد و تا وسط شهرمیدود و فریاد می کشد: «آی اسرائل ها، بفریاد برسید - کمک ! کمک !»

بنگاه در حالیکه ماماین تا داشت داد میزد «کمک ! کمک !» صدای برخورد و شکستن و سقوط و خرد شدنی بگوش ما میرسد. آنقدر در قصه ماماین غرق شده بودیم که فکر کردیم راهزنان به خانه ما هم حمله کرده اند و از هر سو دارند بما شلیک می کنند - یا طاق اطاق بزیر افتاده بود یا گرد بادی شده بود. از جایمان نمی توانستیم تکان بخوریم. کنگ و مبهوت بهم خیره شده بودیم و انتظار میکشیدیم. و بنگاه همه ما سراسیمه فریاد زدیم: «کمک ! کمک ! کمک !»

مادرم وحشت زده مرا در آغوش کشید و گفت: «عزیزم، اگر بناست زیانم لال بلانی بسر تو بیاید، بگذار بسر من بیاید !»

همیشه.

«همه چیز تمام شد.» پدر این را گفت و سرش را بزیر انداخت - گویی در مقابل جسد بی جان انسانی به احترام ایستاده است. دستهایش را بهم مالید و اشگ در چشمانش حلقه بست. من باو نگرستم و منم میخوامم گریه کنم که مادر گفت: «هیس - آرام باشید. برای چه عزا گرفته اید. شاید سرنوشت چنین بود. شاید در آسمانها چنین مقدر شده بود که در این روز و این لحظه، پایان باید میرسید. شاید صدقه گناهایمان باشد - هر چند نباید شب شبات از این حرفها زد - فدای سر خودت و بچه ها و من و همه آنها که دوستشان داریم و همه اسرائیل های دنیا. آمین»

تمام آنشب من خواب ساعت دیدم. خواب دیدم که من ساعت دیواریمان بودم که بر زمین افتاده بودم و کفنی سفید بتن داشتم. خواب دیدم که ساعت هنوز زنده است و کار میکند، اما بجای پاندولش، زبانی دراز به این سو و آن سو تکان میخورد و ساعت زنگ نمی زند و ناله میکند. و با هر ناله اش، چیزی در اندرون من متلاشی میشد. و بر صفحه آن، جایی که عدد دوازده نقش بسته بود، ناگهان عدد سیزده را دیدم. بله، سیزده. حرف مرا قبول کنید، سوگند میخورم.

پدرم داد زد: «چه شد، چه بلای سر بچه ام آمد؟»
ماماین تا پرید وسط که: «چیزی نشده، چیزی نشده!»
دخترک خدمتکار از آشپزخانه بدخل اطاق دويد و جیغ زد: «چه شده؟ جانی آتش گرفته؟ ایوای بفریاد برسید!»
ماماین تا سر خدمتکار فریاد کشید: «آتش کدام است. میخواهی بسوزی برو خودت را آتش بزنی.» و هر چه از دهانش میآمد به دخترک بدو بیراه گفت و سپس رو بما کرد و گفت:

«این بازی ها چیست از خودتان در میآورید؟ از چه میترسید؟ فکر میکنید چه اتفاقی افتاده؟ نمی بینید؟ ساعت است. ساعت بزمین افتاد. اینهمه چیز به آن آویزان کرده اید، اگر بشما هم اینهمه وزنه آویزان بود، بزمین میخوردید...»
و ما آرام گرفتیم. یکی یکی از جای خود برخاستیم و بطرف ساعت رفتیم و زیرو رویش را نگاه کردیم. روی زمین پخش شده بود، از صورت بزمین خورده بود و همه چیز آن خرد و متلاشی شده بود، برای

شما هم می توانید از دست چربی های اضافی بدن خود خلاص شوید

Harvard Medical School

در ۱۵ سال گذشته گروه پزشکی مرکز تحقیقاتی تغذیه

مسائلی را که افراد چاق در کم کردن و ثابت نگاه داشتن وزن با آن رو برو هستند مورد مطالعه قرار دادند و برنامه جامعی که نتیجه این تحقیقات است، اکنون در کلینیک ما در دسترس شما میباشد. این برنامه شامل مراحل زیر می باشد:

Biochemical Impedance Analysis

۱- اندازه گیری چربی های بدن: با روش جدید

۲- معاینه پزشکی و چک آپ کامل: شامل آزمایشات تیروئیدی و اندازه گیری چربی های

خوب و بد خون

۳- رژیم غذایی مخصوص: (حدود ده هفته) و بدنبال آن برنامه ای برای مصرف متعادل

غذاهای معمولی برای ثابت نگاه داشتن وزن بدن

در این برنامه تاکید بر از دست دادن چربی های بدن است (نه فقط از دست دادن وزن) و از هیچ

دارویی استفاده نمی شود، مگر اینکه اختلالات هورمونی وجود داشته باشد.

DARYOOSH SAMI, M.D., F.A.A.P.

دکتر داریوش سامی

9401 WILSHIRE BLVD., #735
BEVERLY HILLS, CA 90212

TEL (310) 205-0607

کترینگ گلات کاشر جک بروخیم

زیر نظر مستقیم «آر - سی - سی»

ROYAL CATERING GLAT KOSHER

کترینگ انحصاری مجتمع فرهنگی ارتص در «ولی»

و بسیاری از هتل های در جه اول لوس آنجلس

مدیریت، خوشنامی و تجربه طولانی و در خشان مهندس زاک بروخیم

در مورد هتل داری و کترینگ ر مز موفقیت چشم گیر مامیباشد

نرخ مخصوص در ایام هفته در مجتمع فرهنگی ارتص از ۱۹ دلار به بالا

جهت برگزاری کنفرانس ها، سمینارها و جلسات مختلف سالن مادر اختیار شما خواهد بود

جشن های بزرگ و کوچک شمار اشاهانه و اشرافی برگزار میکنیم

در منازل انواع اردو و شام و دسر ۲۲ دلار

OPEN B.B.Q

در منازل اوپن باربیکیو ۱۵ دلار

تلفن ۹۹۹۳ - ۴۵۸ (۳۱۰)

آبگوشت گندی

غذای گالوت یا یاد آور تقدس شبات



هستم نظرم را با صداقت چنین بیان کردم: «البته اثر جالبی است ولی من بسیاری از دیگر آثار استاد از قبیل "اشک خدا"، "بتی فریب خورده" و بقیه را هزاران بار بیشتر از تخم مرغ شباتی می پسندم. اگر چه تخم مرغ شباتی با استادی کامل تجزیه و تحلیل شده ولی بنظر من یک مقاله چند صفحه ای برای یک تخم مرغ کمی زیاد است». پدرم چنان غضبتاک شد که گوئی به او بی احترامی کرده ام، جواب داد: «اگر نویسنده دیگری توانست این چنین استادانه سوژه ای به ظاهر چنین ساده را در چندین صفحه به قلم بکشد من به او جایزه خواهم داد» و من که نمی خواستم پدر را بیشتر خشمگین کنم در دل گفتم آنقدر سوژه برای نوشتن هست که تصور نکنم کسی به فکر نوشتن درباره یک غذا بیفتد.

و اما چند ماه پیش مادر برای چند هفته به نیویورک رفت. اولین شب شبات دور هم جمع شدیم، جمعمان سوت و کور بود. هنوز تحمل جای خالی پدر که چند ماهی است از میان ما رفته سر میز شبات دشوار است، ولی این بار مادر هم در سفر بود و گذشته از آن بوی آبگوشت گندی هم بمشام نمی رسید. از آنجا که شب های شبات اکثراً منزل پدر و مادرم گرد هم جمع می شدیم و این بار "گندی" هم غایب بود.

زمانش را دقیقاً بخاطر ندارم، شاید دو سه سال پیش بود که یکی از نوشته های جالب نویسنده پر ارج ما نوری خرازی تحت عنوان «تخم مرغ شباتی» در مجله شوفاژ بچاپ رسید. این مقاله، مرحوم پدرم را که از عاشقان و سرسپردگان قلم آقای خرازی بود چنان نشه و سرمست کرده بود که بهر کس میرسید مدتها با وجد و شوری عجیب و غریب درباره کشش این نوشته و مهارت استاد در توصیف تخم مرغ شباتی داد سخن میداد. پدرم که همیشه عاشق ادب فارسی بود و اهل قلم و اهل علم را بی نهایت گرمی میداشت در این دیار غربت دوستی یا بهتر است بگویم دلدادگی خاصی با استاد خرازی پیدا کرده بود.

استاد که از عشق پدر به نوشته هایش مطلع بود قبل از اینکه مقالاتش در نشریات چاپ شود دست نویس مقاله خود را برای پدر می فرستاد و او آنرا بارها و بارها میخواند و در برابر فامیل و دوستان به قلم دوست عزیزش مینازید. شاید به دلیل اینکه تخم مرغ شباتی برای پدرم هم یاد آور شبات های گالوت بود این نوشته به مذاق او بیش از همه خوش آمد.

روزی پس از تکرار تعریف هایش از این نوشته نظر مرا جوینا شد و من که خودم از طرفداران قلم استاد

مادرم همیشه به من و خواهرم میگوید: «تا من زنده ام بیاید طرز تهیه گندی و حلوا را یادتان بدهم» و ما طفره میرویم. این طفره رفتن برای خودمان هم معنائی شده از خود میبرسم چرا و به این نتیجه میبرسم که ضمیر ناخودآگاه ما خواهرها بر این باور است که تا مادر خود را وظیفه دار میدانند که شبهای شبات سور و سات گندی را برای ما جور کند بخاطر این نیاز هم که شده نامیرا خواهد بود.

باری شب شبات اول دندان روی جگر گذاشتیم و از نبودن آبگوشت گندی گله نکردیم. ولی چند شب شبات دیگر که گذشت همه پکر بودند بخصوص یکی از جوانان خانواده که بالاخره طاقتش تمام شد و با لحن بظاهر شوخی زد روی میز و گفت: «باز هم گندی نداریم؟ پس یک مرتبه براخا هم نگیم، پس بگید ما گوئیم شدیم»، همه خندیدیم و به او وعده دادیم که مادر بزرگ بزودی از سفر باز میگردد و شب شبات رسمیت کامل پیدا خواهد کرد.

آنشب وقتی که به بستر رفتیم، در این فکر بودم که چه عواملی باعث میشوند که یک غذا تا درجه تقدس ارتقا یابد. چگونه یک آبگوشت ساده با چند کوفته نخودی ناقابل برای همه یهودیان ایرانی حتی این نوجوانی که بیشتر عمرش در ینگه دنیا سپری شده حالت یک سنت پایدار را پیدا میکند و بعد چراها و جواب ها و تفسیرها در مغزم به رقابت برخاستند. باید می نوشتم - و با این فکر بلافاصله نام استاد خرازی و تخم شباتی به ذهن رسید و یاد بحثی که با پدر داشتم. روز بعد، بی اختیار بسمت تلفن رفتم و با استاد خرازی به گفتگو پرداختم قصه غیبت مادر و نبودن گندی را برایشان گفتم و ادامه دادم:

- با الهام از شما، من بر آن شدم درباره این غذائی که رایحه شب های شبات را به مشام می رساند چند خطی بنویسم. اذعان می کنم که در اشتباه بوده ام و بر خلاف آنچه به پدر گفتم گاه درباره بعضی غذاهای سنتی میتوان چندین صفحه هم نوشت. ولی ایکاش قلم روان و فکر خلاق شما را داشتم تا آنچنان که شما با شیوائی تخم مرغ شباتی مورد علاقه تان را به قلم کشیدید منهم آبگوشت گندی دوست داشتیم را به قلم بکشیم.

استاد پس از مهربانی بسیار گفتند: بنویس که اگر نویسی خطاست. و من می نویسم. راستی چرا

نام این کوفته ها گندی است؟ این نام یک نام یهودی نیست. شاید کوفته قدیمی ها چنان بزرگ و گنده بوده که آنرا گنده مینامیده اند و شاید بعداً یهودیان بعضی شهرستانها با لهجه خاص خود گنده را گندی نامیده اند.

مدرسه که میرفتم و تاریخ فرانسه میخواندم، تنها چیزی که از تاریخ فرانسه بیادم مانده نام خانواده ای است بنام گندی که اینرا هم بخاطر شباهتش به گندی خودمان بیاد دارم. کتاب کهنه تاریخ فرانسه ام را ورق میزنم، نوشته:

«...خانواده گندی از خانواده های اشرافی بوده اند که اصلاً از اهالی فلورانس بوده و پل دو گندی یکی از کاردینال های مشهور فرانسه از این خانواده بوده است...» تصور نمی کنیم خانواده گندی از مکتشفین طرز تهیه آبگوشت گندی بوده اند!

اما یهودیان اشکنازی هم سوپ و کوفته ای بظاهر عیناً شبیه آبگوشت گندی ما دارند که قطعاً شما هم در بعضی رستورانها دیده اید. آنرا «مصا بال سوپ» مینامند. هم سوپ آن شبیه آبگوشت ما است و هم کوفته هایش شبیه «گندی» ما.

از طرفی باید اذعان کنم که آبگوشت گندی هم فقط در شبهای شبات رایحه مطبوع دارد و بجز خودم بسیاری یهودیان دیگر را هم دیده ام که عقیده داشته اند آبگوشت گندی و بخصوص گندی فقط عصرهای شبات طعم و رایحه نشسته آور دارد. علت چیست؟ این آبگوشت ساده ای که از چند نخود و اندکی پیاز و آب و زردچوبه تشکیل شده آنقدر ساده است که باید آنرا غذای فقراء بنامند. آنانکه در مختصر رفاهی بسر میبردند چند قطعه گوشت یا تکه مرغی در آن می ریخته اند و فقرا به دو سه قطعه استخوان اکتفاء می کرده اند.

پدرم از روزگاران زندگی در محله یهودیان، خانواده ای را بخاطر داشت که در اثر شدت فقر گاه شبهای شبات اجاق را روشن میکردند و چون مواد لازم برای تهیه آبگوشت نداشتند قابلمه آب جوش بار میکردند تا همسایگان تصور کنند آبگوشت سر بار است و حفظ آبرو شود. خوشبختانه با از میان رفتن گتوی اجباری، آن خانواده در شمار یکی از ثروتمندترین خانواده های یهودی ایرانی در آمدند. همانطور که بقیه یهودیان ایران نیز تا هوای آزادی را استشمام کردند و درهای دانشگاهها و مدارس برویشان باز شد و بخصوص وقتی مدارس

آیاتس ایزرائیلیت که از عبادتگاه برایشان ضروری تر بود به نجاتشان شتافت جانی دوباره یافتند و مدارج ترقی را در همه زمینه ها پیمودند.

اما این غذای فقرای گالوت ، این غذای شبهای شبات محله های فقیر نشین یهودی ما در روزگاران رفاه هم عطر و طعم سکر آورش را حفظ کرده است. البته گمان نکنم بوی این غذا ، یک غیر یهودی را هم چون ما یهودیان این چنین نشئه کند چرا که آبگوشت گندی رایحه خوش سنتهای یهودی و تاریخ پریچ و خم یهودیان ایران را یاد آور میشود. بله ، این غذایی که خدا میداند چند هزار سال تاریخ در میان جامعه کهن ما دارد به نحو سرمست کننده ای خاطره برانگیز است. رایحه آبگوشت گندی رایحه گنوی یهودیان ایران ، فقر تحمیلی و آبرو داریهایشان ، شادیهای ناب شبهای شباتشان ، تفیلا خوانی پیرمردان و پیرزنان متدین شان و مهمتر از همه رایحه همبستگی و یکپارچگی این قوم سر سخت و با ایمان را به مشام ما میرساند و شاید به این دلیل است که رایحه این غذا رویائی است. رویائی غم انگیز و پر ابهام و در عین حال اصیل و ناب ، این غذا یاد آور تاریخ انسانهای دریدر و رانده شده است که طوفان همه سختیها و مذلت ها را به سلامت پشت سر گذاردند چرا که «تورا» فرهنگ متحرکشان را عاشقانه بهمراه داشتند و رها نکردند. فرهنگی که همبستگی بی سابقه ای برای آنها به ارمغان آورد. شاید رایحه آبگوشت گندی رایحه ایمان، قناعت ، پایداری و دوام ملت ما است. ملتی که در منجلا ب فقر و بدبختی دست و پا میزد و بخاطر شبهای شبات پر شور و حالش به بخت خود شاد بود. انسانها تا زمانی که عمری را پشت سر نگذاشته باشند تاریخ برایشان لطف چندانی ندارد. شبهای شبات بخش مهمی از تاریخ زندگی قوم ما و هم چنین فرد فرد ما است. بهمین جهت وقتی سنی از ما میگردد این قسمت از تاریخ هم برای ما لطف خاصی مییابد. و آبگوشت گندی این غذایی که تقدس شبات را یاد آور است با گذشت سالها قرب و منزلتی فراوان برای ما پیدا میکند. آری این آبگوشت بی رنگ و فاقد تنوع از آنجا عزیز میشود که یاد آور شب شبات های کودکی و نو جوانی و جوانی است. شب هائی که همه با تقدس و روحانیت براخاهای مخصوص شبات را میخوانند. شبهایی که سفره ای زیبا زینت بخش میز است و سفره شام

رنگین تر از بقیه شبها. شبی که مادر با روحانیتی مسحور کننده شمع شبات را روشن میکند ، براخا میخواند و بعد دقایق متوالی برای همه عزیزانش عاشقانه و از صمیم قلب دعا میخواند. آبگوشت گندی یاد آور همه این خاطره های زیبا جمعا و یکا یک آنها به تنهائی است. این غذای افسانه ای یاد آور مادر است که تمام روز جمعه را بکار مشغول بوده تا سور و سات شبات ما را رویراه کند و زمانی که پدر و خواهر و برادرها گرد میز شام ایستاده ایم تا پدر براخای شراب بگوید او هنوز کار انجام نداده ای در آشپزخانه دارد و اصرار بر اینکه: «شما براخا را بگوئید من آمدم ، بچه ها گرسنه اند» و پدر که با صبوری منتظر است و جمله همیشه اش را تکرار میکند: «خانم شما باید بیائید تا براخا بگوئیم». این غذا یاد آور ما بچه ها است که از عطر خوراکیها اشتهایمان تحریک شده و «دزدکی!» به غذاها ناخنک میزنیم و در عین حال نقشه میکشیم که پس از پایان مراسم براخا اول به کدام غذا شیخون بزیم (و البته ته دیگ در صدر لیست همه ما است چون بر خلاف بقیه غذاها مقدارش محدود است).

این ملکوت ، شکوه و جاذبه شبات است که طعم این غذا را چون مان بهشتی میسازد. راستی آیا گندی بدون نان ایرانی و سبزی خوردن که خاص ما ایرانیها است و صدای تار و سنتور لطفی دارد؟ به اعتقاد من جواب منفی است.

ادغام این غذای یهودی سنتی با این نان و سبزی و ساز ایرانی ، ادغام یهودیت است با عرفان والای ایرانی و همین آمیزش زیبا باعث میشود که رایحه این غذا تقدس والای شبات را توأم با عرفان ملکوتی ایران زمین یاد آور باشد.

در سنین کودکی از اینکه شب شبات بجز شرکت در جمع خانواده مجاز به انجام هیچ کار دیگری نیستیم گاه معذب میشویم ولی بعدها که خود تشکیل خانواده میدهیم و به روزهای گذشته زندگی خود میندیشم بجز واقعه های مهم و موعداها که استثنائی است لابلای روزهای هفته که بخودی خود هیچ خاطره ای را یاد آور نیستند فقط روز شبات است که حتی نامش یاد آور بخش مهمی از خاطرات و سنتهای زیبای ما میشود. چرا که شب و روز گرد هم آئی و اتحاد بوده و خواهد بود. راستی یادش بخیر شب شبات های خانه پدری.

گروه خدماتی شری جلیلوند

*Social Services Specialist
Sherry Jalilvand*



با ۲۳ سال سابقه و اجازه رسمی از دولت آمریکا به عنوان:

متخصص کمک های اجتماعی

مورد توجه ۶۵ ساله ها و دیگران

اگر بیش از ۶۵ سال دارید، شما و همسرتان واجد شرایط جهت گرفتن حقوق نقدی و کارت بیمه از دولت آمریکا می باشید همینطور اگر فرزند زیر ۲۱ سال دارید یا یک بیماری دائمی شما را از کار کردن باز میدارد میتوانید از این مزایا استفاده کنید.

TEL: (818) 501 - 0444

Fax: (818-501-0452)

از: نوراله خرازی

دیوار ندبه

«...میگویند جان گرفتن و بزبان در آمدن بعضی از نقاشی ها و مجسمه ها و آثار هنری تازگی ندارد و خیلی از نازکدلان با صبر و حوصله و سماجت آنرا تجربه کرده و بعد مشاعر خودشان را از دست داده اند...»



متفکر بودن را، بخود گرفته. شاید همین حقارت و گمنامی این «کار» و «صاحب کار» (این نقاش و نقاشی) است که انسان را مجذوب و مفتون میکند و به تحسین وامیدارد. شاید هم چون ما بینندگان این اثر در دل میدانیم حقیر و گمنام هستیم به اشیاء و منابع و آثار هنری گمنام علاقمند میشویم و حقارت خودمان را در تماشای آنان غرق میکنیم و آینه روح ما میشوند.

در هر صورت این نقاشی باین سادگی ها هم نیست و خیلی پیام ها در خود دارد و خیلی از ماجراها را بیاد بیننده می آورد چون اغلب در نقاشی های ظاهراً ساده و محقر و بی شیله پيله یک دنیا نیرو و هیبت و

از همان دقیقه اول که من چشمم به این نقاشی افتاد عاشقش شدم و دل باختم و اسم دیوار ندبه را به آن داده با آن عشق ورزیدم و این عشق روز بروز عمیق تر و پر معنی تر و پاداش بخش تر شد.

این صحنه تو دل برو کار خانم گاتمن یک نقاش آمریکائی پنجاه، شصت سال پیش است که خیلی ها را فریفته خود کرده، در میان نازکدلان غوغائی پیا ساخته و خاطر خواه زیاد دارد.

البته این ضعیفه نه مثل رفائل و پیکاسو و لئوناردو معروفیت جهانی دارد و نه این کار او شهرت مونالیزا را بهم زده یا هیبت و صلابت مجسمه مرد

زیبائی فشرده و پیام های پنهانی بیتوته کرده اند و گاه بیداد میکنند.

در این نقاشی، ظاهراً دخترکی چهارپنجم ساله «روی به دیوار و پشت بدنیا کرده» دسته گلی به آب داده و یا بشقابی را شکسته یا لیوان شیری را روی قالی ریخته، با کبریت بازی کرده و یا برادر کوچکش را از روی حسادت گاز گرفته و بگریه انداخته است. و مادرش با فریاد و تشر او را توبیخ کرده و برای تنبیه باو امر کرده است کتج دیوار بایستد (در وطن اغلب ما کتک جانانه میخوریم ولی از دیوار و رو بدیوار ایستادن خبری نبود!)

میدانم پیش خودتان خواهید گفت فلاتی باز دارد غلو میکند و مثل همیشه میخواهد از گاه کوهی بسازد و بساطی علم کند. ولی اینطور نیست. قدری دل بدل من بگذارید و بگذارید دلم را خالی کنم چون این نقاشی مایه دار است و عمق دارد و پوک نیست و با تارهای قلب بیننده بازی میکند این اثر هنری این صحنه و این تصویر ارزش قدری بحث و مداونه و ننه من غریب در آوردن و پای آن سینه زدن را دارد. من اسم آنرا دیوار ندبه گذاشته ام ولی چندان رابطه ای با دیوار ندبه معبد یهودیان ندارد. این دیوار ندبه اورشلیم نیست این دیوار ندبه معبد سلیمان نیست.

این سمبل و نماینده دیوار ندبه معبد در هم شکسته درون قلب یک یک ماست و همه مان گاه و بیگاه در مقابل آن دست دعا و استغاثه و طلب مغفرت به آسمان بلند کرده و خون گریسته ایم. این دیوار معبدی است در اورشلیم قلب همه ما. معبدی که در زیر بار لغزش و گناه و معصیت و سبیت و بی رحمی بشر به بشر در هم فرو ریخته و فقط یک دیوار از آن بجا مانده...

این «دیوار ندبه اورشلیم قلب» همه خاکیان است. این دیوار ندبه خصوصی ماست و از یهودی گرفته تا نصارا و علی الهی گرفته تا پیرو کبالا و از مسلم و مرتد و بودائی تا پیرو اهورا مزدا همه این دیوار ندبه را بطور مادر زاد در درون خود داریم و هم زوال ناپذیر است و هم ترمیم ناپذیر. ما هم در کودکی رو به این دیوار ندبه ایستاده ایم و هم در بلوغ و جوانی و پیری و خیلی از ما هم در حال استغاثه در مقابل آن، جان بجان آفرین تسلیم کرده ایم.

* * *

چیره دستی این نقاش در این است که با کمک یک دخترک ملوس رو بدیوار ایستاده و یک سگ با وفا و بعضی ریزه کاری ها، منظره ای چنان دلفریب ایجاد کرده است که با تارهای قلب بیننده بازی میکند و انسان از دیدن آن سیر نمیشود. او حتی صورت این دخترک را بما نشان نمیدهد ولی ما میدانیم او چه میکشد ما میدانیم چشمان درشت او پر از اشک است و ما میدانیم در درون قلب کوچک و موقتا شکسته او چه میگردد. دنیای کودکانه شکننده آسیب پذیر او «با یک تشر زدن مادر» در هم فروریخته ولی او نمیخواهد خودش را بشکند، نمیخواهد ضعف نفس نشان دهد. آخر صاحب قلب های کوچک هم غرور دارند، آبرو دارند و نمیخواهند پیش سر و همسر خجل شوند شاید او «رو بدیوار و پشت بدنیا» در مغز کوچک و تازه جوانه زده خود دارد وضع توهین آمیز خودش را مطالعه و مرور میکند و فکری است چطور دوباره مادرش را با خود بر سر مهر بیاورد و رفع سوء تفاهم کند.

در این سنین کودکی، آرزوها و خوابهای طلائی ما هم مثل خودمان ظریف و شکننده و ریشه ندوانده هستند و با یک تشر پدر و مادر از بین میروند در این سن و سال ما چشم براهیم که دست محبت بر سرمان بکشند نه اینکه کاسه کوزه ها را بر سرمان بشکنند و ما را خرد و خم کنند.

ریزه کاری های این تصویر و این صحنه یک دو تا نیست: جوراب کوتاه دخترک لباس وال بدن نما و تا بالای زانوهای او، دستهای گوشت آلود و انگشتان نحیف ولی چاقالوی او همه و همه دست بدست هم داده اند که دل من و شما را بسوزانند و ما را بیاد سه، چهار سالگی های خودمان یا خواهران و برادران خردسال خودمان بیندازند. تنها روزنه امید در این صحنه توله سگ ملوس دخترک است که با گشمان محزون حس کرده است صاحبش در زحمت است و خودش را به او چسبانده. در عالم حیوانات زبان بسته باو قوت قلب و دلداری میدهد و وفاداری و پشتیبانی خودش را ثابت میکند. او میکوشد وفاداری خودش را جانشین بی مهری موقتی انسان ها کند. پوزه گرم و مرطوب خودش را به پوست نرم و لطیف پشت زانوی دخترک چسبانده و با حرارت بدن خود احساسش را به او مخابره میکند و پیام محبت و وفاداری و امید میفرستد و بصبر و تحمل میخواندش.

میگویند جان گرفتن بعضی از نقاشی ها تازگی ندارد و خیلی ها با سماجت و صبر و حوصله آنرا تجربه کرده و بعد مشاعر خودشان را از دست داده اند.

اشیاء بی جان را ما نباید دست کم بگیریم چون خیلی از آنها برای ما یک نوع پیامی دارند. پیامی مخوف و هیبت انگیز و گاه امید بخش و تسکین دهنده و وقتی از جهالت و از خود راضی بودن ما بجان می آیند جان میگیرند و پیام آنان انسان را تکان میدهد و گاه خجل و سرگردان و متحیر و بیمناک میکند.

حال شاید بگوئید من مشاعر خود را از دست داده ام ولی من یکی دوبار آنقدر سماجت بخرج داده و باین صحنه، باین دخترک معصوم «رو بدیوار و پشت بدنیا کرده» خیره شده ام که تصویر ظاهرا بیجان در زیر نگاه های مشتاق و آتشین و التماس آمیز من جان گرفته و دخترک با تانی روی خودش را برگردانده و بروی من تبسم کرده و من ... من چهره خودم را دیده ام. اگر قبول ندارید چند دقیقه ای با خلوص نیت به این عکس بنگرید و مایوس نشوید چون من قول میدهم سرانجام برای یک لحظه روی خودش را بطرف شما بر خواهد گرداند و شما چهره خودتان را خواهید دید.

حال مهم نیست که این چهره کودکی شما باشد یا چهره فعلی شما. شاید هم چهره خواهر یا برادر شما یا شمایل دوستی آشنا یا محبوبه ای از دست رفته باشد. مادام که چهره آشنا باشد کافی است و شما پیام دریافتی اید و نقاش و بیننده هر دو بمراد دل رسیده اند و تیر بهدف خورده است.

البته من و شما میدانیم این لحظات دردناک، این رو بدیوار ایستادن و پشت بدنیا کردن این کودک موقتی و زود گذر است و بزودی مادرش بسراغ او آمده در آغوشش خواهد کشید و صورتش را غرق بوسه خواهد کرد. ولی تکلیف ما بزرگترها، بزرگترهائی که مرتب از سرنوشت سیلی میخوریم و توبیخ میشویم و دست التماس و استغاثه به سوی دیوار ندبه درونی خود دراز کرده خجالت میکشیم بدنیا رو نشان دهیم چه میشود؟ فریاد رس ما بزرگترهائی رو بدیوار که دنیا بما پشت کرده است و مرتب از طبیعت تو سری میخوریم که خواهد بود؟ چه کسی بما قاقالی لی خواهد داد و دست ملاحظت بر سرمان خواهد کشید و اشک های ما را از چهره مان خواهد سترد؟ وقتی مادری خواستیم که ما را در آغوش کشد و مادر نبود چه خاکی بر سر خواهیم ریخت؟

تکلیف پاره آجرهائی که سرنوشت و هموعان ما برایشان پرتاب میکنند چه میشود؟ وقتی همه ما را ترک کردند و دوستان بما پشت کرده روی خوش نشان ندادند و تنها مانند سگ باوفای ما کجا خواهد بود؟

من هر بار که به این تصویر خیره شده ام همه این افکار بمغزم خطور کرده است این منظره هم دل را میسوزاند و هم آرامش خاطر میدهد و هم به مبارزه میطلبد. من خیال میکنم این نقاش چیره دست ما را بمبارزه میطلبد که به این تصویر خیره شویم و در عالم خیال (و شاید هم حقیقتاً) دخترک را وادار کنیم سر خودش را برگرداند و هویت خودش را آشکار سازد.



نصرت مختار زاده (آیزک)

مشاور مورد اعتماد شما در امور املاک

Senior Commercial Investment Consultant

متخصص در خرید و فروش:

املاک تجاری و معاوضه های مالیاتی 1031 - آپارتمان بیلدینگ - مسکونی

در مناطق لوس آنجلس، بورلی هیلز و حومه بورلی هیلز

The Prudential
California Realty



(Beverly Center Branch)

8128 West 3rd. St. Los Angeles, CA 90069

(213) 653-9970 Ext. 226 (Isaac)



کیتترینگ کاشر پرنس

با ما از میهمانان خود چون
یک پرنس پذیرائی نمائید



خوشمزه ترین و سالمترین غذاهای کاشر با قیمت باور نکردنی
کادر ورزیده و مجرب ما زیباترین میزهای غذا را تزئین نموده و
بهترین سرویس را ارائه میدهند

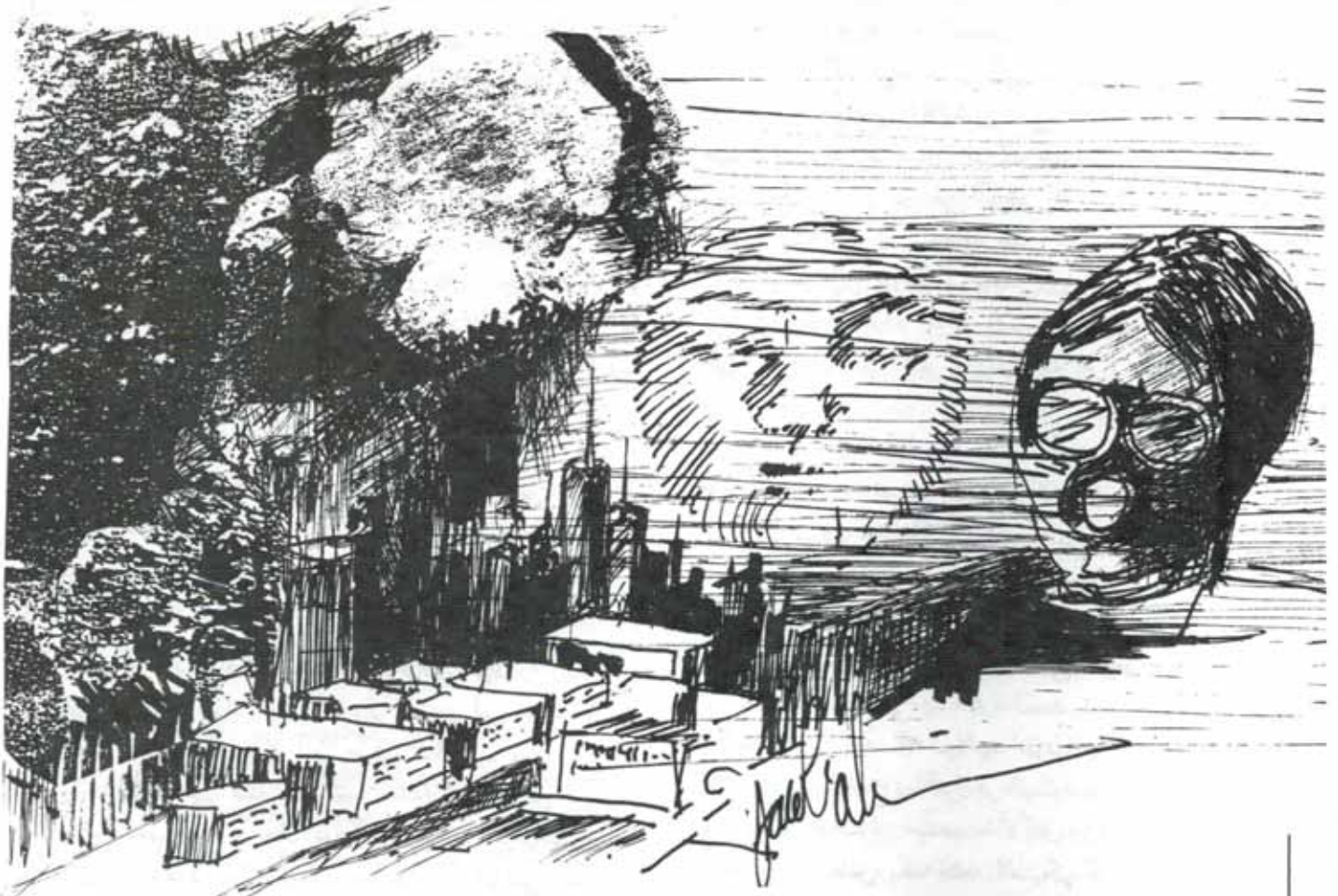
نرخ مخصوص این فصل: بمديريت : منوچهر مختار
OPEN BBQ
در منزل شما ۱۲/۵ دلار فکس ۰۲۰۰ - ۶۰۹ (۸۱۸)
تلفن ۰۴۰۴ - ۶۰۹ (۸۱۸)

خدمات بیمه و مالی اسحقیان

مشاور و راهنمای صدیق شمادرامور بیمه و وام

14937 VENTURA BLVD.
SUITE 206
SHERMAN OAKS, CA 91403

(818) 906-3666
(310) 470-6938
FAX: (818) 783-4312



سال پیش بهنگام خروج قوم اسرائیل از مصر، قدرت
تخیل کسانی از قوم ما آنانرا به حال و روز نوادگانشان
در دنیای امروز می کشاند، حرف عجیب غریب
باورناکردنی نگفته ایم.

ه - الف

گذشته نگری و آینده نگری از خصوصیات
عادی آدمی در هر مقطع زمانی است. آدمیان پیشین
به یاری «تخیل» و بافت «میتولوژی» از پیدایش خلقت
تا بهشت و جهنم را می پیمودند و انسان امروزین بمدد
«علم» در جستجوی تاریکیهای دیروز و فردای خویش
است. از اینرو، اگر بگوئیم که قریب سه هزار و سیصد

چرا ما می خوریم «فست فود» امشب؟

یک فانتزی فرد اعلی

میشود، راستگو، دروغگو، با ایمان خودخواه، عاقل، خل
وضع، پاک، ناپاک، خادم و خائن و آدمهای جورواجور

ماه ماه تموز است و قوم در نیمه راه صحرای
سینا. بیست سال دیگر مانده است تا به ارض موعود
برسند. پیداست که در میان قوم همه جور آدمی پیدا

دیگر. یکی از این آدمها «الیاس نبی» است که ادعای نبوت دارد. بعضی ها حرفهایش را باور دارند و بعضی دیگر میگویند عقل او پاره سنگ می برد. الیاس از وقتی که در سرزمین فراعنه بردگی می کرد و ناوه بر دوش می کشید همیشه از آینده می گفت. روزیکه از دریای سرخ عبور داده شد مردی چهل ساله بود و حالا شصت سال از عمرش می گذرد و دارای چند عروس و داماد و نوه و یک نتیجه است. خاندان الیاس نبی که جمعاً از چهل نفر متجاوزند در شب گرم آغاز تموز زیر چادر، دور سفره بزرگی که بر آن چیزهایی چیده اند نشسته اند. الیاس، بزرگ خاندان، آن بالا جلوس کرده و قیافه ای واقعاً روحانی دارد. در سکوت مطلق، پیش از اجرای مراسم، دلیل برقراری این آئین، شبانه را با لحنی گرم و دلنشین تعریف می کند:

- و ما امشب، اینجا زیر این چادر دور هم جمعیم تا یاد نوادگان نوادگان نوادگان خود را زنده نگه داریم. همه افراد قوم البته از مراسم این شب مقدس پیروی نمی کنند چون آنها حرف مرا قبول ندارند. آنها مرا ریشخند می کنند اما بشما خاندان عزیزم من نمیتوانم اجازه بدهم وضع و حال نوادگانمان را در نزدیک به سه هزار و سیصد سال دیگر به بوته فراموشی بسپرم. همانطور که ما الان در حال مهاجرتیم و به رهبری پیامبر بزرگمان بسوی اورشلیم می کوچیم نوادگان ما، یعنی نوادگان ما خاندانی که الان دور هم نشسته ایم بعد از صدها سال دریدری و سرگردانی در سرزمین «فارس» و بعد از آنکه نسلی دنبال نسل دیگر در ایام پسخ اورشلیم اورشلیم می کنند، وقتی که به فرمان الهی اقدام به مهاجرت می کنند اورشلیم را که وسط راهشان بوده نمی بینند. گم میشوند و سر از «شهر شیاطین» در می آورند. و ما امشب این مراسم را بعمل می آوریم تا مگر خداوندگار اعظم نوادگان معصوم ما را بخشاید و آنها را ولو آنکه به کنعان بازنگرداند لااقل از شر شهر شیاطین خلاصشان کند.

در اینجا الیاس نبی یک مرتبه دچار احساسات میشود، و بعد از آنکه نمیتواند خودش را آرام نگه دارد سرش را پائین می اندازد و شروع میکند با مشت آرام آرام به سینه زدن و گریه کردن و سر جنباندن و با سوز و ناله استغاثه کردن:

- خداوند! آزاد کن نوادگان ما را از سرزمین شیاطین همانطور که آزاد کردی ما را از سرزمین فراعنه.

ای خدای «اوراهام و ایسحاق و یاکوب» عفو فرما این نوادگان ره گم کرده ی زندگی باخته ما را که قرنها بعد از خاک کوروش رهایشان می کنی تا به اورشلیم مهاجرت کنند اما میان راه گم میشوند و در شهری بنام لس آنجلس سر در می آورند که در دفتر تاریخ بنام جهنم جهنم ها ثبت خواهد شد. پروردگارا.....

در این موقع شولامید، زن الیاس که می بیند بچه ها بغض کرده اند و الانست که بحال نوادگانشان گریه و فغان سر دهند با زبان اعتراض خطاب بهمسرش می گوید:

- خوب آقا بسه حالا دیگه. لاشون پیش بچه ها، گریه و زاری بسه. انشاءاله به زغوت حق خدا کمکشان میکند از مصیبت خلاص می شند. الیاس اشگهایش را پاک می کند و میگوید: همه بگوئید آمین!

و جماعت با صدای بلند می گویند: آمین. و الیاس نبی با اشاره دست شروع اجرای مراسم را اجازت می دهد. شولامید ظرف بزرگ را پیش می کشد و دستمال روی آنرا بر میدارد و یکی یک «گاز زن» بهمه حاضران میدهد. «گاز زن» چیزست شبیه ساندویچ. وسطش یک قطعه لاستیک گرد به اندازه کف دست است و زیر و بالای لاستیک با پنبه و کتان نخ پیچی شده. کوچکترین فرد خاندان، نتیجه الیاس نبی است که هنوز حرف نمیزند و بعد از او «الیسا» پسرک پنج ساله است که با صدای بلند می پرسد: چه فرق دارد امشب با شبهای دیگر! چرا ما در شبهای دیگر می خوریم مصا و امشب باید گاز بزیم لاستیک؟

و الیاس نبی با همان لحن پخته سنگین جواب میدهد: زیرا که نوادگان نوادگان نوادگان ما در شهر شیاطین گاه و بیگاه برای رفع گرسنگی به «فست فود» پناه خواهند برد. و «فست فود» غذایی است که با عجله و شتاب تند و تند درستش می کنند و می خورند و همانطور که ما بخاطر شتابزدگی در خروج از مصر نتوانستیم نان درست و حسابی بخوریم و نان فطیر خوریم آنها هم بعد از سه هزار و سیصد سال بخاطر عجله و دستپاچگی، به ساندویچها و هامبرگرهای مسموم کننده روی می آورند و دستور پیتزاهای حرام میدهند که بدرخانه هایشان بیاورند و اینکار را بیشتر، دخترها و پسرهای جوان خواهند کرد زیرا که در آنشهر پدر و مادرها از تعلیم دین و قوانین دین عاجز خواهند بود.

سارا دختر دوازده ساله می پرسد: براخاش رو گفتین؟ گاز بزیم؟

شولامید میگوید: آره خوشگلم، گاز بزن. اما نکته چیزیش را بخورید. فقط گاز. اونهم فقط یک گاز. سارا با نزاکت دخترانه یک گاز کوچک میزند و قیافه ای بخود می گیرد که انگار الان می خواهد بالا بیاورد. بدستور الیاس نبی همه فانوسها و شمع ها و فتیله های زیرچادر خاموش می شود و درزهای چادرها را سفت و سخت کیپ می کنند بطوریکه ظلمات چنان شدید میشود که چشم چشم را نمی بیند.

الیسا دوباره با صدای بلند می پرسد: چه فرق دارد امشب با شبهای دیگر؟ چرا ما داشتیم نور در زیر چادر هر شب اما امشب در تاریکی نشسته ایم؟

الیاس نبی میگوید: زیرا که نوادگان ما در شهر شیاطین هر چند وقت یکبار با آتشی دوزخی روبرو خواهند بود و سیاهان با آشوبهای وحشت آور خود شهر را به آتش خواهند سوزاند چنانچه ساختمانهای فراوان خاکستر خواهد گردید و آدمهای بسیار کشته خواهند شد و سرمایه های بیشمار بباد هوا بدل خواهد شد و مردم پیوسته در ترس و هراس آشوب آتش افروزی دیگر بسر خواهند برد و در امن و امان نخواهند بود.

شوحارا عروس الیاس می پرسد: اما ای آقای ما، چرا در حالیکه آنان در آتش خواهند سوخت ما چراغها را خاموش کرده ایم؟

الیاس نبی میگوید: تا بدرگاه خداوند بزرگ دست دعا بلند کنم و از او بخواهیم همه آتشیهای شهر شیاطین را خاموش کند همانطورکه چراغهای چادر ما را خاموش کرده است. و حالا من از تک تک شما می خواهم تا در این تاریکی مطلق، هرکدام از بغل دست اش چیزی کش برود. یک دقیقه بیشترمهلت ندارید. بعد از آن باز شمع ها و فتیله ها را روشن میکنیم.

فتیله های زیر چادر که روشن میشود الیسا می پرسد: چه فرق دارد امشب با شبهای دیگر؟ چرا ما در شبهای دیگر بدون گشتی و ژاندارم و آژدان در امنیت مالی و جانی بودیم اما امشب از همسایگان و خویشان خود چیزی را میدزدیم؟

و الیاس نبی میگوید: زیرا که باید بیاد آوریم در شهر شیاطین نوادگان ما هیچگونه امنیتی نخواهند داشت. دزدی یک شغل قبولشده از طرف شیطان خواهد بود که حتی برای آن «پروانه حمل اسلحه» هم صادر خواهند کرد و دزدان آدمکش خانه ها را غارت می کنند.

ماشینها را مثل آب خوردن میدزدند. بانکها را سرقت می کنند و آدمها را میکشند. و برای آنکه ببینید روزگار بر نوادگان ما، این قوم کوچک یهودی ایرانی مقیم شهر عجائب چه خواهد گذشت امشب ما چیزهایی را از هم دزدیدیم که حالا به صاحبش پس میدهیم.

قطوره دختر الیاس می پرسد: نوبت لرزه لرزه زمین لرزه نرسیده؟

الیاس نبی با مهربانی می گوید: عجله نکن باباجان. الان. بعد از سه دقیقه سکوت.

و در پرتو نور شمعها و فانوسها، حاضران بمدت سه دقیقه آرام و خاموش مثل مجسمه می نشینند و نه تکانی می خورند و نه حرفی میزنند. سکوت که تمام میشود باز الیسا می پرسد: چه فرق دارد امشب با شبهای دیگر؟ چرا ما در شبهای دیگری گفتم و می خندیدیم اما امشب چند دقیقه «خفقان» گرفتیم و بدل به مجسمه شدیم.

و الیاس نبی میگوید: زیرا که نوادگان ما در شهر شیاطین دوره ای طولانی و مرگبار را خواهند گذراند که در آن هر فعالیتی خواهد مرد و بازار کار ساکت خواهد شد و مردم این بلای عام را «ریسشن» نام خواهند داد که چون طاعون، واگیر خواهد بود و دلهره ها دردل خواهد انداخت و زندگی را بر کامها تلخ خواهد کرد. و حالا نوبت مرحله ایست که قطوره منتظرش است.

و قطوره زودتر از همه بلند میشود و همه زنها و دخترها نیز برمی خیزند و دستها را بلند می کنند و کف دستها را روی هم میگذارند. و مردها و پسرها بسمت تیرک های چادرها میروند و شروع می کنند پا بزمین کوفتن و فریاد «بلرزان و بلرزان» در آوردن و تیرکها را تکان دادن. و زنها با همان ژست ایستاده از انگشت دست تا انگشت پا خود را می لرزانند که یکباره صدای جیغ و داد نتیجه الیاس نبی بلند می شود و شولامید بمیان میدود و میگوید: بسه آقا! بسه. بچه الان از وحشت هلاک میشه.

و الیسا می پرسد: چه فرق دارد امشب با شبهای دیگر؟ چرا شبهای دیگر هیچ چیز نمی لرزید ولی امشب خانه مان و خودمان می لرزیم؟

الیاس نبی می گوید: آی که چه بگویم الیسا جان! اگر خداوند تبارک و تعالی بر مصریان ده ضربت وارد آورد بر این نوادگان راه گم کرده ما ضربتهای

بیشتری وارد خواهد آورد زیرا که آنها شهر شیاطین را برای زندگی انتخاب کردند. این ضربتها یا خودشان حی و حاضر خواهند بود یا ترس از حضور آنها مثل موریانه به جان نوادگان ما خواهد افتاد. ترس از زلزله های کوچک و زلزله بزرگی که شهر را با خاک یکسان خواهد کرد. ترس از خشکسالی و جیره بندی آب. ترس از سیل. ترس از ایدز. ترس از تصادف. ترس از آدمکشی. ترس از بیکاری. ترس از کلاه گذاری. ترس از کلاه برداری. ترس از حرف مردم. ترس از اینکه جگرگوشه ها در دام سیاه اجتماع نیفتند و هلاک نشوند. ترس از بالا رفتن کلسترل و پائین آمدن فشار خون. ترس از شورش سیاهان و آتش زدن شهر. ترس از دکتر و بیمه و بیمارستان و ترس و ترس و ترس که جانها را بستوه خواهد آورد و خنده ها را روی لبها خواهد خشکاند و زندگیها را چنان مصنوعی و پوک و بیمزه خواهد کرد که طعم آن از طعم «روغن کرچک» صد برابر بدتر خواهد بود.

و بعد همه با پیش کسوتی الیاس نبی از چادر بیرون می روند و ظرف گندابی را که قبلاً آماده کرده اند بو می کشند و آب متعفن آنرا در گودالی میریزند و جام سفالی را بدست «روبین» پسر بزرگ الیاس بر زمین می زنند و بعد از شکستن جام دسته جمعی بزیر چادر بر میگردند و باز الیسا می پرسد: چه فرق دارد امشب با دیگر شبها؟ چرا در شبهای دیگر ما بو می کشیدیم عطر و گلاب و مشک و بیدمشگ را اما امشب بو کشیدیم آب متعفن را؟

الیاس نبی میگوید: بیاد نوادگان بیگناه بد بیمارمان. زیرا که آنها در شهر خود آفت دیگری خواهند داشت بنام «اسماگ» که مخلوطی خواهد بود از سموم دودآلود ماشینها و مه آسمانها. این هوای مسموم دود آلود هفت روز هفته آسمان شهر را خواهد پوشاند و ریه ها و مغزها را خراب خواهد کرد و امراض تازه نوظهوری بوجود خواهد آورد و گاه آلودگی چنان شدید و چنان طولانی خواهد بود که کودکان نخواهند دانست ستاره چیست و ماه کدامست! بوی گنداب یادآور بوی شهر شیاطین است که در آن بجای عطر گلهای یاس و سرخ و اقاقی و دیگر گلهای خوشبو انواع اقسام آبهای زرد رنگ را در شیشه های چهار بگوش و مدور خواهند ریخت و به قیمتهای گزاف بنام «عطر» به مردم بیچاره خواهند فروخت.

هارون و راحیل که کنار هم نشسته اند و سخت منتظر مراسم شبه دینو هستند حوصله شان سر رفته و شیطنت می کنند و الیسا نیز که اول شب تند و تیز سوال می کرد کم کم چرتش می گیرد و شولامید میگوید: تا بچه ها خوابشان نبرده شام را بکشیم؟

الیاس نبی ناراحت میشود و تقریباً با پرخاش میگوید: نوادگان این بچه ها در شهر شیاطین از بس گرفتاریهای الکی بیخودی خواهند داشت و صبح تا شب سگ دو خواهند زد بعضی روزها پادشان خواهد رفت که صبحانه یا ناهار یا شام بخورند آنوقت تو دلت شور میزند که شام پدران پدران پدران آنها و مادران مادران مادران آنها چند دقیقه دیر شده است. پاشو آن بادکنکها را برایشان بیاور تا خواب از سرشان بپرد!

شولامید با کمک مریم دخترش بادکنکها را که از معده و روده گاوها و گوسفنده درست شده و روی آنها را با رنگهای قشنگی نقاشی کرده اند می آورند و بین بچه ها تقسیم می کنند. الیاس نبی می گوید: این بادکنکهای رنگارنگ حکایت از زندگی نوادگان شما در آن شهرکذائی دارد. رویش زیبا و گیرا و تویش پوچ و خالی!

همه منتظر شبه دینو هستند. «وسائل حرب» در دست حاضران آماده کارزارند. الیاس نبی می خواند:

- اگر زنان واکندند مچ شوهرانشان را.

لودینو! (کافی نیست مار!!!)

- اگر شوهران خفه کنند زنان را با بالش و متکا لو دینو!

- اگر یائسگان طلاق بگیرند از همسران

لو دینو!

- اگر مردم بزنند حرفهای مفت پشت همدیگر

لو دینو!

- اگر پدران بترسند از پسران و مادران از دختران

لو دینو!

- اگر دین و ایمان برود و تظاهر و خودنمایی بیاید

لو دینو!

و این اگرها آنقدر ادامه پیدا می کند که افراد خاندان الیاس نبی با ضرباتی که بعد از ضربات الهی، بهمیدیگر وارد می آورند حسابی لت و پار میشوند و هر یک بگوشه ای می افتند بطوریکه شام را پادشان میرود و چون چشم باز می کنند افراد نگران دیگری را از قوم بنی اسرائیل می بیند که دور چادر آنها حلقه زده اند!

دکتر بهروز بروخیم دکتر بنجامین (بهنام) بروخیم

جراحی استخوان و مفاصل - ارتروسکوپی

Orthopedic Surgery

436 N. Bedford Dr. #303
Beverly Hills, CA 90210
(310) 859-9196

10767 Riverside Dr.
North Hollywood, CA 91602

(818) 980-8881

**JACOB
F. ESAG OFF
D.D.S.**

**دکتر جیکوب اسحاق اف
دندانپزشک**

تلفن ۲۴ ساعته

(310) 652-9114

239 S. La Cienega Blvd., Suite 200
Beverly Hills, CA 90211 **بک بلاک جنوب و بلشر**

پارکینگ رایگان شهرداری بوریلی هیلز
با فاصله یک بلاک
بک بلاک جنوب و بلشر روبروی پارک لاسیونگا

مشاوره رایگان

- روت کانال
- روکش چینی و دندان های مصنوعی (ثابت و متحرک)
- زیبایی دندانها با باندینگ
- سفید کردن دندانها
- جلوگیری از پوسیدگی دندانها
- جلوگیری از بیماری های لثه
- جراحی دهان و دندان
- قبول اورژانس های دندانپزشکی

افتتاح مطب جدید در منطقه اسیانو

4237 Coloma Ave.
Woodland Hills, CA. 91364

دکتر هوشنگ پاکدامن

مشاوره در امور:

- جلوگیری از افسردگی و اضطراب
- سازش با محیط
- ترک اعتیاد مواد مخدر و الکل

- مشکلات عاطفی
- کسب اعتماد به نفس
- مشکلات بزرگسالان و نوجوانان

تلفن ۲۴ ساعته: ۳۵۰۲-۲۸۰-۲۱۳ (۲۱۳)

337 S. BEVERLY DR. #207
BEVERLY HILLS, CA 90212

قرار داد ازدواج

در باور من، ازدواج پیوند مقدسی است که بین دو انسان، بین زن و مردی که قلبشان را بهم بخشیده اند، صورت میگیرد و رابطه ای زنده و ملموس را بتدریج رشد داده و باوج میرساند. میتوانم اضافه کنم که تقدس این پیوند قبل از آنکه به دو امضائی مربوط باشد که در دفتری از پیش ساخته شده و در حضور رهبران و شاهدینی معتبر نوشته میشود، بیشتر به پیوند عاطفی و روحی زن و مرد بستگی دارد که معنای همسری را میتوان بخوبی همفکری و هم اندیشی دانست، چه بسیار ازدواجهائی رسمی و ثبت شده با بی اعتمادی و بی احترامی بیکدیگر به سستی و بی پایگی میرسند و چه بسا پیمانهای بدون سند و مدرک، با درک حقیقی وجوه هم، محکم و پا بر جا میمانند.



* بخوبی میدانم که زندگی آینده من آمیخته ای از لحظه های خوب دوست داشتن و عشق و نیز لحظه های بد سردی و بی تفاوتی و گاه پشیمانی خواهد بود. من

نوشته زیر قرار دادی است که در رابطه های سالم خود بخود اجرا شده و کمتر نیازی به شناختن و دانستن بیشتر آن وجود دارد. اما شاید در روابط رنگ باخته کمکی باشد برای ایجاد حرمتی میان دو انسان.

از امروز افسانه هائی که درباره ازدواج ساخته اند فراموش میکنم و میدانم که این عبارت «و آنها تا پایان عمر خوش و خرم در کنار هم زندگی کردند» بیشتر در خور قصه هاست تا زندگی واقعی. غمها وجود دارند و هیچ زوجی از مشکل و درد سر در امان نیست.

* من میدانم که هیچ چیز درد دنیا دست نخورده و پایدار باقی نمی ماند و برای هیچ امری ضمانت مطلق اجرایی وجود ندارد، بهمین دلیل تمام تصورات و رویاهای زیبا را با وجود آنکه شیرین و دلگرم کننده هستند از ذهن خود میدانم و چهره به چهره واقعیت ها قرار میگیرم.

* من در زندگی با تو هرگاه برایمان مشکلی پیش آید چه مالی چه معنوی، بیماری یا بی خانمانی، دست روی دست نمیگذارم و منتظر نمی نشینم تا زمان آنها را حل کند، و یا با خوش بینی انتظار نمیکنم که خود مشکلات خسته شوند و دست از سر زندگی ما بردارند! بلکه بجای این خیال پردازیها، همیشه گوش بزنگ مشکلات خواهم بود و بدون طفره رفتن یا تبلی، سعی میکنم آنها را پیشاپیش از پیش پا بردارم.

* من در تمام لحظه های سخت زندگی در کنار تو خواهم بود همانطور که در اوقات خوشی نیز با تو هستم. در لحظه بیماری و بد بیاری درست مثل اوقات سلامتی و خوشحالی در کنار تو میمانم و توجه و مهربانی و حمایت خود را نثار تو میکنم.

* اگر در مقابله با مشکلی گرفتار ضعف شدی با تمام قدرتم از تو حمایت میکنم و از تو هم انتظار متقابل دارم.

* اگر با خانواده من اختلاف پیدا کردی تا وقتی که از من داوری نخواستی ای قضاوت نمیکنم و در لحظه داوری هم وجدان، عدالت و انصاف را مد نظر قرار میدهم و با حسن اندیشه میکوشم اختلافها را از میان بردارم و صلح و صفا برقرار کنم.

* من تو را همانطور که هستی قبول دارم، نه در حضور سایرین و نه در خلوت خودمان هرگز تو را تحقیر نمیکنم. من تفاوت بین یک «نقش» را که اجتماع بعهده افراد میگذارد با «شخص» میفهمم. من به شخص تو احترام میگذارم و هرگز به خاطر نقش تو در زندگی، تو را کمتر از خود نمیدانم. تو بعنوان یک شخص منحصر به فرد برای من گرامی هستی.

* من پیوسته صفات و خصوصیات ویژه ای را که در تو زیبا و قابل احترامند بیاد دارم و همیشه با شناسایی کامل از زیبایی درون تو و حسن ظاهری ات، عشقم را بیاری کلام و رفتار به تو ابراز میکنم.

* من برای ارضای خواستههای روح خود و نه بعنوان انجام وظیفه، بدون آنکه حس کنم مجبورم یا تو از این میخواهی، وجود خود را از آن تو میدانم.

* من ذهن و اندیشه و تفکر خود را سالم و فعال و قابل احترام نگاه میدارم و از تو بطور متقابل چنین انتظاری دارم و با تشویق های خود تو را در این راه دلگرم میکنم. میخواهم برای اندیشه هایت احترام و ارزش قائل باشی و در سلامت آن بکوشی.

* من از نظر جسمانی نیز خود را سالم و فعال و دوست داشتنی نگاه میدارم و این کار را از راه آراستگی ظاهر، توجه به لباس پوشیدن، ورزش کردن و رسیدگی به بهداشت خود انجام میدهم. بطور متقابل از تو چنین انتظاری دارم. از من میخواه که وقتی نسبت به سلامت جسمانی خود بی توجهی نشان میدهی، تأییدت کنم. من دوست دارم که برای بدن خود، سلامتت، و زیبایی ظاهرات ارزش قائل باشی. من هر چه را که از تو میخواهم با تو مطرح میکنم. بی آنکه احساس کنم دارم گدائی میکنم و یا بیندیشم که مجبور نیستم از تو خواهش کنم و تو خود باید فکر مرا بخوانی و یا من نباید در خواستم را با تو در میان بگذارم.

* من وظایف خود را در درجه اول توجه قرار میدهم و با سالم و راضی و خوشحال نگهداشتن خود، سرشار از عشق و توجه و مهربانی خواهم بود تا این همه را نثار تو کنم.

* من قصد ندارم مخارج تو را کنترل کنم و یا بابت هر پولی که خرج میکنم بتو سند و مدرک نشان دهم، اما برای پولی که هر دو با کار کردن بدست میآوریم ارزش قائلم و با ولخرجی غیر معقول این پول، را هدر نمیدهم. بودجه ای را که باید برای رفاه و آسایش هر دوی ما مصرف شود، خرج تجملات و تفننات بی پایه و اساس نمیکنم و باقتصاد خانواده توجه دارم.

* من بدون اطلاع قبلی تو مهمان به خانه نمیآورم و میدانم که در کانون آسایش ما بهتر است که همه چیز با مشورت همدیگر، برنامه ریزی شود تا سبب رنجیدگی و ناراحتی همدیگر نشویم.

* من هیچیک از موارد اختلاف خودمان را هرگز با هیچکس مطرح نمیکنم تا با ذهنی خالی از تلقینات سایرین بتوانم با تو در حل اختلافان موفق شوم.

* در موارد اختلاف واکنش آنی نشان نمیدهم. بلکه صبر میکنم تا آتش خشم فرو بنشیند آنگاه با خود خلوت میکنم. موضوع را مو شکافی مینمایم. به خویش آرامش میبخشم و سپس با خونسردی بسوی تو میایم و درخواست میکنم با هم بنشینیم و بطور منطقی اختلافمان را بررسی و حل کنیم.

* هرگز در لحظه های عصبانیت و دلخوری شدید درباره طلاق و جدائی فکر نمیکنم و میدانم تصمیمی که در یک لحظه بحران روحی گرفته شود غیر منطقی است و نه تنها هیچ مشکلی را حل نمیکند بلکه در آینده نیز بر دامنه مشکلات خواهد افزود.

* من این را درک میکنم که من و تو بعنوان دو انسان جایزالخطا امکان دارد که مرتکب اشتباه شویم و انتظارندارم که هر یک موجود کاملی باشیم.

* من جسماً و روحاً بتو وفادار خواهم بود و هرگز این وفاداری را زیر پا نخواهم گذاشت زیرا به حرمت رابطه مان سخت ایمان دارم.

* من هرگز وعده انجام عملی را بتو نمیدهم مگر آنکه قصد واقعی برای انجام آن داشته باشم و در عمل بآن بپردازم.

* به شخصیت تو احترام میگذارم و بتو حق میدهم استقلال شخصیت خویش را حفظ کنی و هرگز انتظار ندارم بخاطر دلخوشی من در هیچ مورد عقیده ای دروغ ابراز بداری و مرا آنقدر ناچیز بشماری که لایق دروغ شنیدن بدانی.

* من روی دانائی تو و شناسائی ات از لحظه ای خوب زندگی در کنار من حساب میکنم و بهمین دلیل با کمال صداقت و با اشتیاق فراوان بسوی تو میایم تا با هم از زندگی لذت ببریم. اما اگر گاهی حال و حوصله گپ زدن و یا سرسرسر گذاشتن با مرا نداری، بی آنکه رنجیده شوم و یا خیال نادرستی بسر راه بدهم میپذیرم که تو را تنها بگذارم و میدانم که هر انسانی در لحظه هائی از زندگی خود به تنها بودن احتیاج دارد. من به نیازهای عاطفی و احساس تو احترام میگذارم.

* اگر در رسیدن به خواسته هایمان شکست بخورم و از چیزی که آرزویش را داشته ام محروم بمانم، البته

غمگین میشوم، اما نمیگذارم این حس باعث شود که رفتارم با تو تغییر کند. عبوس و اخمو و بی حوصله نخواهم شد و خود را زخم دیده و تحقیر شده نخواهم پنداشت.

* وقتی تو غمگین هستی با کمال میل درد دل تو را گوش میدهم بی آنکه از احساسات تو انتقاد کنم و یا روش بیان احساسات را کنترل نمایم.

* اگر حس کنم موضوعی ممکن است به رابطه صمیمانه ما لطمه ای بزند درباره آن با تو به گفتگو خواهم نشست اما این گفتگو بحثی منطقی خواهد بود، نه باین منظور که یکی پیروز و دیگری مغلوب شود، بلکه با در نظر گرفتن تمام جنبه های یک اختلاف کمک میکنم که در کنار هم و نه روبروی هم بایستیم و آن مورد اختلاف را از بین ببریم.

* هر قدر عصبانی باشم، نه به تو و نه به خودم صدمه جسمی نمیزنم و حتی تهدید بآن هم نمیکنم. از کلمات رکبیک بر زبان راندن سخت خودداری میکنم و میدانم که اختلاف یک لحظه است و از بین میرود حال آنکه تلخی کلمات دعوا سخت در ذهن میماند و انسان را آزار میدهد. من خود را مسئول تمام رفتارهایم با تو میدانم.

* وقتی در زندگی دچار بحران میشوم و دل سرد و ناراحتم، از تو برای حل مشکلات کمک میخواهم و نه از افراد بی صلاحیت که ممکن است حتی در لباس دوستی تیشه به ریشه خوشبختی ما بزنند.

* من میفهمم که آزادی را «نه تعهد و نه مسؤلیت» تعریف کردن غلط است. وقتی من تعهدم را بانجام برسانم آن موقع است که به آزادی نزدیک میشوم. آزادی من از درون من میجوشد، نه از شرایط محیط و نه از سوی تو.

* بدون مسؤلیت هیچ آزادی وجود ندارد. با مسؤل بودن من آزاد هم خواهم بود.

* من نمیتوانم مالک یک انسان دیگر و یا تحت مالکیت او باشم. پیوند ما وقتی مطلوب و مفید است که ما برای هم آزادی فردی قائل باشیم. ما بهممدیگر صد در صد اطمینان میکنیم تا حق آزادی هم را محترم بشماریم. معنی تساوی حقوق، تساوی رفتار و خصوصیات شخصیتی نیست، بلکه تساوی در حق و حقوق انسانی است.

* ما میتوانیم یک زوج نمونه باشیم و سر مشقی برای همه آنها که میخواهند براحتی خوشبخت شوند و از زندگی عمیقاً لذت ببرند. ما جوان هستیم، اندیشه سالم و سازنده داریم و نباید تسلیم افکار پوسیده عده ای بشویم که هنوز هم انسان بودن را بر حسب جنسیت درجه بندی میکنند و از مفهوم واقعی همزیستی بی خبرند.

* من انسانی متفاوت از تو هستم اما بدون این اندیشه که من برنده ام و تو بازنده. من به تفاوت‌های خودم با تو توجه دارم و بآنها مباحثات میکنم. به تفاوت‌های تو هم با خودم توجه دارم و بآنها نیز میبالم.

* هیچ چیز مرا وادار بازدواج با تو نمیکند مگرخواست خودم - در غیر اینصورت ازدواج ما هرگز نمی تواند واقعی باشد و ما فقط ادای آدمهای خوشبخت را در خواهیم آورد که در آنصورت نیز عروسک‌هایی بیش نخواهیم بود و این خلاف شأن انسانی ماست.

* من تو را دوست دارم، به تو احترام میگذارم و همیشه محبت های تو را سپاس میدارم و از تو قدردانی میکنم، اما هرگز شخصیت خود را مقهور تو نخواهم ساخت.

* اگر اعتماد کنی و رازی را در زندگی خودت یا دیگران بمن بگویی راز دار خوبی برای تو خواهم بود و هرگز بخاطر آنچه از روی اعتماد بمن گفته ای تو را سرزنش نخواهم کرد و کوچکت نخواهم شمرد. من از اعتماد تو سوء استفاده نمیکنم.

* از این لحظه که با تو پیمان می بندم گذشته ام را پشت سر میگذارم و گر چه از گذشته درسها میآموزم، اما هرگز در گذشته زندگی نخواهم کرد و نمیگذارم که گذشته من بآینده ما لطمه بزند.

* من میفهمم که اگر ما میخواهیم با هم بمانیم و از یکدیگر خسته نشویم، بایستی در عین استقلال شخصیت، هر دو خواستهای مشترک داشته باشیم و در احساس مسؤلیت نسبت به زندگی همدیگر سهم باشیم.

* طبیعی است که ما نمیتوانیم همه چیز برای هم باشیم و باید با دوستان خود معاشرت کنیم، اما با این آگاهی که این معاشرتها به سلامت و تعادل زندگی ما لطمه ای نزنند.

* من رابطه جسمانیمان را بر مبنای سهم شدن دو جانبه در لذت و عشق پایه میریزم و برای آن ارزش

والائی قائلم و توجه به روحیه و پرورش عاطفه تو را مقدم بر روابط جسمی میدانم.

* من همیشه زمانی را برای با تو خلوت کردن - بمنظور داشتن ارتباط صمیمانه، تفریح کردن و از عشق هم برخوردار شدن - تخصیص میدهم - زمانی که با تو هستم را بهترین لحظه ها میدانم و گرچه کارم و بچه هایمان برایم اهمیت دارند، اما تو مهمترین و آنچه را من در بودن با تو بدست میآورم از هر چیز بیشتر ارزش دارد. ازدواج من با تو او روی ترحم نیست.

* من فریب وسوسه های شیطان صفتانی را که گاه در ظاهری آراسته جلو میایند و قصد بهم ریختن کانون سعادت ما را دارند، نمیخورم و بخاطر هیچ انگیزه ای، نه پول، زیبایی و نه جاه طلبی، زندگی خوب و صمیمانه ام را با تو از هم نمیباشم و هرگز بدون موافقت کامل تو هیچ تغییر عمده ای در زندگی مان بوجود نمیآورم.

* من بدون مشاوره با تو و جلب موافقت کاملت، هیچ قرار دادی را که بزندگیمان مربوط میشود، امضاء نمیکنم. در انتخاب محل سکونت به خواست تو توجه کامل نشان میدهم.

* درباره تربیت بچه ها با تو مشورت میکنم و هرگز عقیده دیگران را در این مورد دخالت نمیدهم و نمیگذارم به جز خودمان که پدر و مادر بچه هایمان هستیم، کسی دیگر برای بچه هایمان تصمیم بگیرد و خط مشی تعیین کند.

* اموال و دارائی مشترکمان را که با تلاش و کوشش هر دو بدست آمده - تنها متعلق به خود نمیدانم و سهم واقعی و وجدانی تو را در آن در نظر میگیرم و هرگز صحبت از «مال من و مال تو» نخواهم کرد. من میدانم که وقتی پای دوگانگی مالی بمیان آید، چه تیشه ها به ریشه تفاهم و صمیمت زن و شوهر میخورد و چه بسا پای دورویی و دو رنگی را هم بمیان میکشد.

* این قرار داد سند واقعی زندگی ماست، من تمام این قرار داد را بطور جدی نمیتوانم نپذیرم مگر آنکه یکایک اجزاء آن عملی شود.

* و سرانجام من با خود قرار میگذارم که سالهای سال در کنار تو بمانم و همچنان که به مرور، شخصیت و دانائی و فهم تو باوج میرسد - خود را بیای تو برسانم تا در تمام لحظه ها شریک واقعی زندگی تو باشم.

از: شموئیل نیکخو

بزرگان یهود

آنهائیکه با واکسن هافکین تزریق شده بودند سالم ماندند. رهبران پزشکی دنیا او را در این کشف مهم مورد تقدیر قرار دادند و درخواست واکسن از طرف دانشمندان چین و کشورهای اروپائی به لابراتوار او در پاریس سرازیر شد. برخی برای یادگیری در تهیه واکسن به پاریس رفتند تا بتوانند این واکسن را تهیه نمایند.

در این موقع ملکه ویکتوریا رهبر بزرگ امپراطوری وقت انگلستان به او تابعیت انگلستان را داد در ۱۹۰۲ اپیدمی دیگری در منطقه پنجاب هند شیوع پیدا کرد و از ده ها هزار نفر که تزریق شده بودند فقط ۱۹ نفر تلف شدند. مقامات مسئول هافکین را متهم نمودند که واکسن او آلوده بود و او را از سمت خود خلع نمودند. چهار سال بعد که تحقیقات کاملی بوسیله روزنامه تایمز لندن صورت گرفت روشن گردید که این اتهام بی پایه بوده است و از هافکین اعاده حیثیت شد.

او سالهای بعد در هند زندگی نمود و به تحقیقات خود ادامه داد تا اینکه مجدداً به پاریس بازگشت و در این هنگام بود که او عضو فعال و خستگی ناپذیری برای ایجاد دولت جدید اسرائیل گردید.

در هند، دولت بافتخار هافکین تمبر پستی با عکس او منتشر نمود و پلاک موسسه تحقیقات علمی بمبی که هافکین آنرا ایجاد نموده بود و سالها رهبری آنرا بعهده داشت بنام او حک گردید. او یکسال قبل از مرگ دارائی خود را که در حدود نیم میلیون دلار بود در اختیار شیوهای اروپای شرقی برای ادامه تحقیقات علمی و امور مذهبی اختصاص داد و در ۱۹۶۰ زندگی را بدرود گفت.

دکتر هافکین یکی از دانشمندانی است که توانست زندگی میلیونها نفر را نجات دهد. او یکی از چهره های درخشانی است که زندگی خود را وقف بشریت نمود. هافکین در ۱۸۶۰ در شوروی متولد شد و از کودکی استعداد فوق العاده او آشکار بود. پس از تحصیلات در ادسا با «الی مت چنکف» برنده جایزه نوبل، شروع بکار نمود. پس از مدتی مقامات شوروی پست دائمی آکادمی تحقیقات را در ادسا باو پیشنهاد کردند تا بتواند به تحقیقات خود ادامه دهد فقط باین شرط که از یهودیت خود دست کشیده و به کلیسای ارتدکس شوروی بپیوندد. او این پیشنهاد را رد کرد و به پاریس عزیمت نمود و برای مدتی در کتابخانه موسسه پاستور کار کرد و طولی نکشید که معاونت این موسسه را عهده دار شد.

در ۱۸۹۲ هنگامی که مرض وبا در قسمت جنوبی آسیا مردم را درو میکرد، هافکین واکسن مؤثری را علیه این مرض خانمانسوز تهیه نمود. دکتر هافکین بدفعات به دهکده های مورد حمله این مرض مسافرت نمود و داوطلبان را با این واکسن تزریق نمود. طولی نکشید که پس از سه سال وبا به هند حمله کرد و

دکتر فرهاد فرزاد

جراح و متخصص بیماریهای چشم عضو آکادمی چشم پزشکان آمریکا

(310) 247-1010

9033 Wilshire Blvd., Suite 403
Beverly Hills, CA 90211

جراحی با لیزر

کنتاکت لنز

پرستش‌های نه‌گانه دبارهٔ یهودیت

«راهنمای دین یهود برای روشنفکران اهل شک»

هرمن ووک

اثر: دنیس پرگر
و جوزف تلوشکین

ترجمه: گیتلبرویم (سیه‌الطوب)

از انتشارات فدرایسون یهودیان ایرانی

مجتمع فرهنگی بنه امونا

مجتمع فرهنگی بنه امونا، پس از اعلام موجودیت در سال ۱۹۹۰، با تلاش و کوشش یکایک همکیشانی که با این مجتمع همکاری مداوم و صادقانه داشته اند، در راستای رفع نیازهای مذهبی و اجتماعی، بویژه تامین کنیسا برای منطقه بورلی هیلز و اطراف آن فعال بوده و گزارش فعالیتهای آن، هر از چند گاه، از طریق نشریه شوفار به آگاهی همگان رسیده است.

هیئت امنای کنیسا وظیفه خود میدانند که از کلیه کسانی که از بدو تاسیس این مجتمع فرهنگی ما را یاری داده اند سپاسگزاری صمیمانه نماید بویژه زحمات بی شائبه و بدون هیچگونه چشمداشتی که از سوی شالیح صیپورها انجام گرفته و نیز خدمات کمیته بانوان کنیسای بنه امونا که در میان فعالیتهائی که انجام داده اند، هر هفته به خانه های پیران سرکشی نموده و به سالمندان نهار گرم داده و چنانچه به لوازمی نیاز داشته اند، آنها را نیز تامین نموده در اختیار سالمندان قرار داده اند.

هیئت امنای کنیسا همچنین لازم میدانند از زحمات ارزنده و افتخاری آقای دکتر ایوب ابراهیمی که علاوه بر امور اداری، انجام کارهای حسابداری مجتمع را نیز بعهده دارند و همچنین از زحمات بدون چشمداشت آقای حمید فانی - حسابدار خبره CPA - که به کلیه امور مالی و مالیاتی مجتمع نظارت دارند، سپاسگزاری نمایند.

هیئت امنای مجتمع فرهنگی بنه امونا:
 دکتر سلیمان آقانی - سلیمان رستگار
 دکتر حشمت اله کرمانشاهی - الیاس اسفندی

صورت در آمد و هزینه های مجتمع فرهنگی بنه امونا

از بدو تاسیس تا پایان می ۱۹۹۳

سال	سال	سال	سال	
۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	تا پایان می ۱۹۹۳	
دلار	دلار	دلار	دلار	
۷۰۷۴۲	۱۰۶،۸۹۴	۱۰۲،۶۸۵	۳۶،۱۳۴	در آمد سالانه
۴۹،۹۵۱	۵۷،۱۱۰	۴۹،۰۷۸	۱۳،۶۱۲	هزینه های سالانه
۲۸،۷۹۶	۴۹،۹۸۴	۶۱،۰۶۷	۲۲،۵۲۲	مازاد در آمد هزینه سالانه

صورت ریز هزینه های مجتمع فرهنگی بنه امونا

۶,۸۰۰	۱۶,۴۰۰	۱۸,۸۷۰	۱۲,۶۳۶	اجاره
۲,۰۱۴	۴,۲۰۷	۳,۷۲۸	۲,۳۹۲	پارکینگ:
-	۱۲,۱۶۸	۲۳,۹۶۷	۱۷,۶۹۸	خرید سفر تورا، سیصیت سیدور و هزینه های مربوطه
-	۲,۷۹۳	-	۱,۲۲۵	هزینه های ثبت نام و اخذ معافیت مالیاتی مجتمع
-	۹۳۵	۲۷۶	۱,۰۸۵	کرایه و خرید صندلی سیم کشی برق و هزینه
-	-	-	۲,۵۸۱	لوازم برقی افتتاح کنیسا
-	-	-	۱,۰۵۰	هزینه های مراسم ازدواج
-	-	۳,۲۳۹	-	خرید بلندگو
-	-	۲,۵۰۰	-	شالیح صیور اسرائیلی
-	-	۶۴۳	-	کیپورکنیسای هورسمن
-	-	-	-	بیمه
-	۱,۹۵۴	-	-	کلاسهای عبری، بت و بر میتصوا
-	۱,۷۵۷	۱,۹۲۰	۴۲۰	گارد و پرستارها
-	-	-	-	هزینه های چاپ واگهی
۲۵۰	۵۹۴	۱,۹۶۷	۲,۱۱۹	درتلویزیون و رادیو
۱۰۶	۳۷۰	-	۷۴۵	هزینه های متفرقه
۳,۴۶۶	-	-	-	هزینه خانه پیران و خریددارو
-	-	-	-	پرداخت به مؤسسه تیفرت شلمو
-	-	-	-	در اسرائیل
<u>۱,۰۲۶</u>	<u>۴۱,۰۷۸</u>	<u>۵۷,۱۱۰</u>	<u>۴۱,۹۵۱</u>	
<u>۱۳,۶۱۲</u>	<u> </u>	<u> </u>	<u> </u>	

فدراسیون یهودیان ایرانی

سازمانی است غیر انتفاعی که هدف آن پشتیبانی و حفظ یگانگی
جامعه یهودیان ایرانی میباشد. اگر شخصا فرصت همکاری با ما را
ندارید، اعانات شما (که قابل کسر از نظر مالیاتی میباشد) میتواند
ما را یاری دهد.

اخبار سازمانها

مجتمع فرهنگی ارتص

نظر بزودی در اختیار بانوان و آقایانی قرار خواهد گرفت که بتوانند روزهای خود را بجای بی کار ماندن در منزل و نداشتن برنامه مشخص روزانه، اوقات خود را از صبح تا عصر در محیطی آرام و سالم و در معیت دوستان و آشنایان خود سپری کنند و بمطالعه کتاب و یا دیدن برنامه های سرگرم کننده تلویزیون و مصاحبت با دیگران بپردازند. تاریخ افتتاح رسمی این باشگاه بزودی به اطلاع عموم خواهد رسید.

* با استفاده از هدیه ای از سوی یکی از افراد خیر و نیکوکار عضو مجتمع فرهنگی ارتص، یک حوض و فواره بسیار زیبا و دیدنی اخیراً در محوطه مجتمع روبروی در ورودی تالار ساخته شده که روز شنبه ۲۸ آگوست ۱۹۹۳ برابر با ۱۱ ماه ایلول ۵۷۵۴ در پایان مراسم تفیلا رسماً پرده از روی آن برداشته شد و در معرض دید همگان قرار گرفت - این حوض و فواره با سنگهای مرمر بسیار زیبا و نورهای رنگین بسیار قشنگی که در آن تعبیه شده شب هنگام که چراغها روشن و فواره ها باز باشد شکوه و جلال بخصوصی به مجلس شادی خانواده ها خواهد بخشید.

* بمنظور قدردانی و سپاس از افراد خیر و نیکوکاری که با هدایای نقدی خود موجبات احداث بنای مجتمع فرهنگی ارتص و گسترش و انجام تزئینات داخلی و خارجی آنرا فراهم آورده اند، جایگاههای ویژه ای در دو طرف سرسرای مجلل مجتمع تعبیه گردیده که نام اشخاص فوق الذکر بر روی لوحه های زرین که بمنزله برگهائی از درختی تنومند و زیبا خواهند بود حک خواهد شد.

ضمناً نام افراد خیری که در ازای پرداخت مبالغی قابل توجه، تالار جشن ها و نیز کنیسیای مجتمع فرهنگی ارتص بنام آنها نام گذاری شده، همراه با اسامی افراد موسس و پایه گذار مجتمع در داخل دو قاب مخصوص بر روی دیوارهای جنب درهای ورودی سرسرا

* مجتمع فرهنگی ارتص به گسترش فعالیتهای مذهبی و فرهنگی خود ادامه میدهد، از جمله اینکه مهد کودک وابسته به مجتمع فرهنگی ارتص بالاخره با تلاش فراوان رسماً در ماه می گذشته آغاز بکار نمود و هم اکنون تعدادی از کودکان بین ۲.۵ تا ۵ ساله در کلاس های نیمه وقت و تمام وقت این واحد آموزشی تحت سرپرستی مربیان و مدیر با تجربه و کار آزموده که دارای مدارک رسمی مورد قبول از مراجع رسمی ایالت کالیفرنیا میباشند مشغول تحصیل می باشند - والدین محترم میتوانند برای کسب اطلاعات کامل و ثبت نام فرزندان خود روزهای هفته بین ساعات ۹ بامداد تا ۵ بعدازظهر با تلفن ۹۳۰۳ - ۳۴۲ (۸۱۸) دفتر مجتمع فرهنگی ارتص تماس حاصل فرمایند.

* در پی خرید ملک جدید بمساحت متجاوز از یک ایگر احداث یک مدرسه تمام وقت روزانه انجام شد و پس از چندین جلسه دادگاه و رویارویی با همسایگان بالاخره اجازه احداث در اواسط ماه آگوست صادر شد. هم اکنون مهندسان مشغول تهیه نقشه مربوطه جهت تسلیم آن به مقامات شهرداری هستند. مدیریت مجتمع امیدوار است تا هنگام صدور پروانه ساختمان بتواند هزینه لازم جهت احداث ساختمان را با کمک و همیاری همکیشان ارجمند که طی ۱۴ سال گذشته نیز هر موقع این مجتمع اقدام به اجرای برنامه مفیدی نموده از هر گونه لطف و پشتیبانی دریغ نفرموده اند، تهیه نمایند و بموقع کارهای ساختمانی آغاز گردد.

با توجه به اینکه ملک خریداری شده مذکور شامل یک منزل مسکونی با چند اطاق و وسایل لازم میباشد هیئت مدیره مجتمع فرهنگی ارتص تصمیم گرفت تا موقع آغاز کارهای ساختمانی این محل بعنوان یک باشگاه برای بزرگسالان مورد استفاده قرار گیرد. بهمین منظور با تهیه وسایل مختصری از قبیل کتابخانه، تلویزیون و ویدئو، رادیو و بعضی وسایل سرگرمی دیگر، منزل مورد

با حروف برجسته حک و نصب خواهد گردید.

و نیز برای جاوید نگهداشتن نام عزیزان از دست رفته، جایگاههای بخصوصی در طرفین هخال مقدس تعبیه شده که نام این افراد بر روی لوحه های متحرک حک و جا داده خواهد شد و لامپ های ویژه جنب آنها روشن خواهد بود.

قرار بر این شده که شمع مربوطه برای یکسال

اول فوت اشخاص بطور دائم روشن نگهداشته شود و مراسم مذهبی مربوطه انجام گردد و در هفته سالروز آنان نیز ضمن مراسم مذهبی شمع ها روشن نگهداشته خواهد شد.

برای آگاهی از جزئیات اقدامات فوق به دفتر مجتمع فرهنگی ارتص با شماره تلفن ۹۳۰۳ - ۳۴۲ (۸۸) تماس حاصل فرمائید.

آکادمی نصح

و برنامه های متنوع آموزشی و تفریحی ۵ روز در هفته بین ساعتهای ۱۲ - ۹ یا ۳ - ۹ بعد از ظهر آماده پذیرش کودکان شما میباشد. برنامه های آموزشی کودکان شامل روابط اجتماعی، زبان انگلیسی، آشنائی با امور روزمره، بازیهای دسته جمعی، مهارتهای مختلف در رابطه با سنین دانش آموز، اعیاد یهود، زبان عبری و برنامه های متنوع مختلف مناسب با سن کودک میباشد.

* کلاسهای عبری سه روز در هفته یکشنبه ها ۱۰ تا ۱۲ صبح سه شنبه و پنجشنبه ۴ تا ۶ برگزار میگردد. آموزش در این کلاسها شامل آموزش یهودیت برای کودکان ۶ تا ۱۲ سال، کلاسهای زبان، عبری و آشنائی با اعیاد، سنن و تاریخ یهود است.

برای اطلاعات بیشتر لطفاً با شماره تلفن ۲۲۸ - ۴۵۳ (۳۱۰) با دفتر آکادمی تماس حاصل فرمائید.

اولین گرد همائی گروه نو جوانان ۱۳ - ۱۷ ساله وابسته به مجتمع فرهنگی نصح روز یکشنبه ۱۱ جولای ۱۹۹۳ در ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر در محل مجتمع فرهنگی تشکیل گردید. در این گردهمائی، که موضوع آن هماهنگ نمودن عقاید نو جوانان با والدین بود آقایان راو داوید شوفط و دکتر شهریار عمرانی روانپزشک طی سخنانی جالب و سودمند به تحلیل این موضوع مهم اجتماعی پرداختند و سپس والدین و نوجوانان هر کدام سوالات خود را در مورد روابط خود نسبت بیکدیگر ابراز داشته و از طرف سخنرانان جوابهای لازم داده شد.

این گردهمائی مورد توجه والدین و نوجوانان قرار گرفت و تقاضای ارائه سخنرانی ها و تشکیل جلسات مجدد گردید.

* نرسری نصح اسرائیل با کادر آموزشی با تجربه

انجمن دوستداران آلیانس ایزرائلیت اونیورسل

(شاخه کالیفرنیا)

اتحاد ایران و یا خدمتگزاران و دوستداران آلیانس خواهد بود. ضمناً مقالاتی به فارسی و انگلیسی و نیز عکسهای تاریخی درباره آلیانس و بطور کلی خدمات آن بویژه در ایران در این کتاب بچاپ خواهد رسید.

ثانیاً دو مجلس ضیافت، یکی روز یکشنبه دهم اکتبر ۱۹۹۳ در نیویورک و دیگری روز یکشنبه ۲۴ اکتبر ۱۹۹۳ در لوس آنجلس برگزار خواهد شد که روسای آلیانس از پاریس و شخصیتهای ایرانی و خارجی نیز در آن حضور خواهند داشت و از جمله برنامه های شب ضیافت، توزیع کتاب فوق الذکر و اهداء لوحه های سپاس به تعدادی از دانشجویان سابق، خدمتگزاران و دوستداران آلیانس خواهد بود.

* بطوریکه قبلاً از طریق نشریات، فلایر و مصاحبه رادیوئی به آگاهی همکیشان ارجمند رسیده به بهانه یک قرن خدمات فرهنگی ارزنده مؤسسه آلیانس ایزرائلیت اونیورسل در ایران، عده ای از فارغ التحصیلان و دوستداران این مؤسسه نیکوکار با تشکیل کمیته ای مشترک در نیویورک و لوس آنجلس بر آن شدند که با برگزاری مجلس بزرگداشتی نسبت به آلیانس ایزرائلیت اونیورسل ادای احترام نموده و مراتب سپاس خود را بجای آورند. در این راستا، دو رویداد پیش بینی شده: اولاً قرار است کتابی تحت عنوان

Who's Who In The Iranian Ettehad Alumni

تهیه و چاپ و منتشر گردد که حاوی عکس همراه با بیوگرافی مختصری از کلیه دانش آموزان سابق مدارس

The Iranian Committee For
Honoring Alliance Israelite Universell
215 S. La Cienega Blvd., # 205
Beverly Hills, CA 90211

برای کسب اطلاعات بیشتر لطفاً در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و پنجشنبه از ساعت ۲:۵ تا ۵:۵ بعد از ظهر با آقای عبدالله دقیقان شماره تلفن ۰۱۶۶ - ۶۵۷ (۳۱۰) و در سایر ساعات اداری با الیاس اسحاقیان تلفن ۳۶۶۶ - ۹۰۶ (۸۱۸) تماس حاصل فرمائید.

گروه حیفا - حداسا

* گروه جوانان وابسته به گروه حیفا ونگارد جشنی در تاریخ شنبه ۱۹ جون در هتل فورسیزن ترتیب داده بودند که با حضور بیش از ۲۰۰ نفر از جوانان یهودی برگزار گردید.
با تبریک به گروه ونگارد برای همکاری های موفقیت آمیز و ابتکارات بسیار جالب آنها در جشن ها و گردهمایشان.

سازمان یهودیان ایرانی اورنج کانتی - «پایا»

این روز مردم می توانند از غرفه های گوناگون بازرگانی و همچنین برنامه های مختلف هنری و غرفه های غذایی از ملیت های مختلف بازدید بعمل آورند. سازمان پایا از هم اکنون اقداماتی را بعمل آورده تا هموطنان همکیش ما نیز در این گردهمائی شرکت نمایند. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد نحوه برگزاری و عرضه کالای بازرگانی و یا مواد غذایی و یا بازدید از نمایشگاه علاقمندان میتوانند همه روزه با دفتر سازمان با تلفن ۰۴۷۲ - ۸۵۷ (۷۱۴) تماس حاصل نمایند.

* سازمان پایا بمناسبت اولین سالگرد موجودیت خود یک شب نشینی مجلل در ایام حنوکا برگزار خواهد نمود. محل جشن هتل ماریوت ارواین خواهد بود و تاریخ آن روز یکشنبه ۱۲ - دسامبر ۱۹۹۳ می باشد. در این شب نشینی برنامه مخصوص حنوکا موسیقی و خواننده ایرانی و عبری زبان به همراه رقص و پایکوبی اجراء شده و با شام کاشر از همکیشان عزیز پذیرائی خواهد شد. برای رزرو جا و تهیه بلیط و اطلاع از جزئیات برنامه لطفاً با شماره تلفن ۰۴۷۲ - ۸۵۷ (۷۱۴) و یا ۰۶۱۴ - ۹۹۷ (۷۱۴) تماس حاصل نمائید.

انتظار دارد بمنظور حقشناسی نسبت به مؤسسه ای که کلیه یهودیان ایرانی مستقیم یا غیر مستقیم به آن مدیون هستیم، کلیه همکیشان با ارسال قطعه عکسی از خود و یا از بستگان در قید حیات و یا در گذشته خود که در مدارس اتحاد ایران تحصیل کرده اند، همراه با شرح حال مختصر و یک قطعه چک حداکثر تا ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۳ به نشانی زیر، علاقه خود را به این بزرگداشت نشان دهند و نام خود و وابستگان خود را امکان چاپ آن در کتاب فوق الذکر جاودان سازند.

* گروه حیفا وابسته به بورلی هیلز حداسا جلسه نهار سالیانه خود را در ظهر روز چهارشنبه ۱۶ جون در سالن المپیک کالکشن با حضور عده کثیری از خانمهای عضو و مهمان برگزار نمودند. در این جلسه خانم گیتی بروخیم راجع به زبان عبری و لزوم فراگیری آن در همه خانواده های کلیمی صحبت کردند که مورد توجه بسیار قرار گرفت. متن این سخنرانی در شماره قبل شوفار بطور کامل چاپ شده است.

* سازمان پایا بمناسبت ماه سوگواری آب در تاریخ ۱۸ - جولای برنامه ای ترتیب داد و عده کثیری از اعضاء سازمان از موزه «بردباری» (درباره تبعیض نژادی و دینی و بویژه جنایات هیتلر در لوس آنجلس) بازدید نمودند. این سفر کوتاه یکروزه را خانم ماخانی با همکاری دکتر اردشیر بابک نیا، خانم رفیعی و خانم گیتی شومر داده بودند. از همه کسانی که در فراهم آوردن امکانات این بازدید بما کمک نمودند سپاسگزاریم و دیدن موزه را به تمام همکیشان عزیز توصیه می نمائیم.
* سازمان پایا و با همکاری دیگر سازمانهای یهودی در اورنج کانتی از همکیشان دعوت نمود تا در یک دید و بازدید دوستانه که بصورت پیک نیک بود به همراه تمام اعضای خانواده و دوستان خود شرکت نمایند. این پیک نیک در تاریخ ۲۹ اگست در پارک شهر ارواین تشکیل گردید و گروه زیادی از همکیشان در شرکت نمودند.

* یکی از بزرگترین گردهمائی «هنر و پیشه یهودیان» همه ساله در اورنج کانتی در فضای آزاد و با شرکت بیش از ۶۰۰۰ نفر بازدید کننده اجراء می شود در

ضد یهودیگری

در جستجوی ریشه ها و انگیزه های

ستیزه جوئی با یهودیان

۷ - رباخواری ؛ بهانه چهارم

دکتر هوشنگ ابرامی

افراد با مبادله تولیدات کشاورزی و حیوانی انجام می گرفت. یکی گندم میداد و پوستین می گرفت و دیگری صندل چرمین را با پارچه کتانی معاوضه می کرد. بعد در میان معاملات پایاپای فلز جای گرفت. آنکه چند ده یا چند صد خشت گلین را به یک جام مسین می فروخت خود جام فلزی را به دیگری می داد و از او کوزه و بشقاب و خمره سفالین می خرید. بعدها فلز بدل به سکه شد و بنام حاکمان و شاهان ضرب زده شد و قرنها بعد ، با تاسیس بانکها، پول کاغذی با پشتوانه فلزات گرانبها بویژه طلا بیازار آمد. ضرب سکه که آغاز آنرا به یونانیان نسبت داده اند رواج ربا را بدنبال داشت.

با این مقدمه کوتاه مسئله ربا را در قوانین مذهبی یکتاپرستان مرور کنیم:

تهمت دیگری که بوسیله آن یهودیان را در طول تاریخ آزار و شکنجه داده اند و گاه گاه بویژه در قرون میانه گروه گروه از آنانرا بخاک و خون کشانده اند ربا خواریست. «ربا» را در معنی برابر «سود» ، «بهره» و یا «ربح» دانسته اند اما می توان گفت که اغلب ، مفهوم آن از دیدگاه مذهب محدودتر است و صرفاً دریافت پول اضافی بر قرضی را که به یک فرد محتاج داده شده است در بر می گیرد. بعبارت دیگر منظور از ربا تا قرنها فقط گرفتن بهره از فقیران و بی چیزان بود. و این نیز چیزی شگفت نبود. زیرا که در نظام کشاورزی دور از پیچیدگیهای صنعت گرایی مسئله وام و اعتبار و سرمایه گذاری و توسعه صنعتی و بازرگانی مطرح نبود تا بهره به معنای امروزش مورد بحث قرار گیرد. در زندگی شبانی و زراعتی ، مدتها ، معاملات

قانون موسی در این باره خیلی صریح و روشن است: «اگر نقدی به فقیری از قوم من که همسایه تو باشد قرض دادی مثل رباخوار با او رفتار مکن و هیچ سودی بر او مگذار» (سفر خروج باب ۲۲ بند ۲۴) قرض دادن مجاز است اما ربا گرفتن از «فقیر» قدغن. در برابر قرض می توان چیزی را به گرو گرفت (پایه بانک رهنی و بانک کارگشائی) اما گرو گرفتن هم قوانین خاص خود را دارد و بهیچ روی نمیتوان بوسیله آن زندگی تنگدست را بر او تنگ تر کرد. مثلاً اگر رخت همسایه به گرو گرفته میشود باید هر عصر قبل از غروب آفتاب به قرض گیرنده پس داده شود مبادا که شب هنگام به رخت خود نیازمند باشد (سفر خروج باب ۲۲ بند ۲۵) و یا کسی اجازه ندارد آسیاب دستی و یا سنگ روئی آسیاب را به گرو بگیرد زیرا که اینها وسیله زندگی روزمره است (سفر تثئیه باب ۲۴ بند ۶) تحریم دریافت و پرداخت سود میان افراد قوم یهود در سفر تثئیه تأیید میشود. هیچ یهودی حق ندارد از «برادر» خود در برابر قرض سود بگیرد خواه این سود پول باشد. یا نقره و یا آذوقه و یا هر چیز دیگر (سفر تثئیه باب ۲۳ بند ۲۰) پیداست که در اینجا نیز برادر قرض گیرنده یک یهودی محتاج است که هدف او از دریافت قرض رفع نیاز امور روزانه است. چه آنکه در جامعه آنروز یهود نظام سرمایه داری وجود نداشت تا فردی برای توسعه سرمایه خویش از دیگران وام گیرد. و امها، صرفاً برای رفع احتیاجات زندگی روزانه بود.

تلمود پای را از این فراتر میگذارد و بی آنکه به بی نیاز و نیازمند و برادر و غیر برادر اشاره کند رباخواران را همسان جائیانی میداند که خون ناحق میریزند و گناهای سنگین مرتکب میشوند. تلمود صریحاً میگوید شخص رباخوار حق ندارد در دادگاه شهادت بدهد و شهادت او پذیرفته نمیشود. اما کسی که پول خود را بدون ربح به همنوع خود وام میدهد گوئی همه فرائض الهی را انجام داده است.

با این اوصاف مسئله بهره در دین یهود چه صورتی پیدا می کند؟ آیا با شرایطی خاص مجاز هست یا نه. و اگر هست شرایط آن چیست؟ سؤال را در بند ۲۱ از باب ۲۳ سفر تثئیه جستجو کنیم: «به بیگانه در برابر سود میتوانی وام دهی» اما اگر آن بیگانه نادر گردید و حتی قادر به پرداخت اصل بدهی نشد باید از

مطالبه طلب خود چشم پوشید.

در پس این قوانین موسائی چه حکمتی نهفته است؟ عامل انساندوستی در آن انکار ناپذیر است و نکات مثبت بسیار دیگری را در بطن دارد. اسرائیل قومی است که فرزندانش با احساس عمیق دوستی و یگانگی پیوند برادری دارند. از اینرو یک برادر باید بدون چشمداشت سود و بهره، به برادر دیگر بهنگام نیاز قرض دهد. دریافت بهره فقط در صورتی مجاز است که بازرگانی بیگانه برای سرمایه گذاری بیشتر تجارت خود و نه رفع درماندگی اش طلب وام کند. دریافت دیناری افزون بر آنچه به همدین محتاج قرض داده شود حرام است.

تاجرانی که پای بر خاک اسرائیل می گذاشتند ساکنان موقتی بودند. کاروانهای تجاری که از خارج می آمدند بعلت تسهیلات موجود تشویق بداد و ستد بیشتر میشدند. نه تنها کسی آنها را غارت نمی کرد بلکه بر اساس قوانین سرزمین یهود مورد حمایت هم بودند. مجاز شمردن قرض با سود در معاملات با بیگانگان نهالی را بوجود آورد که قرنها بعد بصورت درخت تناور «بانکداری» در اقتصاد جهانی جلوه گر شد. اجازه دریافت سود از بیگانه محدود به مبلغی بود که وام به قصد تجاری بکار میرفت و گرنه در مورد نیازمندان فرقی بین برادر و بیگانه وجود نداشت و دریافت بهره از آنان حرام بود.

ناگفته پیداست که در دنیای امروز عموماً وام برای مقاصد بازرگانی و ترویج تجارت یا تزاید دارائی اخذ می گردد. و طبیعی است همانطور که مکان و محل «بقرض گرفته شده» تجارت اجازه دارد سرمایه ای که به وام گرفته میشود نیز بدون بهره نمیتواند بود. قانون یهود در مورد بهره چه در چند هزار سال پیش، زمانی که نظام شبانی رایج بود و چه در جهان امروز که نظام پیچ در پیچ صنعتی حکمفرماست پاسخی روشن و خالی از ابهام دارد.

مسئله بهره در مسیحیت با جزئیات ذکر نگریده و شاید هم لزومی بدین کار نبوده چه آنکه قوانین موسی همه را یک بیک گفته است. اما از آنجا که عیسی نیز حامی ناتوانان و ناداران است حرام بودن رباخواری از فقیران در مذهب کاتولیک تأکید میشود. در دوره قرون وسطی کلیسا متناوباً رباخواری را محروم میکرد. در

قرن دوازدهم از بارگاه پاپ فرمانی صادر شد که مسیحی رباخوار را در گورستان مسیحیان بخاک نسیارند. رباخواران از اعتراف به گناه و شرکت در کلیسا محروم بودند و هر کس رباخواری را گناه نمیدانست قربانی شبکه مخوف تفتیش عقاید میشد.

وجود همین فرامین خود گویای آنستکه رباخواری در میان مسیحیان قرون وسطی رواج داشت و تنها یهودیان نبودند که به غیر یهودیان وام با بهره میدادند. همانطور که «دانته» در «دوزخ» خود شرح میدهد در منطقه لمبارد ایتالیا اینکار رایج بود. «مارتین لوتر» بنیانگذار مذهب پرتستان در پایان قرون میانه ورق را برگرداند. فلسفه کلی لوتر در برابر کاتولیک آن بود که آنچه را عیسی صریحا و علنا حرام ندانسته نمیتوان در شمار اعمال قدغن دینی آورد. وی دریافت و پرداخت بهره را کاری جایز شمرد و بعدها جامعه شناسانی چون «ماکس وبر» مذهب پرتستان را بهمین سبب عامل رواج سرمایه داری دانستند.

در دین اسلام بین اخذ بهره از فرد نیازمندی که برای تامین معاش زندگی قرض میکند و گرفتن بهره از شخص سرمایه داری که با وام دریافتی استفاده های کلان می برد هیچ گونه تفاوتی نیست و بهره ، در هر شکل و صورتش جدا و شدیداً حرام است. در قرآن مجید، سوره البقره ، آیه های ۲۷۵ تا ۲۷۹ می خوانیم که : « کسانی که ربا خوارند از قبرها در قیامت برنخیزند ... و آنان بدین سبب در عمل زشت رباخواری افتند که گویند هیچ فرق میان معامله و تجارت و ربا نیست و حال آنکه خداوند تجارت را حلال کرده و ربا را حرام ... کسانی که از این کار دست نکشند ایشان اهل جهنم اند و در آن جاوید معذب خواهند بود ... خدا سود ربا را نابود سازد ... اگر ترک ربا نکردید آگاه باشید که به جنگ خدا و رسول برخاسته اید»

بدینسان اسلام هیچگونه راه گریزی برای سود و بهره نگذاشته و آنرا مطلقاً حرام میدانند. گر چه در امور تجاری اصل «مضاربه» توصیه میشود که طی آن قرض دهنده در سرمایه گذاری و نفع و ضرر آن شریک میشود اما برای بهره ، بویژه در دنیای اقتصاد امروزی راههای دیگری می یابند که در زبان عام به آنها «کلاه شرعی» میگویند. مثلاً در یک کشور اسلامی که اخذ بهره کاری غیر قانونی است فردی که پول کافی ندارد تا

یک ماشین را نقد بخرد آنرا به اقساط اما با بهای بیشتر میخرد و بهای اضافی کلاه شرعی است که بهره غیر قانونی را می پوشاند.

می بینیم که «ربا» یا دریافت سود از شخص محتاج بطور کلی از نظر مذهبی و اخلاقی حرام است اما مسئله بهره ، در امور بازرگانی ، بخصوص با پیشرفت اجتماعی و اقتصادی ، امری نیست که بشود بسادگی روی آن قلم کشید و قانون یهود ، از ابتدا این امر را در نظر داشته است.

اما چرا یهودیان را به اتهام رباخواری اینهمه تحقیر کرده اند ، بدانان بد و بیراه گفته اند و خونشان را ریخته اند؟ «یهودی رباخوار» موجودیست که از اروپای قرن یازدهم بیعد ظاهر میشود. پیش از آن سخنی از او در میان نیست. از این زمانست که در قلب قرون میانه ، ممالک دنیا ، بسبب جنگهای صلیبی روابط جدی تر پیدا میکنند و داد و ستد ها و سفرهای تجاری بین آنها رو به تزاید می گذارد. نیز در همین دوران است که فرد یهودی در سراسر اروپا از هر گونه کار و حرفه و پیشه ای محروم است. نه میتواند زمین داشته باشد. نه اجازه کشت و کار دارد و نه حق دارد در کنار کفاشان و مسگران و خیاطان و نانویان دکه و دکائی باز کند. همه درها برویش بسته است و از داشتن هر نوع شغل و فن و صنعت محروم. بناچار او دوره گرد و دستفروش میشود که بیشتر بین همدینان خود و در گتوی خود معامله می کند و از ترس فردا پولی پس انداز. محروم بودن اجباری او از همه کارهای دیگر اجباراً ویرا به بازار پول می کشاند. یهودیان معدودی که اندک اندوخته ای پیدا میکنند به خرید و فروش سکه های خارجی می پردازند. صراف میشوند و در کیسه های خاص چرمین یا صندوقچه های چوبین که به نام «بانک» خوانده میشود با تاجران مسافر سکه معامله می کنند و بعد با اندوخته بیشتری که گرد می آورند به دیگر تاجران «غیر یهود» وام با بهره میدهند. بدینسان «یهودی رباخوار» که در پیشرفت امور بازرگانی دانسته و نادانسته بزرگترین نقش را بازی می کند خلق میشود. نکته دردناک آنکه بیشتر اوقات بسبب آشوبها و طغیانهای مذهبی ، او نه تنها بهره ای بدست نمی آورد بلکه به گناه رباخواری دار و ندارش و ای بسا جانش را نیز از دست میدهد. با تمام این احوال هر اندازه

معاملات تجاری گسترش می یافت و نظام اجتماعی از فرم کشاورزی مطلق خارج میشد امکان یهودیان برای شرکت در امور مالی و سر و کار داشتن با بهره و پول داخل و خارج برایشان بیشتر فراهم می آمد. و این طبیعی بود زیرا که جوامع ستمگر دست آنها را از هر کار دیگر کوتاه کرده بودند. و همین جوامع همینکه دیدند یهودی دارد در بازار پول کار می کند حربه «ریاخواری» را علم کردند تا ویرا از این عمل نیز - مانند دیگر حرفه ها و مشاغل - باز دارند. نطفه اتهام ریاخواری در همین جا بسته شد و به زودی در سراسر اروپا «یهودی» و «ریاخوار» به یک معنی بکار رفت. در زبان آلمانی کلمه «جود» در زبان فرانسه کلمه «ژوئیف» در زبان انگلیسی کلمه «جو» و حتی در زبان روسی واژه «ژود» همه مترادف ریاخوار گردید. جامعه بین قرض انسان محتاج و وام سرمایه گذار فرقی قائل نبود و ریاخواری را کار زشت و مذموم میدانست و آنرا پیراهن عثمان میکرد و به تن یهودی می پوشاند. نیز کسی بین گدای گتو نشین و آن یهودی که با اندوخته اندک خویش صرافی میکرد و پول به بیگانه بهره میداد تفاوتی قائل نبود. همه بیک چوب رانده میشدند. با تبلیغ دشمنان بخصوص در کلیساها از «یهودی ریاخوار» تصویری از یک آدم ستمگر و ای بسا خونخوار بین مردم اجتماع پدید آمد. ستمگر خونخواری که ژنده پوش بود و دماغی بزرگ و قوز دار داشت و چشمانی آزمند و طماع و پنجه هائی کربه که با آنها کیسه پول را حریصانه چسبیده بود. این تصویر ناپسند طی چند قرن در مغزهای اروپائیان چنان تثبیت شد که بعدها نمونه مجسم آنرا در «تاجر ونیزی» شکسپیر و «الیورتویست» چارلز دیکنس بعیان مشاهده می کنیم. در اثر فشار ظالمانه جامعه از یک طرف و تبلیغات زهر آگین کشیشان مسیحی دوره قرون میانه از طرف دیگر است که «یهودی ریاخوار» چنان با پول دوستی و پول پرستی هم تراز میشود که حتی امروزه در مطالعاتی که روانشناسان اجتماعی در مورد گفته ها و عقاید قالبی و رائج و از پیش پذیرفته شده جوامع گوناگون بعمل می آورند به این نتیجه میرسند که صفتی که دیگران بیش از همه به یهودیان نسبت میدهند عشق آنان به پول است. در واقع تهمت های پولدوستی و ریاخواری را باید دقیقاً نتیجه افکار و احساسات ضد یهودیگرانه دانست.

موارد طغیان علیه یهودیان طلبکار و قلع و قمع و کشتار و تبعید آنان به بهانه ریاخواری در اروپا بیشمار است. با انقلاب فرانسه و آغاز عصر روشنگری و انقلاب صنعتی اروپا و تحولات بزرگ دیگر، یهودیان رها شده از گتوها در بعضی از ممالک اروپا به ترقیات شگرفی نائل آمدند و جهانیان را مات و حیرت زده کردند. آنان چنان چهار نعل بسوی موفقیت می تاختند که انگار می خواستند دق دلی عقب ماندگی و درماندگی هفده هیجده قرن گذشته خود را در کوتاه زمانی خالی کنند. رشد صنعت، توسعه شهر نشینی، پیشرفت سریع تجارت و دگرگونیهای عظیم اجتماعی و اقتصادی که در آنها یهودیان نقش موثر داشتند چشم تنگ ضد یهودان را به تعجب وامیداشت. یهودی، دیگر آن موجود فقیر مظلوم گتو نشین نبود. در دنیای نوین راه خود را تند و قاطع به پیش می پیمود و با شتابی باور نکردنی به مقاماتی میرسید که دنیا در خواب هم نمیدید. صاحب کارخانه میشد، رئیس چاپخانه و ناشر روزنامه میشد، بعنوان رهبر سیاسی در کابینه و پارلمان راه می یافت و چون دیسرایلی یهودی زاده به مقام نخست وزیری بزرگترین امپراطوری زمان میرسید. و در این میان، «یهودی ریاخوار» یهودی بانکدار شد. بسیاری از بانکداران اروپا در اواخر قرن نوزدهم یهودی بودند. یهودیانی که اجداد آنان در دوره قرون وسطی و یا حتی پس از آن دوره «ریاخوار» نامیده میشدند.

و در میان این بانکداران داستان خاندان «روتچیلد» گفتنی تر از همه است:

مثیر روتچیلد بنیانگذار شبکه عظیم بانکی که بمدت دو قرن در تاریخ اقتصادی و سیاسی اثری عمیق داشت بسال ۱۷۴۴ در گتوی فرانکفورت بدنیا آمد. خانه پدری او با علامت سپر قرمز که در آلمانی «روتچیلد» (ردشیلد) خوانده میشد مشخص بود. «مثیر» در جوانی سرگرم آموزش مذهبی بود و قصد داشت ربای شود اما مرگ زود رس پدر و مادر او را واداشت تا در یک بانک به شاگردی بپردازد.

چندین سال بعد مثیر و پنج پسرش جداگانه به خرید و فروش سکه و اوراق تجاری و دادن وام پرداختند و در مدتی کوتاه چنان پیشرفت کردند که در اوائل قرن نوزدهم «بانک روتچیلد» جز در فرانکفورت، در لندن، پاریس، وین و ناپل شعباتی تاسیس کرد که هر کدام را

یکی از پسران روتچیلد اداره میکرد. شبکه جهانی روتچیلد بزودی قدرتی شگفت یافت بطوریکه دول اروپائی با آن رابطه نزدیک داشتند و سران مبارزات نو و جنبشهای آزادیخواهانه روی کمکهای مالی این بانک بین المللی حساب می کردند. بسیاری از پلها، جاده های راه آهن، استخراج معادن، کارخانه ها و موسسات بزرگ تولید کننده با کمکهای اعتباری و وامهای دراز مدت بانک روتچیلد در اروپا تاسیس گردید. تاثیر عمیق بانک خاندان روتچیلد در پیش برد انقلاب صنعتی اروپا و رشد اقتصادی دنیا واقعیتی است که انکار نمی پذیرد. بمدت دوست سال هیچ بانکی یارای رقابت با بانک روتچیلد را نداشت.

افراد خاندان روتچیلد در پرتو موفقیت خیره کننده مالی توانستند به مقامات بالای سیاسی برسند و حتی یکی از آنان بنام «لیونل روتچیلد» که از شاه انگلستان لقب «بارون» گرفته بود در نیمه دوم قرن نوزدهم به نمایندگی مجلس عوام رسید. گفتنی است که کارل مارکس بهنگام بحث درباره نماینده شدن «بارون روتچیلد» نوشت: «جای شک است که مردم بریتانیا از اینکه یک یهودی ربا خوار نماینده مجلس شود واقعا خشنود باشند!» در سال ۱۷۷۵ بارون روتچیلد در برابر درخواست دولت انگلستان ظرف چند ساعت موافقت کرد که مبلغ چهار صد میلیون پوند به امپراطوری بریتانیا وام دهد تا دولت بتواند در شرکت حفر کانال سوئز سهامدار اصلی باشد.

پیشرفت شگفت آور یهودیان در کار بانکداری موجب آن نشد که تصویر تحقیر آمیز «یهودی رباخوار» از اذهان زدوده شود. اینک این تصویر بشکل دیگر در آمده بود و سخن از «بانکدار رباخوار یهودی» بود. همان بانکداری که بالزاک انرا در «کمدی انسانی» اش توصیف میکند. بانکداران مورد تیر اتهام ضد یهودیان قرار داشتند. پس از سقوط سهام در سال ۱۸۷۳ به زعم مبلغان ضد یهودیگری این یهودیان بانکدار بودند که مقصر بروز تمام مشکلات مالی شناخته شدند. با شعله ور شدن آتش ضد یهودیگری در اوائل قرن نوزدهم بار دیگر تهمت «ربا خواری» دامن زده شد. رشد صنعت و شهر نشینی، قدرت روز افزون سرمایه داران و بانکداران، زوال الگوهای سنتی رفتاری، و ترس از نا امنی از صنعتی شدن، طبقات متوسط اجتماع را علیه علل و

عوامل این تحولات برانگیخت. و این علل و عوامل چه میتواند باشد جز وجود «یهودیان رباخوار»!! یهودی گتو نشین که بسبب تغییرات اجتماعی ثروتمند و مرفه شده بود حال مهر «کاپیتالیست استثمارگر» را بر پیشانی داشت. روتچیلد ملیونر در آلمان، انگلستان، فرانسه و رم سمبل سرمایه داری و عام ترین هدف فعالیتهاى ضد یهودیگری قرار گرفت.

در آغاز این رشته نوشته ها گفته بودیم که یهودیت بصورت قومی خدمتاتی بسیار بزرگ به عالم بشریت کرده است. ایجاد بانک و بانکداری که هسته مرکزی آنرا در قوانین یهود می توان یافت یکی از آنهاست. پایه و اساس بانکداری در ساده ترین شکل آن، دریافت پول از دیگران با بهره و پرداخت پول به دیگران با بهره بیشتر است. اگر «یهودی رباخوار»، - آنکه تنها به تاجران و صاحبان کار با بهره وام میداد - محکوم بود پس تمامی بانکهای دنیا از بانکهای کوچک گرفته تا بانکهای عظیم، از بانک های محلی گرفته تا بانک جهانی، از بانکهای یک کشور سوسیالیستی گرفته تا بانکهای یک جامعه سرمایه داری و خلاصه تمام بانکها که جمع آنها می توان به سیستم گردش خون اقتصاد دنیا تشبیه کرد باید محکوم و مردود باشند و کیست بتواند انکار کند که در دنیای امروز، بدون بانک و بدون بهره سر کردن کاریست نشدنی. اینکه فردی سرمایه خود را از بزرگترین کشور سرمایه دار یعنی آمریکا به وطن اسلامی انقلاب زده اش باز میگرداند تا بجای دو یا سه درصد بهره پانزده یا شانزده درصد بهره بگیرد گویای چیست؟

آیا دنیا ایجاد بزرگترین نهادهای مالی خود یعنی بانکها را مدیون همان یهودیانی نیست که آنها را رباخوار می نامید و هنوز هم گاه می نامد! و با چه وقاحتی! پیشرفت جامعه امروزی بدون وام و اعتبار ناممکن است. همگانی کردن اعتبار بوسیله سازمانهای وام دهنده را در اقتصاد غامض کنونی گسترش قدرت مالی برای همه طبقه های جامعه دانسته اند و نیز اعتبار را که طبعاً بدون بهره نمیتواند بود یکی از ویژگیهای نهضت اجتماعی در قرن بیستم و دموکراسی شدن نظام اقتصادی شناخته اند. در پرتو اعتبار و بهره است که امروزه هر کس در کشوری چون آمریکا می تواند صاحب همه چیز شود بدون آنکه در مفهوم قدیم پولدار و ثروتمند باشد.



B. RAEEN

CONSTRUCTION INC.

Lic. No. 465214

شرکت ساختمانی رائین

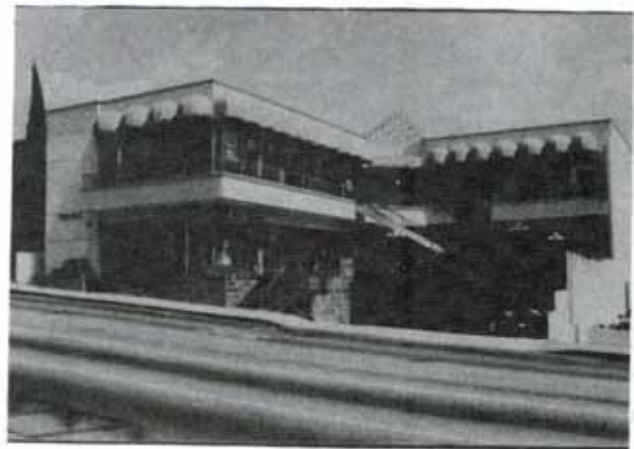
تحت سرپرستی مهندس بهرام رائین

"مهندس ساختمان از دانشگاه های تخنپون، حيفا و آریزونای آمریکا"



- با بیش از دوازده سال تجربه در طر و اجرای ساختمان های تجاری، مسکونی و خانه های لوکس در کالیفرنیا و جنوبی.
- دادن طرح های زیبا و با قیمت مناسب با در نظر گرفتن فروش بعدی.
- انجام تمام محاسبات فنی.
- آشنایی کامل با قوانین ساختمان در کالیفرنیا و استفاده از آنها در جهت صرفه جویی.
- کمک در اخذ وام ساختمان و انجام کلیه امور مربوطه.
- استفاده از متخصصین با تجربه.
- سرعت عمل در انجام طرح ساختمانی، اجرای آن و تحویل بموقع.

برای مشاوره تهیه نقشه و انجام طرح های آپارتمانی، کاندو، ساختمان تجاری، شاپینگ سنتر و منازل شخصی با ما تماس حاصل فرمائید.



Tel: (310) 826-2646

11628 Santa Monica Blvd., Suite 201
Los Angeles, CA 90025

1990-1992 were enough to house nearly all the immigrants, though some families had to live two families to an apartment.

In early 1990, in a panel discussion on aliyah, Eli Hurvitz, the former head of the Manufacturers Association, predicted a shortage of 160,000 housing units. "Can we imagine how high rents could go?" he warned. Rents and housing prices did rise, but only moderately, even though native Israelis born during the post-1967 baby boom also began marrying and buying apartments.

GROWTH: Did the economy grind to a halt while the immigrants were being absorbed? Far from it. In 1992, Israel's rate of economic growth was 6.4 percent, more than double that of Japan, Germany, or the United States. The growth was spurred by the demand and spending created by aliyah.

Let's see the absorption of the ex-Soviet aliyah for what it is - a remarkable achievement.

Not that the job is done. Prof. Ben Zion Miller, one of Russia's leading economists and an adviser to its government, met with me during a recent visit here. He estimated that 1.7 million Jews remain in Russia. Many shelved plans to make aliyah, believing conditions would improve, when the Gaidar government introduced sweeping economic reforms aimed at turning Russia into a Western economic democracy. Gaidar was dumped in December 1992. Conditions haven't gotten better - they have become much worse. With the future of Russian democracy now in doubt, Miller believes the wave of immigration may soon resume the proportions of 1990-91.

Hebrew University economist Don Patinkin once wrote that "absorption of the large majority of Israel's increased population in productive employment was one of the notable achievements of the Israel economy in the first decade of its existence. "When history gets around to grading its fourth decade, Patinkin's summary will again apply. By any fair judgement, Israel will get an "A".

Sholomi Maital is a professor of economics and management at the Technion.

By: Rebecca Moradian

A Slave of Voices

He demands a life from me
I cannot trace.
To live in no other form
than angelic.

Even birds fly against a current
and fall.

One mistake and his voice
vibrates through the hollow walls
The bells ring in my ears, sounds
I can no longer withstand.
His tone rises, questioning my thoughts.

One mind,
a vacuum that swallows my dreams.
One soul,
that walks beside my shadow.
I am lost in the maze you have built for me.

A touch of darkness bleeds
through the light of day.
Knowing peace when my head
resides on my pillow.

Yet there is a voice
that never sleeps.



From: Jerusalem Post
By: Shlomo Maital

We're Passing the Test

"F" for failure: That's the grade that many critics are giving Israel's economy on its absorption of the nearly half a million immigrants who have arrived in the past three years. One wonders whether they've really looked at the test the country has faced, or how it has scored.

From mid-1989, when the wave of aliyah from the Soviet Union began, to the end of last year 468,700 immigrants arrived in Israel. Of those, 85 percent were from Russia and other once-Soviet republics; 27,791 came from Ethiopia, including the 12,000 airlifted from Addis Ababa in two days. Measured as a percentage of total population, the pace of immigration was about 4 percent per year in 1990 and 1991. That is greater than any rate ever reached in the United States, even at the high tide of that country's immigration (about 1.5 percent of the population, in 1854) or in Argentina and Canada (3.5 percent in 1913 in both countries). All together, Israel's population has grown by a tenth in three years. For a fair comparison, imagine today's America welcoming 25 million newcomers - twice the population of Greater New York City - in 36 months. Only Israel's absorption of a one-fourth increase in its population in 1949 - when 240,000 immigrants arrived in a country of 870,000 - surpasses this.

How well have the immigrants been absorbed? Here are the facts:

JOB: By late 1992, according to the Central Bureau of Statistics' quarterly labor-force survey, half the immigrants who had arrived since January 1, 1990, were working or seeking work. Of those, nearly 50,000 had not yet found jobs - but 116,000 had! And of those working, fully a third (39,00) found jobs in industry, which is export-oriented and strengthens the economy.

Though the overall rate of unemployment among new immigrants is high, among males aged 25-34 six out of seven are now working - a jobless rate (14 percent) not strikingly higher than that among Israeli males as a whole - 9.5 percent. Incidentally, Spain, Portugal, France and Britain all have unemployment rates equal to or exceeding Israel's overall rate of 11 percent.

Many immigrants have taken work outside their professions; they had little choice. When more engineers immigrate to Israel in three years than graduated from the Technion since it was founded 68 years ago, the country cannot possibly find engineering jobs for all of them right off. A large proportion of immigrants to every country start afresh, at the bottom of the job ladder; they and their children work their way up.

The true test still lies ahead, as a new Bank of Israel study shows. Will "occupational substitution" - for instance, Russian engineers doing manual labor - squander the huge windfall of "human capital?" Or will the country transform its economy into one built on science-based exports, channeling "the current wave of immigration.....toward human-capital intensive industries and services," as the report's authors propose? There are hopeful signs. Last year, Israel's exports rose 10 percent, led mainly by high-tech products such as electronics.

HOUSING: To meet immigrants' need for a place to live, Israel quadrupled the activity of its building industry in two years. The number of housing starts rose from 20,000 in 1989 to 42,000 in 1990, then to 84,000 in 1991. Some 43,000 units were finished in 1991, and 70,000 in 1992. The 130,000 flats completed during

talk about cutting the budget. Do you foresee problems ahead in Senate appropriations for aid to Israel?

SENATOR MACK: There are some Senators who want to allocate money to appropriations without ear-marking specific amounts for specific purposes. I think that is not in the best interests of our country's friends, like Israel. I would like to see that Israel is assured a certain and generous amount of appropriations. The problem in part is that, as you can imagine, there are thousands of issues before Congress and not all members of Congress, not all Senators, are as focussed as I am on the issue of appropriations to Israel. We must constantly be on guard and consistently send our message to the Congress on the importance of allocations for Israel.

MS. KARUBIAN: Do you sense a great deal of anti-Israeli sentiment around the country?

SENATOR MACK: Well, I think a lot of the problem is a lack of education as to the issues. If you could be in Florida with me at one of our town hall meetings you would typically hear someone say, "We ought to cut foreign aid." I try to lead these people through it. I'll say, "Do you think we should cut all forengn aid?" They'll usually say, "No. We should help those governments that help us." No country has been more supportive of the United States and the U.S. at the United Nations than Israel. My point here is that the more you educate people regarding the issues, the more readily they understand the heart of the issue.

MS. KARUBIAN: I want to thank you for your time today. I am delighted to know that you are in the Senate, aware of the importance of Israel's survival not only for its own citizenship and Jewish people everywhere, but for the United States as well.

SENATOR MACK: Thank you very much, Ms. Karubian.

By: Babak Moghimi

(1)
ASCENDING

Spring spirit clasps my face,
Blossom smile grins at me
Unable to create delight
in my gentle soul.

I look at cruel nature
And envy birds' freedom
To fly to the empty sky
Step to the bright stars
Rope the sun's light.

I step on the ladder
go up and up
to reach over the sky.
The angels welcome me,
I make a house from leaves,
shadow of black rose petals.

Confine myself in my dream
An envious angel
Sends me back to nature.

(2)
CLOSED EYES

On Sabbath
An overpowering blind girl
appears on stage.
Resistant.
Her closed eyes, opened mouth,
Create audible sound that
flutters in the hall.

Eyes cry out,
but hearts are happy.
She conquers the devil's rage.
Ferocious nature brings grief,
irreparable misery,
to such a placid creature.

returned, we were listening to a television news program about what was happening in Israel. We were very surprised because it was very different from our perceptions while there.

In 1992 I made a second trip to Israel and this time I visited an absorption center for Russian Jews and Ethiopian Jews. It was amazing. Mom and Dad were upstairs learning Hebrew while the little children were outside learning arithmetic. It was watching people being transformed from one century into another. And this to me is Israel. People of the nation reaching out to help newcomers survive, adapt and succeed

In the Senate, I listened to debates regarding the Defense budget and Foreign Policy. Those of us who supported aid to Israel were accused of supporting war-mongers. I came to the decision that in my philosophy the guaranty of freedom for Israel was important and I co-introduced the "PLO Compliance Act" in 1988, a proposal which became law thereby ensuring that the PLO actions complied with their promises.

The survival of Israel is about democracy, human rights and freedom. It is about all the ideals we hold dear as Americans. The ability of Israel to stand on its own two feet will only help the U.S. We need to send a message to people all around the world that we are willing to do what is needed to support democracies. The preservation of Israel is not by any means simply a military issue. It is an ideological one.

MS. KARUBIAN: You put it very well. It is an ideological issue very much tied to the survival of a people surrounded by those who wish them crushed. Senator, how do you feel about the acts of terrorism against Israel and the role of the U.S. in allocating blame?

SENATOR MACK: The U.S. has to be more focussed in its treatment of all terrorists. We

must not only stop supplying those countries that export terrorism with military hardware; we must impede their ability to borrow money from the World Bank. And we must act to convince our Western allies to do likewise.

MS. KARUBIAN: Do you foresee Syria being taken off the list of terrorists as a result of President Clinton's recent remarks applauding Syria's restraint against Israel?

SENATOR MACK: I don't know. I suppose it's a possibility. On July 29, 1993, I wrote a letter to President Clinton which reads in part as follows:

"... It is time for the U.S. to stop treating terrorists, their supporters, and their victims with the same broad brush ... To commend Syria ... is like commending an arsonist for not attacking the fire trucks rushing to put out the flames. Praising the aggressor is wrong, and a tragic mistake. Our role as a nation must be to condemn terrorism and aggression and affirm the victim's - Israel's - right of self-defense..."

I'm quite honestly very surprised that there wasn't more of a public reaction to Clinton thanking Syria for its restraint. I have real reservations about trusting a totalitarian leadership. We need to determine what Syria's true intention is. The Arabs are known to have a dualistic policy. There is the policy they tell us about and the policy they in fact follow. Arafat has been told by other Arab leaders that he can do whatsoever he chooses and just tell the West what the West wants to hear. How can we trust people like that?

MS. KARUBIAN: Are you satisfied with President Clinton's overall philosophy in dealing with the Middle East?

SENATOR MACK: There is a general sense in the Senate that the Clinton administration is headed basically in the right direction and we are hesitant to push too much at this point.

MS. KARUBIAN: Senator, there is a lot of

SENATOR CONNIE MACK

Senator Connie Mack is the Junior Republican United States Senator from Florida. He was sworn into the U.S. Senate in January of 1989 for a six-year term after serving six years in the House of Representatives. Senator Mack presently serves on four Senate committees: Appropriations, Banking, Housing and Urban Affairs, Joint Economics and Small Business.

Throughout his time in the Senate, Senator Mack has repeatedly demonstrated his support for Israel. He has authored, cosponsored and lent his support to every measure of importance to U.S.-Israeli relations.

His outstanding voting record in the Senate includes his support for HR 5368, a bill which was voted on in October of 1992 providing for \$3 billion in all-grant aid to Israel and \$10 billion in loan guarantees, along with other pro-Israel provisions. He helped facilitate passage of that bill in the Senate by 87 to 12. The Senator also supported the "Lautenberg Resolution" in April of 1992 which encouraged the U.S. Government's support of loan guarantees to Israel for refugee absorption.

In June of 1992, Senator Mack cosponsored Congressional Resolution 113 which commemorated the twenty-fifth anniversary of the re-unification of Jerusalem and declared that city the undivided capital of Israel.

On August 18, 1993 I had the pleasure of being amongst a handful of guests invited to tea at the home of Fran and Arthur Sherwood in Brentwood to meet Senator Mack and his

lovely wife, Priscilla, and to question the Senator regarding his views on Israel.

MS. KARUBIAN: Senator Mack, our readership appreciates your time with us this afternoon. Senator, I find it intriguing that you are one of Israel's staunchest supporters in the Senate; yet you yourself are Republican, a conservative, a Southerner, and a non-Jew. How do you explain your pro-Israeli stand?

SENATOR MACK: I think that is an excellent question for I believe it is very important not only to know how a member of the Congress has voted in the past but also to understand why he or she has vote that way so that one can predict that person's future votes.

My decision to support Israel is a decision made on both emotional and rational grounds.

The determination of the people of Israel to build a new country has always captured my imagination. But until 1982 when I ran for the House of Representatives, I was sadly ignorant about the State of Israel. I was scheduled to address a very small number of Jewish people in a small town in Florida, and I was most uncomfortable when I realized I was unable to respond to their questions and concerns. After I won that election, I held regular meetings with a representative of AIPAC at my office. I learned about the map of Israel and I came to appreciate something of the history of Israel and its unique problems.

Then, in 1987 I made a trip to Israel with my wife, Priscilla and soon after we

Rav Zvi Hirsch Kalischer and Rav Yehuda Alkalai, became convinced that Jews needed to reestablish their own nation in their ancient homeland. The latter two based their thoughts on Jewish tradition and were convinced that the messianic age would emerge only through a natural and lengthy process of Jews resettling the land of Israel and creating an independent nation, and not through a sudden miraculous unknown event.

ANTI-SEMITIC VIOLENCE

Conditions were different in Eastern Europe. For example, in Russia, As the Jewish *maskilim* (the enlightened) tried to grow closer to the Russian people, they were met with a wave of hatred culminating in the bloody pogroms of 1881 in which hundreds of Jews were massacred while the police stood by, passively watching, and claiming that this was a spontaneous reaction of the people to "*Jewish exploitation.*"

This physical threat towards Jews disillusioned many of the *maskilim* including a man named Leo Pinsker who was the most assimilated among the Russian Jews. He embraced the idea of Zionism as a result of the 1881 pogrom and wrote a pamphlet called "Auto-Emancipation" in which he claimed that, "*...the Jewish people lack most of those attributes which are a hallmark of a nation, it lacks that characteristic national life which is inconceivable without a common language, common custom, and a common land. The people are everywhere a guest and nowhere at home....*"

Pinsker further argued that the Jews should establish a nation in any land they could get their hands on, and not necessarily Palestine. Others, however, particularly the society of "Lovers of Zion" (*Hovevei Zion*), which had been formed in various Eastern European countries, supported not only a national renaissance of Jewish language and culture, but also a return specifically to Eretz Israel.

THE FIRST WAVE OF IMMIGRANTS

Action followed words; from 1882 to 1903, some 25,000 Jews immigrated to Palestine which was then under the rule of the Ottoman Empire. With the help of Jewish philanthropists, such as Baron Edmond de Rothschild, they established agricultural colonies. Meanwhile the Zionist leader, Theodore Hertzl, propelled Zionism into the realm of international politics, and in his pamphlet, "The Jewish State," echoed the thoughts of his predecessors, Hess and Pinsker, and called for the establishment of the State of Israel in Palestine.

He argued that the Jews were a nation and

should organize themselves into a Jewish society with the goal of obtaining a land, preferably Palestine, in order to have an independent national life. The Western nations, he proposed, would benefit by this since it would solve the political and economic problems which lead to anti-Semitism.

"*The world needs a Jewish state,*" he stated, "*therefore it will arise.*"

On August 29, 1897, Hertzl established the first Zionist Congress in Basel, Switzerland, in which 197 delegates representing almost every country where Jews lived, gathered together to discuss the future of the Zionist movement. There, The World Zionist Organization, with members in every country, was established.

"*Zionism seeks to establish for the Jewish people a publicly recognized, legally secured home in Palestine,*" declared the Congress.

THE BRITISH MANDATE

In 1917, the Zionist movement received a long awaited boost. James Balfour, Britain's Secretary for Foreign Affairs, issued the Balfour declaration stating that, "*His Majesty's Government view with favor the establishment in Palestine of a national home for the Jewish people.*" A few weeks later, when British troops under General Allenby marched into Jerusalem, it seemed as though the exile of Jews from the Land of Israel had come to an end.

Active Zionists continued to enter Israel. Between 1904 and 1914, a second wave of immigration brought nearly 40,000 Jews, mostly labor Zionists, into Palestine, who set up many moshavim and kibbutzim. The second Aliyah formed the first Jewish political parties and laid the foundations of the Hebrew press and modern Hebrew literature.

Between 1918 and 1922, another 35,000 Jewish immigrants arrived in Palestine, mostly from Eastern Europe. The Jewish National Fund was established in 1920 to buy land from the Arabs usually at exorbitant prices. Most of the land purchased was either arid or swampy and had to be converted to irrigable, fertile land.

The Arab residents of Palestine, however, took a dim view of these developments and expressed their antagonism towards the newly arrived immigrants by staging riots and violent civil disturbances resulting in the massacre of many Jews. For example in 1929 alone some 133 Jews were killed in Jerusalem and another 59 in Hebron.

With each wave of riots, investigative

commissions were sent into Palestine from Britain to evaluate the situation. These visits resulted in the issuance of the White Papers which curtailed Jewish immigration and land purchases. With every outbreak of Arab violence, the British further reduced Jewish rights in Palestine.

THE HOLOCAUST

The British White Paper of 1939, which was issued on the Eve of the outbreak of World War II, declared that their commitment to the establishment of a Jewish State was complete and that Jewish immigration to Palestine was to be nearly halted. In the next five years only 75,000 Jews would be allowed to immigrate to Palestine, and no more were to be permitted without Arab consent.

While millions of Jews in Europe faced annihilation, the White Paper aimed to put a stop to their immigration to Palestine and a choke-hold on the Zionist movement. Thus, Illegal immigration became the only option for many Zionists as 15,000 Jews were brought into Palestine illegally from 1939 to 1944.

Meanwhile, Jewish defense forces were created to fight the Arabs and the British while simultaneously, Jewish legions entered the British army to fight the Nazis. As it turned out, however, no one was able to prevent the wholesale slaughter of six million European Jewish men, women and children, nearly one third of world Jewry, at the hands of the Nazis, in what has become to be known simply as the "*Holocaust*."

INDEPENDENCE

During and after World War II tensions mounted between the Arabs, Jews and the British in Palestine. Britain, no longer able to cope, handed over the issue of Palestine to the United Nations, which on November 9, 1947, issued the Partition Plan for Palestine, creating a Jewish and an Arab state in Palestine. Although the Arabs rejected the document, the Jews welcomed it and went on to declare their independence and the establishment of the Jewish State of Israel on May 14, 1948.

Instantaneously, the five Arab armies of Egypt, Transjordan, Syria, Lebanon and Iraq invaded the newly reestablished nation of Israel, but Israel surmounted the overwhelming odds against her survival and maintained its independence. Within a short period of time, the idea of a Jewish state went from pen marks in the notebook of great dreamers to the tangible reality of its existence.

Between 1948 and 1973, the population of

Israel rose from 657,000 to over 3 million, largely due to the immigration of Jews from Europe and the Arab countries.

One of the fundamental ideas of Zionism is that Jews have a haven when they are threatened spiritually and physically. This is embodied in the "*Law of Return*," which guarantees instant citizenship to any Jew who moves to Israel. A Jew seeking sanctuary would not be delayed by bureaucracy or technicalities. Thus for the first time in history, the doors to Jewish immigration would never be shut. Non-Jews can also become citizens of Israel, but they have to go through standard naturalization processes.

In 1968, the Zionist movement redefined itself and stated its goal as the following:

- 1) The Unity of the Jewish people and the centrality of Israel in Jewish life.
- 2) The gathering of the Jewish people in its historic homeland.
- 3) The strengthening of the State of Israel which is based on the prophetic vision of justice and peace.
- 4) The preservation of the identity of the Jewish people through the fostering of Jewish and Hebrew education.
- 5) The protection of Jewish rights everywhere.

THE U.N. RESOLUTION OF 1975

Perhaps the greatest blow to Zionism was dealt in 1975 when, at the behest of the Arab nations, the United Nations passed a resolution stating that: "*Zionism is a form of racism and racial discrimination*." The Jewish nationalistic movement, aimed at saving Jews from racial discrimination, was now being accused of racial discrimination because it had succeeded in creating a Jewish state. It took nearly seven years before the U.N. realized the folly of this declaration and revoked it.

While many jump to the conclusion that Zionism is racism, they ignore that there are Arabs sitting in Israel's Parliament, and that Israel is continually absorbing thousands of black Jews from Ethiopia, and that Israel's Declaration of Independence grants political and social freedom to people regardless of religion, race, and sex.

Today Israel continues to absorb thousands of immigrants from the Soviet Union, Ethiopia, South America and many other countries. Zionism never was and never will be a monolithic movement. For every Jew it has a different meaning. However, common to all Zionist hearts is an irrevocable love for the piece of land they can call home. ***

Original paper written by: Dora Elghanayan
Edited and recomposed by: Ebrahim Victory

THE HISTORY OF ZION

The Arab states and the U.N. equate it with racism. Jews from all over the world credit it with rescuing the Jewish people. For some, Zionism is the most basic of beliefs. For others, it is a conveniently misunderstood concept used for political baiting.

The belief that the Jewish people should live in the land of Israel as an autonomous nation is rooted in a history that may go back as far as 2000 years, or be as recent as 100 years. To forge a firm understanding of Zionism, which is often deliberately distorted, a knowledge of the history that culminated in the formation of the State of Israel is crucial.

ROOTS OF ZIONISM

While Zionism is mostly thought of as a modern phenomenon, it is not exclusive to recent history. Ever since the Jews were exiled from Jerusalem by the Roman army in 70 B.C., the longing to return to Zion, the poetic name for the Land of Israel, carved itself within every Jewish heart. Worldwide, Jews chanted their daily prayers facing toward Jerusalem, and studied the Prophet's words about their return to the homeland. Even with the exile of a majority of Jews from Israel, some continued to live there supplemented throughout the centuries with a small but steady flow of Jews returning to settle in the land. Thus, the Jews remained in constant touch with Israel spiritually and physically.

However, it is only within the past century that

Zionism changed from merely a desire of one day rebuilding the Jewish nation, into a dynamic international movement aimed at uniting Jews across the world into a cohesive force. Zionism, therefore, turned the dream of "*next year in Jerusalem*" into the reality of "*this year in Jerusalem*."

Many factors contributed to the resurgence of Jewish nationalism, foremost among them was the emancipation of Jews in Western European countries and the spread of nationalistic movements throughout all of Europe in the 1860s and the 1870s. During this period, emancipated Jews began to redefine themselves as the citizens of the country in which they lived, and no longer expected to be regarded as a separate entity living in the ghettos.

Many Jews, in fact assimilated, hoping this would put an end to anti-Semitism. However, while these Jews were granted equal rights legally, they were not accepted socially.

Thus a new form of anti-Semitism emerged which had a more deadlier racial overtones. As Moses Hess, a German Jew, wrote in his book, *Rome and Jerusalem, "Reform, conversion, education, and emancipation - none of these open the gates of society to the German Jew."*

Moses Hess, along with his contemporaries,

خدمات بیمه نهائی

تلفن ۲۱۳-۸۵۸-۵۸۰۰



**NAHAI
INSURANCE SERVICES**

433 N. Camden Drive, Suite 810
Beverly Hills, CA 90210

TEL: (310) 858-5800

FACSIMILE: (310) 273-5981

K. BANAYAN & ASSOCIATES
ATTORNEYS AT LAW



دفتر حقوقی

کورش بنایان

وکیل رسمی دادگستری آمریکا

دکترای حقوق از آمریکا

فوق تخصص حقوق بین المللی از انگلستان

امور ملکی ، تجاری (تاسیس شرکت ها ، تهیه و تنظیم
اساسنامه و قراردادها) ، دعاوی داخلی و بین المللی

تصادفات و صدمات بدنی

(310) 785-0800

1801 Century Park East, Suite 1460, Los Angeles, CA. 90067

Facsimile (310) 785-3908

Design: Saeeed Bladat

NON-PROFIT ORG.
U.S. POSTAGE
PAID
BEVERLY HILLS, CA
PERMIT NO. 236

Beverly Hills, CA 90210-5504

Dr. Soleyman Aghaee
121 N Oakhurst Dr



ADDRESS CORRECTION
REQUESTED:

IRANIAN JEWISH FEDERATION
6505 Wilshire Blvd., Suite 811
Los Angeles, CA 90048

SHOFAR